

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

# شرح اربعین نووی

تهیه و تألیف:

شورای عالی مدارس اهل سنت و جماعت جنوب

آموزش مجازی

## فهرست

- حدیث اول: إنما الأعمال بالنیات ..... ۴
- حدیث دوم: اسلام، ایمان، احسان و نشانه‌های قیامت ..... ۹
- حدیث سوم: پایه‌های اسلام ..... ۱۵
- حدیث چهارم: مراحل آفرینش انسان و سرانجام او ..... ۱۹
- حدیث پنجم: نوآوری در دین پذیرفته نیست ..... ۲۴
- حدیث ششم: پرهیز از شبهه‌ها ..... ۲۸
- حدیث هفتم: خیرخواهی در دین ..... ۳۲
- حدیث هشتم: حرمت شخص مسلمان ..... ۳۶
- حدیث نهم: نهی از پرسش بسیار و تکلف و سخت‌گیری در امور دین ..... ۴۰
- حدیث دهم: حلال خوری سبب استجاب دعا است ..... ۴۴
- حدیث یازدهم: تکیه بر یقین و دوری از شک و تردید ..... ۴۷
- حدیث دوازدهم: مشغولیت به کارهای مفید ..... ۵۰
- حدیث سیزدهم: برادری ایمانی و اسلامی ..... ۵۲
- حدیث چهاردهم: حرمت مسلمان ..... ۵۵
- حدیث پانزدهم: از ویژگی‌ها ایمان ..... ۵۹
- حدیث شانزدهم: پرهیز از خشم ..... ۶۲
- حدیث هفدهم: فراگیر بودن نیکی و احسان ..... ۶۵
- حدیث هجدهم: تقوا و خوش اخلاقی ..... ۶۹
- حدیث نوزدهم: در نظر داشتن خداوند عزوجل ..... ۷۳
- حدیث بیستم: حیاء از ایمان است ..... ۷۸
- حدیث بیست و یکم: استقامت و پایداری ..... ۸۱
- حدیث بیست و دوم: راه رسیدن به بهشت ..... ۸۵

- حدیث بیست و سوم: مجموعه‌ای از نیکی‌ها ..... ۸۹
- حدیث بیست و چهارم: نعمت‌ها و لطف خداوند بر بندگانش ..... ۹۳
- حدیث بیست و پنجم: رقابت در نیکی‌ها و فضیلت یاد الله ..... ۹۹
- حدیث بیست و ششم: فراوان بودن راه‌های خیر ..... ۱۰۳
- حدیث بیست و هفتم: شناخت نیکی و گناه ..... ۱۰۷
- حدیث بیست و هشتم: پند و اندرز شیوا ..... ۱۱۱
- حدیث بیست و نهم: راه نجات ..... ۱۱۶
- حدیث سی‌ام: پایبندی به قوانین شرع ..... ۱۲۲
- حدیث سی و یکم: فضیلت زهد ..... ۱۲۷
- حدیث سی و دوم: نهی از ضرر رساندن ..... ۱۳۱
- حدیث سی و سوم: قضاوت در اسلام ..... ۱۳۴
- حدیث سی و چهارم: تغییر منکر ..... ۱۳۸
- حدیث سی و پنجم: برادری اسلامی و حقوق مسلمان ..... ۱۴۱
- حدیث سی و ششم: فضیلت یاری مسلمان و آموختن دانش ..... ۱۴۵
- حدیث سی و هفتم: نوشته شدن نیکی‌ها و بدی‌ها ..... ۱۴۹
- حدیث سی و هشتم: پرهیز از دشمنی با دوستان الله ..... ۱۵۳
- حدیث سی و نهم: از ویژگی‌های امت محمد ﷺ ..... ۱۵۶
- حدیث چهلم: غنیمت شمردن لحظه‌ها پیش از فرا رسیدن وفات ..... ۱۵۸
- حدیث چهل و یکم: پیروی کردن از پیامبر ﷺ ..... ۱۶۱
- حدیث چهل و دوم: وسعت آمرزش خداوند ﷻ و خطر شرک ..... ۱۶۴

\*\*\*\*\*

## حدیث اول: إنما الأعمال بالنیات

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِي حَفْصِ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رضي الله عنه قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ، وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى، فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ فَهَجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ لِدُنْيَا يُصِيبُهَا أَوْ امْرَأَةٍ يَنْكِحُهَا فَهَجْرَتُهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ». رواه إماما المُحدِّثين: أبو عبد الله محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة بن بردزبه البخاري وأبو الحسين مسلم بن الحجاج بن مسلم القشيري التيسابوري في صحيحيهما الذين هما أصح الكتب المصنفة<sup>1</sup>.

معرفی راوی:

- عمر بن الخطاب بن نُفیل القرشي العدوي، ابوحفص
- او پنج سال پیش از هجرت مسلمان شد و مسلمان شدنش گشایش و عزتی برای مسلمانان شد چنانکه ابن مسعود - رضی الله عنه - می گوید: خداوند را آشکارا پرستش نکردیم تا اینکه عمر مسلمان شد
- اولین شخصی است که در اسلام ملقب به امیرالمؤمنین شد.
- او به علت صراحت، جرأت و شجاعت در زمینه حق، توسط رسول الله ﷺ به فاروق و ابوحفص ملقب شده بود.
- دومین خلیفه و جانشین رسول الله ﷺ در حکومت اسلامی است که ده سال و شش ماه خلافت کرد و در دوران او، ایران و مصر و بسیاری از کشورهای دیگر فتح شده و مردمش مسلمان شدند.
- از عشره مبشره، یعنی یکی از ده تنی است که رسول الله ﷺ به آنها در زمان حیاتشان وعده بهشت داد.
- اولین کسی است که در نظام حکومت اسلامی، تعیین حاکم را به شورا واگذار کرد.
- بسیار زاهد و قانع بود و در دوران خلافتش سختی های زیادی را بر خود و خانواده اش متحمل شد.
- به سخت گیری در زمینه حق و عدالت شهره بود و در خلافتش کسی جرأت سوء استفاده از مقام و منصب را نداشت.

<sup>1</sup> - صحیح بخاری (۱)، صحیح مسلم (۱۹۰۷)

• ۵۳۷ حدیث از رسول الله ﷺ روایت نموده است.

۶۳ سال زیست و در سال ۲۳ هجری قمری با خنجر مسموم ابولؤلؤ مجوسی در مدینه منوره و محراب مسجد رسول الله ﷺ به شهادت رسیده و در کنار رسول الله ﷺ و ابوبکر رضی الله عنهما در حجره ام المؤمنین عائشه رضی الله عنها دفن شد.

### کلمات جدید:

الحفص: شیر، ابوحفص: کنیه عمر بن خطاب رضی الله عنه می باشد

إِنَّمَا: فقط، حرف حصر و تأکید است.

الأعمال: کارها، منظور عبادات است یا همه تصرفات

النِّيات: نیت‌ها، قصدهای قلبی است که در هنگام انجام عبادت یا هر کاری مورد نظر انسان است.

هجرة: اصل هجرت به معنای رها کردن است و در اینجا مراد انتقال از سرزمین شرک به سرزمین

اسلام است

امْرِي: شخص، کس

نَوَى: نیت کرد

لِدُنْيَا يُصِيبُهَا: برای به دست آوردن امور دنیوی

### ترجمه حدیث:

از امیر مؤمنان ابو حفص عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت است که گفت: از رسول الله ﷺ شنیدم که

فرمود: همانا (قبولی) اعمال و کردار به نیت بستگی دارد، و هرکس از کردارش به اندازه نیتش اجر و ثواب

می برد، پس کسی که هجرت و انتقال او (به مدینه) برای خدا و پیامبر بوده باشد، این هجرت به سوی خدا و

پیامبر اوست، و هرکس هجرتش به خاطر مال دنیا باشد و یا به خاطر زنی که بخواهد با او ازدواج کند،

(اهمیت) هجرت او برابر با همین قصد و همت اوست.

### اهمیت حدیث:

علما این روایت را مهمترین حدیث معرفی کرده‌اند زیرا در موضوع اخلاص در بندگی و عبادت سخن می‌گویند که مهمترین اساس دینداری است.

به همین دلیل ائمه بزرگوار آن را در صدر کتاب‌هایشان ذکر کرده‌اند و امام نووی - رحمه الله - نیز به پیروی از دیگران این روایت را اولین حدیث کتابش قرار داده است.

امام شافعی و امام احمد - رحمهما الله - فرموده‌اند: یک سوم علم، در حدیث إنما الأعمال بالنیات، وجود دارد.

امام ابن رجب حنبلی - رحمه الله - می‌فرماید: این حدیث، یکی از احادیثی است که دین بر محور آن می‌چرخد.

ابوداود رضی الله عنه می‌گوید: این حدیث - إنما الأعمال بالنیات - نصف اسلام است زیرا دین، یا ظاهری است که همان عمل است و یا باطنی که نیت است.

### شرح مختصر حدیث:

این حدیث انسان مسلمان را به اخلاص در عبادت فرا می‌خواند و بر اهمیت آن تأکید می‌کند، زیرا هیچ عملی بدون اخلاص پذیرفته نیست و لذا هرکس به اندازه اخلاصی که در بندگی و عبادت دارد از آن اجر و ثواب می‌برد.

آیا «اعمال» در این حدیث شامل هر عملی - چه عادت باشد و چه عبادت - می‌شود؟

هر دو قول گفته شده است. عده‌ای از علما بر این باورند که منظور عبادت‌ها است، پس معنای آن چنین می‌شود: هیچ عبادتی، صحیح، یا معتبر یا مقبول نیست مگر با نیت.

و اگر بنا به قول علمای دیگر، تمامی اعمال مراد باشد، منظور این است که انسان باید در تمامی کارها و تصرفاتش اخلاص داشته باشد تا بندگی‌اش را برای الله ثابت کند.

و شاید این قول معقول‌تر و فراگیرتر باشد، زیرا الله بر تمامی کارهای انسان پاداش نوشته یا کیفر می‌دهد که بستگی به نیت دارد و از آنجایی که هجرت به سوی الله و رسولش اساس دینداری است رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم آن را مثال زد و اگر نه هر عملی باید برای الله باشد.

هجرت به سوی الله، برای طاعت و بندگی و به جای آوردن او امر او است و هجرت به سوی رسول الله ﷺ، فراگرفتن دین و اطاعت از ایشان است.

و به خاطر عظمت هجرت به سوی الله و رسولش، و با برکت بودن آن، و اینکه هجرت یکی از بهترین کارهای پسندیده در اسلام به شمار می‌رود، آن را نام برده و تکرار نمود.

اما هجرت به قصد رسیدن به متاع دنیوی، با تمام مشکلاتی که ممکن است به همراه داشته باشد هیچ پاداش اخروی ندارد و لذا به خاطر تحقیر هدف و مقصد، فرمود: «إلی ما هاجر إلیه» یعنی همین است و بس.

فقهاء درباره نیت بحث درازی دارند که اینجا جای ذکرش نیست؛ آنچه که درباره نیت مهم است بدانیم این است که قصد قلبی انسان برای انجام هر کاری را نیت می‌گویند که صلاح و فساد (درستی و تباهی) آن کار را تعیین کرده و اجر و ثوابش نیز بدان بستگی دارد.

به همین دلیل شارع حکیم، بارها بر اصلاح قلب که جای نیت است تأکید فرموده‌اند.

### تخریج حدیث:

این حدیث را امام بخاری و امام مسلم به اتفاق نقل کرده‌اند هرچند ممکن است در الفاظ روایات، نزد این دو امام اختلافاتی باشد ولی در معانی کلی حدیث اتفاق دارند و لذا حدیث در رتبه بالایی از صحت قرار دارد و در اصطلاح محدثین به آن حدیث «متفق علیه» گفته می‌شود.<sup>۱</sup>

اما منظور از امام بخاری رحمته الله: شیخ و پیشوای حدیث، محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره بن بردزبه بخاری است که در قرن سوم هجری در بخارا می‌زیست. او در طلب علم حدیث سفرهای بسیاری کرده و کتاب‌های فراوانی نوشت که کتاب «الجامع الصحیح المسند المختصر من أحادیث رسول الله ﷺ و سننه وأیامه» مشهور به «صحیح بخاری» سرآمد آنهاست و موثق‌ترین کتاب نزد اهل سنت و جماعت است. او در سال ۲۵۶ هـ در بخارا که در ازبکستان امروزی واقع است، درگذشت.

اما امام ابوالحسن مسلم بن الحجاج نیشابوری از معاصران امام بخاری و شاگرد ایشان، نیز یکی دیگر از علمای برجسته علم حدیث می‌باشد که کتاب «الجامع الصحیح» ایشان از نظر صحت روایات در

<sup>۱</sup> - زیرا هر دو امام از یک صحابه یعنی عمر بن خطاب رضی الله عنه - این حدیث را روایت کرده‌اند، در صورتی که صحابه متفاوت باشند گفته می‌شود: أخرجه الشیخان.

رتبه دوم و از نظر نظم و ترتیب در رتبه اول قرار دارد. امام مسلم از علمای بارز و مشهور قرن سوم به شماره می‌رود و در سال ۲۶۱ هـ در نیشابور درگذشت.

[صحیح البخاری - کتاب بدء الوحي - باب بدء الوحي؛ ح ۱] [صحیح مسلم - کتاب الإمارة - باب قوله صلى الله عليه وسلم إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّةِ وَأَنَّهُ يَدْخُلُ فِيهِ الْعَزُّ وَعَبْرُهُ مِنَ الْأَعْمَالِ؛ ح ۱۹۰۷]

### فواید و برداشت‌هایی از حدیث:

- ۱- اهمیت اخلاص در تمامی کارها، به ویژه عبادت‌ها
- ۲- ضرورت و اهمیت اصلاح نیت در کارها، به ویژه عبادت‌ها
- ۳- نیت در درستی یا نادرستی کارها نقش اساسی را دارد.
- ۴- پاداش و مجازات کارهای انسان به نیت او بستگی دارد.
- ۵- نیت در همه عبادت‌ها شرط و رکن اول است.
- ۶- با نیت می‌توان عادت را به عبادت تبدیل کرد.
- ۷- استفاده از مثال برای فهماندن بهتر موضوع به شنونده و تفهیم آن.
- ۸- هجرت یکی از بهترین و مهمترین عبادت‌ها است که باید برای الله و رسولش ﷺ باشد.

\*\*\* \*\* \*\*



## حدیث دوم: اسلام، ایمان، احسان و نشانه‌های قیامت

عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رضي الله عنه قَالَ بَيْنَمَا نَحْنُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله ذَاتَ يَوْمٍ إِذْ طَلَعَ عَلَيْنَا رَجُلٌ شَدِيدُ بَيَاضِ الثِّيَابِ شَدِيدُ سَوَادِ الشَّعْرِ لَا يُرَى عَلَيْهِ أَثَرُ السَّفَرِ وَلَا يَعْرِفُهُ مِنَّا أَحَدٌ حَتَّى جَلَسَ إِلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله فَأَسْنَدَ رُكْبَتَيْهِ إِلَى رُكْبَتَيْهِ وَوَضَعَ كَفَّيْهِ عَلَى فَخْذَيْهِ وَقَالَ يَا مُحَمَّدُ أَخْبِرْنِي عَنِ الْإِسْلَامِ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «الْإِسْلَامُ أَنْ تَشْهَدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَتُقِيمَ الصَّلَاةَ وَتُؤْتِيَ الزَّكَاةَ، وَتُصُومَ رَمَضَانَ وَتُحَاجَّ الْبَيْتَ إِنْ اسْتَطَعْتَ إِلَيْهِ سَبِيلًا.

قَالَ صَدَقْتَ. قَالَ فَعَجِبْنَا لَهُ يَسْأَلُهُ وَيُصَدِّقُهُ. قَالَ فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْإِيمَانِ. قَالَ «أَنْ تُؤْمِنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَتُؤْمِنَ بِالْقَدْرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ». قَالَ صَدَقْتَ.

قَالَ فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْإِحْسَانِ. قَالَ «أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ».

قَالَ فَأَخْبِرْنِي عَنِ السَّاعَةِ. قَالَ «مَا الْمَسْئُولُ عَنْهَا بِأَعْلَمَ مِنَ السَّائِلِ». قَالَ فَأَخْبِرْنِي عَنْ أَمَارَتِهَا؟ قَالَ «أَنْ تَلِدَ الْأُمَّةُ رَبَّتَهَا وَأَنْ تَرَى الْخُفَاةَ الْعُرَاةَ الْعَالَةَ رِعَاءَ الشَّاءِ يَتَطَاوَلُونَ فِي الْبُنْيَانِ». ثُمَّ انْطَلَقَ فَلَبِثْتُ مَلِيًّا ثُمَّ قَالَ «يَا عُمَرُ أَتَدْرِي مِنَ السَّائِلِ؟». قُلْتُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ. قَالَ «فَإِنَّهُ جِبْرِيلُ أَتَاكُمْ يُعَلِّمُكُمْ دِينَكُمْ». رواه مسلم<sup>۳</sup>.

### معرفی راوی:

راوی این حدیث عمر بن خطاب رضي الله عنه است که در شرح حدیث اول به آن پرداخته شد.

### کلمات جدید:

بَيْنَمَا: در حالی که

نَحْنُ: ما، ضمیر جمع متکلم

<sup>۱</sup> - در نسخه خطی مکتبه داماد ابراهیم پاشا که در کتابخانه سلیمانیه ترکیه وجود دارد به شماره (۷/۳۹۶) و در صحیح مسلم به این شکل و بدون کلمه جلوس است و اکثر نسخه‌های چاپی کلمه «جُلُوسٌ» را اضافه کرده‌اند

<sup>۲</sup> - به همین صورت (اماراتها) در نسخه ترکیه و صحیح مسلم آمده است و امام نووی در «باب الإشارات إلى ضبط الألفاظ المشكولات» همین را آورده است اما در برخی از نسخه‌های خطی «اماراتها» آمده که روایت احمد و ابوداود و نسائی و دیگران است.

<sup>۳</sup> - صحیح مسلم (۸)

جُلوس: نشستگان، هم‌مجلسی‌ها

ذَاتِ يَوْمٍ: روزی

طَلَعَ: آشکار شد، وارد شد

بِيَاضِ الثِّيَابِ: دارای لباس سفید، که دلالت بر پاکی دارد.

سَوَادِ الشَّعْرِ: سیاه موی، که دلالت بر مرتب بودن سر و وضع انسان است

رُكْبَتَيْهِ: دو زانویش

كَفَّيْهِ: دو کف دستانش

فَخِدْيَيْهِ: دورانش

أَخْبِرْنِي: مرا خبر ده، آگاه ساز

فَعَجِبْنَا لَهُ: از او تعجب کردیم

يُصَدِّقُهُ: تصدیقش می‌کند، سخنانش را درست می‌پندارد

كَأَنَّكَ: مثل اینکه تو، گویی که تو

السَّائِلِ: سؤال کننده

أَمَارَاتِهَا: علامت‌ها و نشانه‌های آن

تَلِدَ: به دنیا آورد، بزاید

الْأُمَّةُ: کنیز، خانم، زن

رَبَّتْهَا: سرورش، بزرگش

الْحُفَاةَ: پا برهنگان

الْعُرَاةَ: عریان‌ها

الْعَالَةَ: فقیران، گرسنه‌ها

رِعَاءَ الشَّاءِ: چوپان گوسفندان، گوسفند چران‌ها

يَتَطَاوُلُونَ: بلند و طولانی می کنند

الْبُنْيَانِ: ساختمان

انْطَلَقَ: رفت، بیرون شد

لَيْثٌ: ماندم. مکث کردم

مَلِيًّا: مدتی

ترجمه حدیث:

از امیرالمؤمنین عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت است که فرمود: روزی در حالی که ما نزد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بودیم ناگهان مردی بر ما وارد شد با لباسی بسیار سفید و موی بسیار سیاه، اثری از سفر در او نبود و کسی از ما نیز او را نمی شناخت، تا اینکه به سوی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رفته و نشست، زانوهایش را به زانوهای آنحضرت تکیه داد و دستانش را بر رانش گذاشت و گفت: ای محمد، مرا از اسلام آگاه ساز؟

پس رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «اسلام این است که گواهی دهی هیچ معبود برحق نیست مگر الله و اینکه محمد فرستاده الله است و نماز بپا داری و زکات ادا کنی و رمضان را روزه بگیری و اگر توانستی حج بیت الله را به جای آوری» او گفت: راست می گویی. پس ما تعجب کردیم که خود از او می پرسد و سپس تصدیقش می کند. گفت؛ پس مرا از ایمان آگاه ساز؟

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «اینکه به الله و فرشتگان و کتابهای الهی و پیامبران الهی و روز آخرت ایمان بیاوری و نیز به تقدیر خیر و شر ایمان داشته باشی»

او گفت: راست می گویی. سپس گفت: پس مرا از احسان آگاه ساز؟

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «اینکه الله را چنان عبادت کنی که گویا او را می بینی پس اگر او را نمی بینی، پس (بدانی) او تو را می بیند».

گفت: مرا از (زمان وقوع) قیامت آگاه ساز؟

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «سؤال شده نسبت به آن، از سؤال کننده آگاه تر نیست (یعنی من هم مانند تو بی خبرم)

گفت: مرا از نشانه اش آگاه ساز؟

پیامبر ﷺ فرمود: «اینکه زن سرورش را به دنیا بیاورد و اینکه پابرهنه‌های لخت و فقیر و گوسفندچران در بلند ساختن ساختمان از یکدیگر سبقت بگیرند»

سپس آن مرد رفت و من مدتی ماندم تا اینکه پیامبر ﷺ به من فرمود: «ای عمر آیا سؤال کننده را شناختی؟» گفتم: الله و رسولش بهتر می‌دانند. ایشان فرمود: «او جبرئیل بود، آمده بود تا دینتان را به شما بیاموزد»

### تخریج حدیث:

این حدیث که مشهور به حدیث جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَام است را امام بخاری و امام مسلم روایت فرموده‌اند، البته این لفظ امام مسلم است اما با عبارتهایی مشابه آن در کتاب‌های معتبر دیگر نیز روایت شده است که عبارتند از:

امام ترمذی در جامع و امام ابوداود و امام نسائی و امام ابن ماجه، در کتابهایشان مشهور به *سُنَن* و امام احمد در کتابش به نام *مُسْنَد*.

[صحیح مسلم - کتاب الْإِيمَانِ - باب بَيَانِ الْإِيمَانِ وَالْإِسْلَامِ وَالْإِحْسَانِ وَالْإِيمَانِ بِالْقَدَرِ؛ ح ۸] [صحیح البخاری - کتاب الْإِيمَانِ - باب سُؤَالِ جِبْرِيلَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الْإِيمَانِ وَالْإِسْلَامِ وَالْإِحْسَانِ وَعِلْمِ السَّاعَةِ؛ ح ۵۰] [جامع الترمذی - کتاب الْإِيمَانِ - باب مَا جَاءَ فِي وَصْفِ جِبْرِيلَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْإِيمَانَ وَالْإِسْلَامَ؛ ح ۲۶۱۰] [سنن أبي داود - کتاب السُّنَّةِ - الإسلام أن تشهد أن لا إله إلا الله وأن محمدا رسول الله وتقيم الصلاة وتؤتي الزكاة وتصوم رمضان وتحج البيت إن استطعت إليه سبيلا؛ ح ۶۹۵] [سنن النسائي - کتاب الْإِيمَانِ وَشَرَائِعِهِ - أن تشهد أن لا إله إلا الله وأن محمدا رسول الله؛ ح ۹۹۰] [سنن ابن ماجه - کتاب الْمُقَدَّمَةِ - شهادة أن لا إله إلا الله وأني رسول الله وإقام الصلاة وإيتاء الزكاة وصوم رمضان وحج البيت فقال صدقت؛ ح ۶۳] [مسند أحمد - مُسْنَدُ الْعَشْرَةِ الْمُبَشِّرِينَ بِالْحَنَّةِ - مُسْنَدُ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ - الإسلام أن تشهد أن لا إله إلا الله وأن محمدا رسول الله وتقيم الصلاة وتؤتي الزكاة وتصوم رمضان وتحج البيت إن استطعت إليه سبيلا؛ ح ۳۶۹]

### اهمیت حدیث:

ابن دقیق العید رحمته الله می‌گوید: این حدیث شامل تمامی وظایف و اعمال آشکارا و نهان است و تمامی علوم شریعت بدان بازگشته و از آن شاخه می‌گیرد زیرا علم سنت را در خود جمع کرده است و برای سنت مانند مادر است همانگونه که فاتحه مادر قرآن نامیده شده زیرا تمامی معانی قرآن را در بر دارد.

### شرح مختصر حدیث:

این حدیث یکی از کامل‌ترین و جامع‌ترین احادیثی است که در آن اصول کلی دین بیان شده است.

در این حدیث اسلام و ایمان و احسان تعریف می‌شود و اصول آن بیان می‌گردد همچنانکه برخی از نشان‌های قیامت نیز مطرح می‌شود.

اسلام و ایمان لازم و ملزوم یکدیگرند و در اصطلاح شرعی یکی به جای دیگری به کار می‌رود ولی اگر هر دو در کنار یکدیگر بیان شدند منظور از ایمان اعتقادات و باورهای درونی است و مراد از اسلام اعمال و کردار ظاهری است که بر ایمان دلالت می‌کند.

در دین و شریعت اسلام: کلمه اسلام معنای زیبا و جالب و کاملی دارد و آن تسلیم بودن انسان در قبال اوامر الهی است که با شهادتین آغاز شده و با نماز و روزه و زکات و حج ادامه می‌یابد که هر کدام حکمت خاص خود را دارد و ثمراتش را در فرد و جامعه به جای می‌گذارد.

ایمان نیز چنین است: اصول یا ارکان تشکیل دهنده امور ایمانی در دین اسلام دارای حکمت خاصی است که سلسله یک باور متکامل را در ذهن و وجود مسلمان پرورش می‌دهد.

ایمان به الله به عنوان تنها خالق و مالک و اداره کننده و روزی دهنده و فرمانروای دنیا و آخرت، همراه با ایمان به فرشتگان الهی به عنوان سربازان و مجریان دستورات الله در اداره کائنات و نیز ایمان به کتاب‌های الهی که در طول تاریخ بشر برای راهنمایی و سعادت بشریت نازل شده است و همچنین ایمان به تمامی پیامبران الهی به عنوان انسان‌های برتر و برگزیده برای دریافت پیام الهی و ابلاغ آن به بشریت و نیز ایمان به جهان آخرت با تمامی جزئیاتی که قرآن و سنت بیان کرده‌اند و نیز ایمان به اینکه تقدیر جهان به امر الهی است، در تمامی اتفاقات تلخ و شیرین آن؛ همه اینها مکمل یک رشته باور و اعتقاد است که مسلمان را در برابر تمامی شبهات و پرسش‌ها در دنیا راهنمایی و ارشاد می‌کند.

احسان نیز بابتی از ابواب اخلاق و تقوا است که درجاتی دارد و هر کس به قدر و اندازه تقوایش از آن بهره‌مند می‌شود.

قیامت نیز یکی از مسائل مهم است که هیچ کس جز الله از وقوع آن با خبر نیست، برای همین شریعت اسلام فقط به بیان نشانه‌های آن پرداخته است تا پیروان خود را از قرب وقوع آن آگاه سازد و آنها را از ارتکاب منکرات و بدی‌ها برحذر داشته و به توبه و انابه فرا بخواند.

## فواید و برداشتهایی از حدیث:

- ۱- رهبر باید متواضعانه در جمع یارانش بنشیند و آنها را نصیحت کند.
- ۲- ذکاوت امیرمؤمنان عمر رضی الله عنه در بررسی شخصیت مرد تازه وارد.
- ۳- امکان در آمدن جبرئیل به شکل انسان برای تسهیل آموزش دین.
- ۴- ادب طلب علم و رعایت حق معلم
- ۵- جایز بودن خطاب رسول الله صلی الله علیه و آله با نام ایشان.
- ۶- جایز بودن پرسش از چیزی که شخص می فهمد، به هدف آموزش دیگران
- ۷- بیان ارکان یا پایه های اسلام
- ۸- بیان ارکان یا پایه های ایمان
- ۹- بیان مرتبه های احسان
- ۱۰- حرام بودن ادعای آگاهی از غیب
- ۱۱- عالم در صورت ندانستن مسئله ای باید به صراحت اعلام کند که نمی داند و هیچ عیبی در این نیست و نباید با ظن و گمان در مسائل دین سخن بگوید.
- ۱۲- اینکه هیچ کس از زمان وقوع قیامت آگاه نیست و زمان آن را تنها الله - متعال - می داند.
- ۱۳- بیان برخی از نشانه های قیامت.

\*\*      \*\*      \*\*

## حدیث سوم: پایه‌های اسلام

عَنْ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ<sup>١</sup>، وَإِقَامِ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ، وَحَجِّ الْبَيْتِ، وَصَوْمِ رَمَضَانَ<sup>٢</sup>». رواه البخاري ومسلم<sup>٣</sup>.

### معرفی راوی:

- راوی این حدیث عبدالله بن عمر بن خطاب بن نفیل قرشی العدوی است.
- او ملقب به ابو عبدالرحمن و یکی از جوانان قریشی بود که در کودکی با پدرش در مکه مسلمان شد و سپس به مدینه هجرت نمود.
- از علمای برجسته عصر صحابه به شمار می‌آید و از جمله چهار صحابه عالم و صاحب نظر است که به عبادله مشهور شده‌اند.
- شخصی فقیه، زاهد و بسیار با تقوا بود و در طلب علم و پایبندی به سنت رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - بسیار حریص و مشتاق بود.
- بارها حج و عمره به جای آورده و بسیار بذل و بخشش می‌نمود.
- ۲۶۳۰ حدیث روایت کرده و از جمله مکترون<sup>۳</sup> (روایت کننده‌ای که بیش از هزار حدیث روایت کرده باشد) به شمار می‌رود.
- در سال ۷۳ هجری و در سن ۸۷ سالگی در مکه مکرمه در گذشت.

### ترجمه حدیث:

از ابو عبدالرحمن، عبدالله بن عمر بن خطاب - رضی الله عنهما - روایت است که گفت: از رسول الله ﷺ شنیدم که می‌فرمود: «اسلام بر پنج ستون بنا شده است: گواهی بر اینکه هیچ معبود به حقی جز الله نیست و اینکه محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست و برپا داشتن نماز و پرداختن زکات و حج خانه خدا و روزه ماه رمضان».

<sup>۱</sup> - این لفظ صحیح مسلم است و در صحیح بخاری به جای عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، «رَسُولُ اللَّهِ» آمده است

<sup>۲</sup> - صحیح بخاری (۸) و صحیح مسلم (۱۶۲۱)

<sup>۳</sup> - سیوطی صحابه مکترون را در ألفیه الحدیث به نظم آورده و می‌گوید: وَالْمَكْتُوُونَ فِي رِوَايَةِ الْأَثَرِ ... أَبُو هُرَيْرَةَ يَلِيهِ ابْنُ عُمَرَ ... وَأَنَسُ وَالْبَحْرُ كَالْخُدْرِيِّ ... وَجَابِرٌ وَرُؤُوسَةُ النَّبِيِّ

## کلمات جدید:

بُنِي: بنا شده است

عَلَى خَمْسٍ: بر پنج، یعنی بر پنج ستون یا پایه

شَهَادَةٌ: گواهی دادن، منظور باور قلبی و اقرار زبانی است

إِلَهٌ: معبود، هر چه مورد عبادت و پرستش قرار می‌گیرد.

إِقَامٌ: برپاداشتن. إِقَامُ الصَّلَاةِ: یعنی برپایی نماز با رعایت آداب و شروط و ارکان و واجبات آن.

إِيْتَاءٌ: دادن، عطا کردن، پرداخت.

الزَّكَاةُ: در لغت به معنای پاک نمودن یا رشد و نمو یافتن است که هر دو معنای آن در مورد

اصطلاح شرعی آن صادق است زیرا منظور از زکات شرعی، مالی واجب است که مالک آن باید از اندوخته خود به قصد پاک نمودن و برکت در مالش و به جای آوردن عبادت به مستحقان آن بپردازد

حَجٌّ: در لغت به معنای قصد کردن است و در شرع یعنی قصد و روی آوردن به مسجد الحرام

به نیت بجای آوردن عبادتی مخصوص که ارکان و آداب خاص خود را دارد و یکی از ارکان دین اسلام است.

الْبَيْتُ: منظور، بیت الله یا کعبه معظمه است که در مسجد الحرام و در مکه مکرمه قرار دارد

و یکی از شعائر بزرگ دین اسلام است و احترام آن بر هر مسلمانی واجب است.

صَوْمٌ: در لغت به معنای امساک و خودداری است و در شرع یعنی خودداری از خوردن و

نوشیدن و سایر مبطلات از طلوع فجر تا غروب آفتاب به نیت عبادت.

رَمَضانَ: منظور ماه مبارک رمضان است که روزه آن بر هر مسلمان عاقل، بالغ، مقیم و توانا

واجب است.

## اهمیت حدیث:

این حدیث یکی از جامع‌ترین احادیث است و اصول یا پایه‌های دین اسلام را بیان می‌کند که

عبارتند از: شهادتین، نماز، زکات، حج و روزه.



## شرح مختصر حدیث:

پنج رکنی که در این حدیث بیان شده است هر کدام خود دارای شرح و جزئیاتی است که محل ذکر آن در کتاب‌های فقه و احکام است ولی هر مسلمان باید بداند که تلفظ شهادتین و تکرار آن یعنی وارد شدن به دین اسلام، آشکار نمودن و پذیرفتن اسلام و پایبندی به شروط آن.

پس شخصی که مسلمان شد حق ندارد راهی جز اسلام را برای زندگی و دیانت خود انتخاب کند و این بندگی جز برای الله که تنها معبود برحق است روا نیست و راه بندگی، شریعت اسلام است که محمد بن عبدالله ﷺ به عنوان آخرین پیامبر و فرستاده الله بیان فرموده است و به همین دلیل شهادتین (دو گواهی) یک رکن به شمار آمده و کامل کننده یکدیگر می‌باشند.

به پا داشتن نماز، دومین پایه و رکن دین است و لذا انکار آن کفر بوده و ترک آن به خاطر سستی و تنبلی فسق به شمار می‌رود و هر مسلمان باید نمازش را با رغبت و اشتیاق و با رعایت شروط و آداب آن به جای آورد.

پرداخت زکات مال و دادن آن به مستحقین نیز رکن سوم اسلام است که انکار کننده آن کافر است و کسی که به خاطر بخل از دادن آن خودداری کند فاسق می‌شود و هر مسلمانی که مالش به حد نصاب برسد با شروط ویژه هر نوع مال، باید زکات آن را به مستحقان بپردازد.

حج بیت الله نیز یکی دیگر از ارکان دین اسلام است که شروط و آداب خاص خود را دارد و به جای آوردن آن بر هر مسلمانی که توانایی آن را داشته باشد یک بار در عمر واجب است که آن را حج فریضه یا حج اسلام می‌نامند.

روزه ماه مبارک رمضان نیز یکی دیگر از ستون‌ها و ارکان دین اسلام است که گرفتن آن بر هر مسلمان عاقل، بالغ، مقیم و سالم واجب است.

تمام این عبادت‌های پنج‌گانه با یکدیگر ارتباط مستحکمی دارند و بر اساس حکمت والایی فرض شده‌اند که تأثیرات خود را در تربیت فرد و جامعه اسلامی به جای می‌گذارند و لذا بر هر مسلمانی لازم است که با شوق و اشتیاق، آگاهی، فهم، اخلاص و استمرار بر انجام آنها، همت گمارد تا بتواند بندگی خود را ثابت کرده و از عبادت لذت ببرد و آثار آن را در زندگی‌اش احساس نماید.

با اینکه در دین مسائل دیگری وجود دارد که واجب است ولی از آنجایی که موقت یا مشروط به شروط دیگری است و بر همه مسلمانان واجب نبوده و مداوم نمی‌باشند، تنها این پنج مورد که واجب عینی و همیشگی است به عنوان ستون‌ها و ارکان دین اسلام بیان شده است.

### تخریج حدیث:

این حدیث را امام بخاری و امام مسلم با هم در صحیح شان روایت کرده‌اند که بیانگر درجه بالای صحت آن است. همچنین امام احمد بن حنبل این حدیث را در مسند، و ترمذی و نسائی آن را در سنن روایت کرده‌اند.

[صحیح البخاری - کتاب الإیمان - باب قَوْلِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ؛ ح ۸] صحیح مسلم - کتاب الإیمان - بني الإسلام على خمس؛ ح ۱۶۲۱]

### فواید و برداشت‌هایی از حدیث:

- ۱- دین اسلام ارکان و اصولی دارد که کلیات و اساس آن را تشکیل می‌دهند و دانستن آن بر هر فرد مسلمانی لازم و واجب است و هیچ مسلمانی را در عدم آگاهی نسبت به آن عذری نیست.
- ۲- بیان اهمیت این پنج پایه که اسلام بر آنها بنا شده است
- ۳- تشبیه امور معنوی به امور مادی و حسی، یکی از روش‌های سودمند برای فهم و درک بهتر آن می‌باشد
- ۴- هر کس این اصول پنجگانه را به‌جای آورد مسلمان است و هیچ کس حق ندارد او را کافر بخواند مگر به دلیل قاطع و صریح از قرآن و سنت.
- ۵- تنوع و گوناگونی عبادت‌ها در اسلام
- ۶- اولین و مهم‌ترین ستون از ستون‌های اسلام شهادتین است و پس از آن نماز قرار دارد که رابطه مستحکم میان بنده و پروردگارش است
- ۷- فهم و اجرای دین اسلام بسیار آسان است.

## حدیث چهارم: مراحل آفرینش انسان و سرانجام او

عَنْ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رضي الله عنه قَالَ: حَدَّثَنَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَهُوَ الصَّادِقُ الْمَصْدُوقُ: «إِنَّ أَحَدَكُمْ يُجْمَعُ خَلْقُهُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا، ثُمَّ يَكُونُ عَلَقَةً مِثْلَ ذَلِكَ ثُمَّ يَكُونُ مُضْغَةً مِثْلَ ذَلِكَ، ثُمَّ يُرْسَلُ الْمَلَكُ؟ فَيَنْفُخُ فِيهِ الرُّوحَ وَيُؤَمِّرُ بِأَرْبَعِ كَلِمَاتٍ، بِكُتْبِ رِزْقِهِ وَأَجَلِهِ وَعَمَلِهِ وَشَقِيٍّ أَوْ سَعِيدٍ<sup>٣</sup>. فَوَالَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُهُ؛ إِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ الْجَنَّةِ حَتَّى مَا يَكُونُ بَيْنَهُ وَبَيْنَهَا إِلَّا ذِرَاعٌ فَيَسْبِقُ عَلَيْهِ الْكِتَابُ فَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ النَّارِ فَيَدْخُلُهَا؛ وَإِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ النَّارِ حَتَّى مَا يَكُونُ بَيْنَهُ وَبَيْنَهَا إِلَّا ذِرَاعٌ فَيَسْبِقُ عَلَيْهِ الْكِتَابُ فَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَيَدْخُلُهَا». رواه البخاري ومسلم<sup>٤</sup>.

### معرفی راوی:

- عبدالله بن مسعود بن غافل بن حبيب الهذلي ملقب به ابو عبدالرحمن
- او یکی از اصحاب بزرگ پیامبر صلى الله عليه وآله و از پیشگامان نخستین است که گفته شده ششمین مسلمان بوده است.
- در ابتدا چوپان یکی از اشراف مکه به نام عقبه بن ابی معیط بود. پس از اسلام یکی از خدمتکاران مشهور و همراه و صاحب اسرار پیامبر صلى الله عليه وآله شد.
- دو بار هجرت نمود و در تمامی غزوات با پیامبر صلى الله عليه وآله حضور داشت.
- اولین کسی بود که با صدای بلند قرآن را در مکه تلاوت نمود و از سوی قریش مورد آزار و اذیت قرار گرفت.
- یکی از قاریان مشهور صحابه بود که رسول الله صلى الله عليه وآله دوست داشت قرائتش را بشنود و توصیه فرمودند که: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَقْرَأَ الْقُرْآنَ غَضًّا كَمَا أَنْزَلَ، فَلْيَقْرَأْهُ عَلَى قِرَاءَةِ ابْنِ أُمِّ عَبْدِ»<sup>٥</sup>

<sup>١</sup> - در بیشتر نسخه‌های خطی اربعین «نطفه» اضافه شده است ولی در صحیح بخاری و صحیح مسلم وجود ندارد و این اضافه را جز طبرانی در «المعجم الصغیر» ص ۱۷۴ و بغوی در «حدیث ابن الجعد» شماره ۲۵۹۴، کسی دیگر روایت نکرده است.

<sup>٢</sup> - در برخی از نسخه‌های اربعین - از جمله نسخه کتابخانه حسن پاشا، به شماره (۱۰۲۳) - به این صورت است: «ثُمَّ يُرْسَلُ إِلَيْهِ الْمَلَكُ»؛ ولی در صحیح مسلم «إِلَيْهِ» وجود ندارد و در صحیح بخاری لفظ چنین است: «ثم يبعث الله ملكاً»

<sup>٣</sup> - این سخن: «وَشَقِيٍّ أَوْ سَعِيدٍ» به صورت مرفوع، خبر مبتدای محذوف است، یعنی: هو شقي أو سعيد. نگا: «شرح النووی بر صحیح مسلم» (۱۶/۱۹۰) - به نقل از چاپ دارالمنهاج -

<sup>٤</sup> - بخاری (۳۲۰۸) و مسلم (۲۶۴۵).

<sup>٥</sup> - ابن ماجه ح ۱۳۸ . البانی این روایت را صحیح دانسته است

هرکس می‌خواهد قرآن را تازه و همانگونه که نازل شده بخواند به روش «ابن ام عبد» یعنی عبدالله بن مسعود بخواند.

- از رسول الله ﷺ بالغ بر ۸۴۸ حدیث نقل کرده است.
- در خلافت عثمان رضی الله عنه در سال ۳۲ هجری در مدینه وفات یافت در حالی که حدود ۶۰ سال سن داشت و در بقیع دفن شد.

### ترجمه حدیث:

از ابو عبدالرحمن عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که فرمود: رسول الله ﷺ برای ما سخن گفت و او راستگوی تصدیق شده است: «به راستی که آفرینش هر یک از شما چهل روز در شکم مادرش گرد آورده می‌شود و سپس همانند آن به صورت لخته خون آویزان است و سپس در همان مدت به صورت پاره گوشت است، سپس فرشته به سوی او فرستاده می‌شود و در آن، روح می‌دمد و به نوشتن چهار چیز فرمان داده می‌شود: به نوشتن روزی‌اش و مدت عمرش، کردارش و اینکه بدبخت است یا خوشبخت.

پس سوگند به الله که هیچ معبود برحق جز او نیست، یکی از شما کردار اهل بهشت را انجام می‌دهد تا جایی که میان او و بهشت فاصله‌ای جز یک ذراع نمی‌ماند پس کتاب مقدر بر او پیشی گرفته و عمل اهل جهنم را انجام می‌دهد تا اینکه وارد آن می‌شود.

و یکی از شما کردار اهل جهنم را انجام می‌دهد تا جایی که میان او و جهنم فاصله‌ای جز یک ذراع باقی نمی‌ماند پس کتاب مقدر بر او پیشی گرفته و عمل اهل بهشت را انجام می‌دهد تا اینکه وارد آن می‌شود.

### کلمات جدید:

المصدوق: تصدیق شده، راستی‌اش مورد تأیید است

يُجْمَعُ: جمع کرده می‌شود، گرد آورده می‌شود. منظور آفرینش انسان در رحم است.

خَلَقَهُ: خلقت و آفرینش انسان.

بَطْنٍ: شکم و منظور رحم است که در شکم قرار دارد.

أَرْبَعِينَ يَوْمًا: چهل روز

عَلَقَةً: لخته خون بسته شده و آویزان به دیوارهٔ رحم

مُضَغَةً: پاره گوشتی که شبیه لقمهٔ جویده شده است

مِثْلَ ذَلِكَ: همانند آن؛ منظور در همین مدت چهل روز است

الْمَلَكُ: فرشته‌ای که مأمور دمیدن روح در انسان است

يَنْفُخُ فِيهِ: در آن می‌دمد

الرُّوحَ: روح انسان. جان

يُؤَمَّرُ: فرمان داده می‌شود

كُتِبَ رِزْقُهُ: نوشتن روزی‌اش

أَجَلِهِ: عمرش

عَمَلِهِ: کردارش

شَقِيٌّ: بدبخت

سَعِيدٌ: خوشبخت

ذِرَاعٌ: یک گز، کمتر از یک متر

الْكِتَابُ: کتاب مقدر، تقدیر و سرنوشت

**اهمیت حدیث:**

این حدیث دربرگیرندهٔ تمامی اوضاع و احوال انسان از ابتدای آفرینش و آمدن به این دنیا تا نهایت کارش یعنی جاودانه ماندن در سرای سعادت یا سرای شقاوت، می‌باشد.

**شرح مختصر حدیث:**

این حدیث به مبدأ بسیار مهمی در حیات مسلمانان اشاره می‌فرماید که باید آن را همیشه مد نظر داشته باشد تا بتواند مطمئن و آسوده خاطر زندگی کند، و آن مبدأ یقین و باور به تقدیر است که نقش کلیدی و اساسی در فهم مسائل دنیا دارد زیرا شخص مسلمان معتقد است که همهٔ امور دنیا با

اراده مطلق خداوند متعال می چرخد و همه وابسته به خواست و مشیئت او هستند و لذا تسلیم شدن در امری که خارج از کنترل انسان می باشد عین صلاح و رستگاری است.

انسان که در این دنیای پهناور موجودی ناچیز می باشد و آفرینش او چنین مراحل را طی می کند باید یقین داشته باشد که از همان ابتدای آفرینش او، رزق و روزی، عمر و عملکردهایش را نوشته اند هرچند که خود نمی داند ولی در علم خداوند متعال آشکار است.

به همین دلیل هرچند انسان هایی به ظاهر، کردار نیک و کار بهشتیان را انجام دهند اما در نهایت آنچه خداوند متعال مقدر نموده آشکار خواهد شد به همین دلیل باید سرانجام و عاقبت کار انسان را دید و مشاهده کرد که به چه صورتی خاتمه می یابد و هرکس بر هر حالتی بمرسد به همان حالت زنده خواهد شد و این هشدار است برای بدکاران تا از اعمال بد خود دست بکشند زیرا اگر بر آن جان دادند با همان حالت نیز زنده می شوند و برعکس تشویقی است برای نیکوکاران تا بر نیکی و خوبی خود استمرار ورزند تا بر همان حالت جان دهند و بر همان حالت نیز زنده شوند ﴿وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ

الْيَقِينُ﴾ الحجر: ۹۹ «و پروردگارت را پرستش کن تا مرگ به سراغ تو می آید»

و اینکه نباید به ظاهر فریفته شد زیرا خداوند باطن و عاقبت انسان ها را بهتر می داند پس باید عاقبت خوب و سرانجام نیک را طلب کرد.

### تخریج حدیث:

این حدیث را امام بخاری و مسلم به اتفاق نقل کرده اند، بنابراین حدیث متفق علیه است.

[صحیح البخاری - کتاب بَدْءِ الْخَلْقِ - باب ذكر الملائكة؛ ح ۳۲۰۸] [صحیح مسلم - کتاب الْقَدْرِ - باب كَيْفِيَّةِ خَلْقِ الْاَدْوِيِّ فِي بَطْنِ اُمِّهِ وَكِتَابَةِ رِزْقِهِ وَاجَلِهِ وَعَمَلِهِ وَشَقَاوَتِهِ وَسَعَادَتِهِ؛ ح ۲۶۴۵]

### فواید و برداشتهایی از حدیث:

۱- این حدیث یکی از معجزات علمی در احادیث نبوی به شمار می آید زیرا در زمانی که هیچگونه وسایل آزمایشگاهی امروزی وجود نداشته از مراحل آفرینش انسان سخن می گوید و اینها را الله - تبارک و تعالی - بر پیامبرش الهام کرده است.

۲- از این حدیث فهمیده می شود که جنین پس از چهل روز مراحل مختلف نطفه و علقه و مضغه را پشت سر گذاشته است و علم پزشکی نیز در حال حاضر به همین نتیجه رسیده است.

۳- خداوند فرشتگانی را مسؤل رحم‌ها قرار داده تا در آن روح بدمند و نگهبان آنها باشند.

۴- وجوب ایمان به قضا و قدر خداوندی و اینکه تمامی اتفاقات، نیک یا بد، همه به تقدیر

خداوند صورت می‌پذیرد

۵- احوال چهارگانه انسان از روزی و عمل و عمر و بدبختی یا خوشبختی، از اولین روز زندگی

انسان نوشته می‌شود و این امر به تقدیر عمر معروف است.

۶- انسان باید اسباب روزی را فراهم کند سپس هرچه نصیبش شد راضی باشد.

۷- انسان نباید به خاطر ارتکاب گناه از رحمت الله متعال نا امید شود بلکه باید همیشه به

رحمت بی‌کرانش امیدوار باشد.

۸- انسان نباید به نیکی‌هایش مغرور شود بلکه باید از مجازات سخت خداوند بهراسد و بترسد

که مبادا کردارش مقبول نباشند.

۹- انسان‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند: خوشبخت یا بدبخت.

۱۰- جایز است بر خیر راست سوگند خورد تا بر نفس شنونده تأثیر بگذارد.

\*\*      \*\*      \*\*

## حدیث پنجم: نوآوری در دین پذیرفته نیست

عَنْ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ أُمِّ عَبْدِ اللَّهِ عَائِشَةَ رضی اللہ عنہا قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم: «مَنْ أَحَدَّثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ». رواه البخاري ومسلم.  
وَفِي رِوَايَةٍ لِمُسْلِمٍ: «مَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا فَهُوَ رَدٌّ».

### معرفی راوی:

- راوی این حدیث ام المؤمنین عائشه صدیقه، دختر ابوبکر صدیق می باشد که مادرش ام رومان بنت عامر است.
- در مکه متولد شد و از کودکی مسلمان بود؛ سومین همسر رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم و از جمله امهات المؤمنین است.
- بعد از خدیجه رضی اللہ عنہا، محبوب ترین همسران رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم بود و تنها همسر پیامبر است که هنگام ازدواج باکره بود.
- صاحب فرزندی نشد ولی پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم او را بنا به پسر خواهرش اسماء، به ام عبدالله لقب داد
- انسان بسیار مبارکی بود و بسیاری از آموزه های دینی همانند احکام تیمم در شأن او نازل شد.
- از خانواده شریف و نجیب مکه بود و از علم و ادب و معرفت والایی برخوردار بود.
- منافقین در دوران حیات پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم به او تهمت ناروا زدند که به داستان افک مشهور است و خداوند متعال پاکی و برائت او را با ۱۳ آیه از سوره مبارکه نور در قرآن کریم اعلام نمود.
- دارای مقام علمی بالایی بود و از علمای عصر صحابه به شمار می رود که اهل اجتهاد و فتوی بود و پس از وفات رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم مرجع علمی بسیاری از علمای عصر تابعین بود.
- از مکتوبین بوده و ۲۲۱۰ حدیث از رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم روایت نموده است.
- در رمضان سال ۵۷ هجری قمری در سن ۶۶ سالگی در مدینه منوره وفات یافته و ابوهریره رضی اللہ عنہ بر ایشان نماز خواند و در بقیع دفن شد.



## ترجمه حدیث:

از مادر مؤمنان عائشه رضی الله عنها روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس در دین ما چیز تازه‌ای بیاورد که از آن نباشد، پس آن چیز مردود است» این حدیث را امام بخاری و امام مسلم روایت کرده‌اند.

در روایتی دیگر از امام مسلم آمده است: «هر کس کاری انجام دهد که دستور ما بر آن نباشد، پس آن کار مردود است.

## کلمات جدید:

أَحَدَثٌ: نوآوری کند

أَمْرِنَا: دستور ما که منظور همان امر و دستور شرعی و دینی است

رَدٌّ: مردود، غیر قابل قبول

عَمِلَ: انجام دهد

عَمَلًا: کاری که عبادت باشد

## اهمیت حدیث:

این حدیث به فرموده امام نووی رحمته الله علیه یکی از احادیثی است که شایسته است حفظ شود زیرا اصلی است در ابطال همه منکرات و قاعده‌ای از قواعد دین است.

حافظ ابن حجر رحمته الله علیه می‌گوید: این حدیث یکی از اصول و قواعد دین به‌شمار می‌رود. علامه ابن رجب حنبلی رحمته الله علیه نیز می‌گوید: این حدیث اصل عظیمی از اصول دین است و همانگونه که حدیث «إنما الأعمال بالنیات» میزان تمامی اعمال باطنی و درونی است این حدیث میزان تمامی اعمال ظاهری است.

علامه ابن دقیق العید رحمته الله علیه نیز می‌گوید: این حدیث یکی از قواعد مهم دین است زیرا با صراحت هر نوآوری و بدعتی در دین را رد می‌کند.

## شرح حدیث:

با توجه به این روایت و گفته‌های علما می‌توان فهمید که اسلام دین تسلیم شدن در برابر فرمان و دستور خدا و رسول است و هر کس بخواهد بنا به میل و رغبت خود در آیین و احکام آن دست ببرد یا بنا بر خواسته خود عمل کند، از او پذیرفته نخواهد شد بلکه کارش مردود است.

زیرا اسلام از پیروانش اطاعت و بندگی را می‌خواهد تا ایمانشان را بیازماید و بر اساس درجه ایمانی به آنها اجر و پاداش دهد و از سویی دیگر آیین و احکام دین از تحریف هوی پرستان حفظ شده و به مرور زمان تکلیف‌های ساختگی به دین اضافه نشده یا بدعتی جایگزین سنت و احکام دین نشود.

حال خواه آن عمل در اصل غیر مشروع باشد: مانند کسی که بخواهد با ایستادن در آفتاب یا نخوردن گوشت، زهد پیشه کرده و عبادت به جای آورد، یا اینکه اصل آن کار مشروع است ولی در زمان و مکان غیر مشروع آن را انجام دهد: مانند کسی که بخواهد روز عید را روزه بگیرد یا هنگام طلوع و غروب خورشید نماز سنت بخواند.

پس با توجه به اینکه نفس بشری سرکش و خودرأی است و احتمال آن می‌رود که هرچه به نظرش خوب آمد سعی کند آن را به عنوان دین و عبادت انجام داده و گمان کند کار خوبی کرده است، اسلام این کار را ممنوع اعلام نمود؛ زیرا در چنین حالتی، این کارها دیگر دین خدا نیست بلکه دینی است که بشر برای خود اختراع کرده است.

این حدیث پاسخ و ردی قاطع است به تمامی اهل بدعت که به دستورات شریعت توجه نکرده و سعی می‌کنند با میل و رغبت خود راه و روشی را در عبادت‌ها اختراع کنند که هیچ دلیلی بر آن کار از کتاب و سنت وجود ندارد.

## تخریج حدیث:

این حدیث را امام بخاری و مسلم به اتفاق نقل کرده‌اند، بنابراین حدیث متفق علیه است.

[صحیح البخاری - کتاب الصلح - باب إذا اصطلحوا علی صلح جور فالصلح مردود؛ ح ۲۶۹۷] [صحیح مسلم -

کتاب الأفضیة - باب نقض الأحکام الباطلة وردّ محدثات الأمور؛ ح ۱۷۲۰]

## فواید و برداشتهایی از حدیث:

- ۱- نوآوری در دین حرام است حتی اگر با نیت نیکو باشد
- ۲- عملی که بر اساس بدعت باشد مردود است
- ۳- دین ما کامل است و هیچ کوچک و بزرگی را فروگذار ننموده و نیازی به امور تکمیلی ندارد
- ۴- انتشار بدعت‌ها، خطری بزرگ در زمینه فهم مردم نسبت به دین صحیح می‌باشد

\*\*    \*\*    \*\*

## حدیث ششم: پرهیز از شبهه‌ها

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ التُّعْمَانِيِّ بْنِ بَشِيرٍ رضي الله عنه قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «إِنَّ الْحَلَالَ بَيْنَ وَإِنَّ الْحَرَامَ بَيْنَ وَبَيْنَهُمَا مُشْتَبِهَاتٌ لَا يَعْلَمُهُنَّ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ، فَمَنِ اتَّقَى الشُّبُهَاتِ فَقَدْ اسْتَبْرَأَ لِدِينِهِ وَعَرْضِهِ، وَمَنْ وَقَعَ فِي الشُّبُهَاتِ وَقَعَ فِي الْحَرَامِ كَالرَّاعِي يَرَعَى حَوْلَ الْحِمَى يُوشِكُ أَنْ يَرْتَعَ فِيهِ أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمَى أَلَا وَإِنَّ حِمَى اللَّهِ مَحَارِمُهُ؛ أَلَا وَإِنَّ فِي الْجَسَدِ مُضْغَةً إِذَا صَلَحَتْ صَلَحَ الْجَسَدُ كُلُّهُ، وَإِذَا فَسَدَتْ، فَسَدَ الْجَسَدُ كُلُّهُ، أَلَا وَهِيَ الْقَلْبُ». رواه البخاري ومسلم<sup>٣</sup>

### معرفی راوی:

- راوی این حدیث، نعمان بن بشیر انصاری خزر جی است. کنیه او ابو عبدالله بوده و خودش و پدرش بشیر، صحابه بوده‌اند
- اولین شخصی است که پس از اسلام آوردن انصار و چهارده ماه پس از هجرت در میان آنها متولد شد.
- انسانی بزرگوار، بخشنده، شجاع و شاعر بود و از سخنوران مشهور به‌شمار می‌رفت.
- مدتی قاضی دمشق بود و معاویه رضي الله عنه وی را کارگزار کوفه نمود سپس او را امیر حمص کرد تا اینکه در سال ۶۵ هجری به شهادت رسید.
- او ۱۱۴ حدیث از پیامبر ﷺ روایت نموده است.

### ترجمه حدیث:

همانا حلال روشن و آشکار است، و همانا حرام روشن و واضح است، و در میان حلال و حرام کارهایی است که شبهه‌دار است (به گونه‌ای شباهت به حلال یا حرام دارد)، بسیاری از مردم آن را نمی‌دانند، پس کسی که خود را از شبهه‌ها ننگه داشت، در حقیقت دین و ناموس خود را حفظ کرده است، و کسی که در شبهه‌ها افتاد (و از آن‌ها پرهیز نکرد)، در حرام می‌افتد؛ مانند چوپانی که گله‌اش را در اطراف

<sup>۱</sup> این لفظ مسلم است و لفظ بخاری «مشتبهات» می‌باشد. در برخی از نسخه‌های خطی: «أمر مشتبهات» آمده که روایت ابوداود و ترمذی و نسائی است.  
<sup>۲</sup> امام نووی این حدیث را در کتابش «الأذکار» (۱۲۱۵) و در ریاض الصالحین (۶۰۰) بدون لفظ «فقد» ذکر نموده و در صحیحین نیز چنین است ولی آن را در «باب الإشارات» اضافه نموده است.  
<sup>۳</sup> بخاری (۵۲)، مسلم (۱۵۹۹) لفظ متعلق به مسلم است

مکانِ حفاظت شده به چرامی برد و هر لحظه امکان دارد که در آن منطقه حفاظت شده چرام کنند، هان! بدانید که هر شاهی، قُرق و حریمی دارد، آگاه باشید که همانا منطقه ممنوعه الله، چیزهایی است که حرام نموده است. آگاه باشید که در بدن آدمی پاره گوشتی است که هر زمان اصلاح و شایسته شد، تمام بدن شایسته می گردد، و هر زمان (آن پاره گوشت)، فاسد شد همه بدن به تباهی می رود، بدانید که آن پاره گوشت، قلب و دل آدمی است.

### کلمات جدید:

بَيْنٌ: آشکار، واضح

مُشْتَبِهَاتٌ: جمع کلمه مشتبه است. یعنی امر شبهه دار و مشکل که تشخیص حلال یا حرام بودنش مشکل است و آشکار نیست.

لَا يَعْلَمُهُنَّ: حکم آن را نمی دانند

اتَّقَى: دوری کند، پرهیز کند

اسْتَبْرَأَ لِدِينِهِ وَعَرْضِهِ: طلب برائت و پاکی می کند برای دینش و ناموسش. دینش را از نقصان و ناموسش را از طعنه حفظ می کند

الرَّاعِي: چوپان

الْحِمَى: منطقه حفاظت شده، قُرق.

يُوشِكُ: نزدیک است.

يَرْتَعُ فِيهِ: در آن چرام کند

مُضَعَّةً: پاره گوشت

صَلَحَ: اصلاح شد. شایسته شد

فَسَدَ: تباه شد

## اهمیت حدیث:

علامه ابن دقیق العید می‌گوید: این حدیث یکی از اصول مهم شریعت است. امام ابوداود سیستانی نیز گفته: اسلام بر چهار حدیث می‌چرخد و سپس یکی از آنها را این حدیث بیان نمود.

## شرح مختصری بر حدیث:

با توجه به معانی این روایت به وضوح می‌توان فهمید که بسیاری از مسائل دین و شریعت اسلام در زمینه حلال و حرام واضح و آشکار است و همه مردم می‌توانند به آسانی حلال و حرام را تشخیص دهند؛ زیرا بسیاری از خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها و پوشیدنی‌ها و آداب و رسوم و کارها را می‌توان با دلیل قاطع و صریح در قرآن و سنت یافت.

ولی در این میان مسائلی وجود دارد که یا اجتهادی است و یا نیاز به بررسی دقیق دارد، چه برای عموم مردم و حتی برای علماء، لذا رعایت جانب تقوا و اجتناب و دوری در آن مورد برای سلامت و حفظ دین و شرف انسان بسیار مهم است زیرا احتمال حرام بودنش وجود دارد.

به همین دلیل رسول الله ﷺ انسانی را که از امور شبهه‌دار استفاده می‌کند، آن را بر خود حلال دانسته و انجامش می‌دهد، را به چوپانی تشبیه نموده که گله‌اش را پیرامون منطقه ممنوعه می‌چراند و هر لحظه ممکن است در آن منطقه وارد شده و مرتکب کاری حرام شود.

منطقه ممنوعه الله، همان حدود و محرمات شرعی است که الله بندگان را از ارتکاب آن برحذر داشته است چنانکه می‌فرماید: { تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ } بقره ۲۴۹ « این است حدود احکام الهی؛ پس، از آن تجاوز مکنید. و کسانی که از حدود احکام الهی تجاوز کنند، آنان همان ستمکارانند».

همچنین می‌فرماید: { تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا } بقره ۱۸۷ « این است حدود احکام الهی! پس [زنهار به قصد گناه] بدان نزدیک نشوید».

و از آنجایی که انگیزه گرایش انسان به حرام و انحرافات با هوی و امیال نفس آغاز می‌شود و سپس اعضای بدن در اجرای آن سهیم می‌شوند، قلب را به فرمانروای بدن تشبیه فرمود تا در اصلاح و تزکیه آن کوشا باشیم.

و علت آن نیز چنین است که اگر قلب انسان پاک و نیکو باشد همه اعضای بدن پاک و نیکو خواهند بود و اگر قلب فاسد و بد بود همه اندام فاسد و بد خواهند بود.

این ارشاد و راهنمایی نبوی درباره اهمیت اصلاح و تزکیه قلب اشاره‌ای زیبا و لطیف است تا انسان بتواند راه بندگی و فرمانبرداری را به خوبی طی کند.

### تخریج حدیث:

این حدیث متفق علیه است که شیخان یعنی امام بخاری و امام مسلم آن را روایت کرده‌اند. ائمه دیگری همانند ابوداود و ابن ماجه و نسائی و ترمذی و احمد نیز آن را نقل کرده‌اند.

[صحیح البخاری - کتاب الإیمان - باب فضل من استبرأ لدينه؛ ح ۵۲] [صحیح مسلم - کتاب المساقاة - باب أخذ

الحلال وترك الشبهات؛ ح ۱۵۹۹]

### فواید و برداشت‌هایی از حدیث:

۱- در شریعت اسلام امور به : حلال آشکار، حرام آشکار و امور شبهه‌داری که حلال یا حرام بودن آن واضح نیست تقسیم می‌شوند.

۲- انسان باید از امور شبهه‌دار پرهیز کند تا مبادا در حرام بیافتد زیرا شبهه، انسان را به حرام می‌کشاند.

۳- پرهیز از امور شبهه‌دار سبب مصون ماندن دین و آبروی انسان می‌شود

۴- پیامبر ﷺ به خوبی از مثال‌های قابل مشاهده برای درک بهتر مفاهیم معنوی و عقلی بهره می‌گرفت

۵- بیان جایگاه مهم قلب و اینکه دیگر اعضای بدن سربازان مطیع آن هستند.

۶- فساد ظاهر دلیلی بر فساد باطن است

\*\*      \*\*      \*\*

## حدیث هفتم: خیرخواهی در دین

عَنْ أَبِي رُقَيْةَ تَمِيمِ بْنِ أَوْسِ الدَّارِيِّ رضي الله عنه أَنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله وسلم قَالَ: «الدِّينُ النَّصِيحَةُ» قُلْنَا لِمَنْ؟ قَالَ «لِلَّهِ، وَلِكِتَابِهِ، وَلِرَسُولِهِ، وَلِأَيِّمَةِ الْمُسْلِمِينَ وَعَامَّتِهِمْ». رواه مسلم<sup>۱</sup>

### معرفی راوی:

- راوی این حدیث، تمیم بن اوس بن خارجه داری است. کنیه او ابورقیه می باشد.
- در ابتدا نصرانی بود، به مدینه آمد و در سال نهم هجری مسلمان شد.
- در ابتدا ساکن مدینه بود پس از شهادت عثمان رضي الله عنه به سرزمین شام نقل مکان نموده در بیت المقدس اقامت گزید.
- انسانی عبادتکار بوده و به عابد اهل فلسطین مشهور بود. بسیار تهجد می خواند و شبی تا صبح این آیه را در نماز تکرار نمود: «أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ، سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ»<sup>۲</sup> الجاثية ۲۱
- «آیا کسانی که مرتکب کارهای بد شده اند پنداشته اند که آنان را مانند کسانی قرار می دهیم که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند [به طوری که] زندگی آنها و مرگشان یکسان باشد؟ چه بد داوری می کنند»
- اولین کسی بود که در مسجد چراغ نصب نمود.
- هجده حدیث از پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم روایت نموده است
- در سال ۴۰ هجری وفات نمود و ابن حبان می گوید: قبر او در بیت جبرین (الخلیل) در فلسطین است

### ترجمه حدیث:

دین همه اش نصیحت (خیرخواهی) است. گفتیم بری چه کسی؟ فرمود: برای الله و کتابش و فرستاده اش و پیشوایان مسلمانان، و عموم آنها.

<sup>۱</sup> - مسلم (۵۵)



## کلمات جدید:

الدِّينُ: در اینجا مراد اسلام و ایمان و احسان است

التَّصِيحَةُ: ارادهٔ خیر و نیک به نصیحت شونده

لِكِتَابِهِ: کتاب الله. مراد قرآن است

لِرَسُولِهِ: رسول الله. مراد پیامبر اسلام است

لِأَيِّمَةِ الْمُسْلِمِينَ: پیشوایان مسلمان؛ رهبران دینی و دنیوی (علماء و حاکمان)

عَامَّتِهِمْ: عموم مسلمانان

## اهمیت حدیث:

این حدیث با الفاظ بسیار کوتاه، معانی بسیاری را در خود جا داده است یعنی از جوامع الکم (سخنان کوتاه و پرمعنی) است.

## شرح مختصری بر حدیث:

پیامبر ﷺ دین را در یک کلمه خلاصه نموده و فرمود: دین نصیحت است. یعنی با کمال اخلاص خیر و خوبی دیگران را بخواهیم و از بدی و فساد بازداریم.

این نصیحت (خیرخواهی) در حق الله متعال یعنی: به جای آوردن حق بندگی اش بوسیلهٔ اطاعت و پیروی از دستورات و سعی و تلاش برای رسیدن به خوشنودی اش می باشد؛ که شامل یکتاپرستی و بزرگداشت و محبت و اخلاص و به جای آوردن عبادات و عمل به سائر دستورات است.

خیرخواهی برای کتاب الله: یعنی ایمان به قرآن کریم، بزرگداشت و احترام نسبت به آن و تلاوت و تفکر در مفاهیم آن و پذیرفتن و عمل به دستورات نازل شده در آن.

خیرخواهی برای رسول الله ﷺ: یعنی ایمان به او و احترام و محبت و اطاعت از دستورات و آموزه هایش و دفاع از بی احترامی به ساحت مبارک ایشان.

خیرخواهی برای پیشوایان مسلمان که شامل علمای دین و حاکمان مسلمان می شود یعنی: محبت و دوستی با آنها و پذیرفتن پند و موعظه هایشان و اطاعت از دستوراتی که مخالف فرمان و خدا و رسولش

نباشد و پیروی از آنها در راه حق و منافع عموم و یاری و همکاری با آنها در راه خیر و دعا برای موفقیت آنها و حمایت از جان و مال و ناموش و شرفشان.

خیرخواهی برای عموم مسلمانان: یعنی خوشحال شدن از دینداری و ایمان آنها و بد دانستن گناه و سرپیچی‌شان؛ و توجیه و ارشاد آنها به راه حق و کار درست؛ و محافظت از مال و جان و دفاع از ناموش و شرف آنها؛ و نصرت و یاریشان در راه حق و دعوتشان به سوی نیکی و منع آنها از منکر و زشتی.

از آداب نصیحت در اسلام این است که:

- از اهل علم و ایمان و خیر و صلاح، درخواست نصیحت کنیم
- اگر از کسی درخواست نصیحت کردیم با کمال اخلاص و علم و صداقت ما را راهنمایی کند.

• اگر از کسی نصیحت خواستیم و دانستیم که در کارش مخلص و صادق است سخن و نصیحت‌اش را بپذیریم.

- نصیحت باید با محبت و لطف و در نهان باشد
- نصیحت باید در جهت اصلاح و یاری باشد

با این اوصاف، نصیحت در اسلام یکی از مهمترین و اساسی‌ترین رکن دین به‌شمار می‌رود که می‌توان به‌حق آن را جانب عملی و اجرایی دین در زندگی مسلمان دانست.

### تخریج حدیث:

این حدیث را امام مسلم روایت کرده است؛ همچنین امام بخاری بابی را با این حدیث نامگذاری نموده و می‌گوید: «بَابُ قَوْلِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الدِّينَ النَّصِيحَةُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ وَعَامَّتِهِمْ وَقَوْلِهِ تَعَالَى {إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ}» و امام ترمذی در جامع این حدیث را از ابوهریره روایت می‌کند و امام احمد در مسند و امام ابوداود در سنن و امام نسائی در سنن این حدیث را نقل کرده‌اند.

[صحيح مسلم - كِتَابُ الْإِيمَانِ - بَابُ بَيَانِ أَنَّ الدِّينَ النَّصِيحَةُ؛ ح ٥٥] [سنن أبي داود - كِتَابُ الْأَدَبِ - بَابُ فِي النَّصِيحَةِ - إِنْ الدِّينَ النَّصِيحَةُ إِنْ الدِّينَ النَّصِيحَةُ إِنْ الدِّينَ النَّصِيحَةُ؛ ح ٤٩٤٤] [جامع الترمذی - كِتَابُ الْبِرِّ وَالصَّلَاةِ - بَابُ مَا جَاءَ فِي النَّصِيحَةِ؛ ح ١٩٢٦] [سنن النسائي - كِتَابُ الْبَيْعَةِ - بَابُ النَّصِيحَةِ لِلْإِمَامِ؛ ح ٤١٩٧] [مسند أحمد - مُسْنَدُ الشَّامِيِّينَ - الدِّينَ النَّصِيحَةُ الدِّينَ النَّصِيحَةُ؛ ح ١٦٤٩٩]

## فواید حدیث:

- ۱- بیان جایگاه بزرگ نصیحت و خیرخواهی در دین
- ۲- محل خیرخواهی در دین این پنج مورد است: الله، قرآن، پیامبر، پیشوایان مسلمان، عموم مسلمانان.
- ۳- وجوب امر به معروف و نهی از منکر و بیان اهمیت آن
- ۴- دین گفتار و کردار را در برمی گیرد زیرا پیامبر ﷺ دین را نصیحت نامید.
- ۵- احترام به علمای مسلمان و پرهیز از دشمنی با آنها، وظیفه مؤمن است.
- ۶- نصیحت دینی زیربنای اعتقادی دارد و لذا از کارهای ایمانی به شمار می رود.

\*\*      \*\*      \*\*

## حدیث هشتم: حرمت شخص مسلمان

عَنِ ابْنِ عُمَرَ رضي الله عنهما: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: «أُمِرْتُ أَنْ أُقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَشْهَدُوا أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ، وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ، فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ عَصَمُوا مِنِّي دِمَاءَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ إِلَّا بِحَقِّ الْإِسْلَامِ وَحِسَابُهُمْ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى». رواه البخاري ومسلم<sup>۱</sup>

معرفی راوی:

به شرح حدیث سوم مراجعه شود.

کلمات جدید:

أُمِرْتُ: فرمان یافته‌ام، امر شده‌ام. در اینجا یعنی الله به من فرمان داده است

أُقَاتِلُ: بجنگم. از قتل به معنای جنگیدن گرفته شده است.

النَّاسُ: مشرکان و بت پرستان و کافران اهل کتاب و غیره. اگر اهل کتاب جزیه را پذیرفتند با آنها جنگ نمی‌شود.

عَصَمُوا: حفظ کرده و مصون داشته‌اند.

دِمَاءَهُمْ: خون‌هایشان. جان‌هایشان

بِحَقِّ الْإِسْلَامِ: به خاطر عدم اجرای حقی که اسلام بر آنها واجب کرده مانند روزه و زکات و حج یا انجام حدی از حدود مانند قتل نفس که شخص هرچند مسلمان باشد باید قصاص شود.

وَحِسَابُهُمْ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى: یعنی حساب باطن و راستی دل‌هایشان به عهده الله متعال است زیرا تنها او از درون سینه‌ها آگاهی دارد.

<sup>۱</sup> - بخاری (۲۵) ، مسلم (۲۵)

## ترجمه حدیث:

فرمان یافته‌ام که با مردم بچنگم تا اینکه گواهی دهند هیچ معبود برحق جز الله نیست و اینکه محمد فرستاده الله است و نماز را برپا دارند و زکات را ادا کنند. پس اگر چنین کردند خون‌ها و اموالشان را از من مصون داشته‌اند مگر به حق اسلام و حسابشان با الله متعال است.

## اهمیت حدیث:

این حدیث یکی از احادیث بسیار مهم می‌باشد زیرا در بر دارنده قواعدی مهم از دین اسلام می‌باشد که عبارتند از: شهادتین و برپایی نماز به صورت درست و دادن زکات به مستحقین آن و حرمت خون مسلمان و حکم به ظاهر افراد.

## شرح مختصر حدیث:

این روایت با الفاظ مشابهی نقل شده است که یک معنی و مفهوم را می‌رساند و آن لزوم جهاد با مشرکین تا پذیرفتن شریعت اسلام و سپس انجام دستورات و تعالیم دین در ظاهر امر می‌باشد، اما در باطن حساب کارشان با الله تبارکت و تعالی است.

در واقع حکمت از بعثت و وظیفه رسالت پیامبران نیز همین است که مردم را از کفر و شرک و الحاد به توحید و یکتاپرستی و فرمانبرداری و بندگی الله بخوانند و این خود دعوت و جهاد و مبارزه با هر نوع بی‌دینی است و به همین دلیل فرمود: فرمان یافته‌ام؛ پس این فرمان الله تعالی است که باید اجرا شود. باید دانست که در واقع، آغاز دعوت اسلام با سخنی آرام و رحمت و دلسوزی و پند و موعظه نیک است چنانکه الله تبارکت و تعالی فرمود: {ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ} نحل ۱۲۵. «مردمان را با سخنان استوار و بجا و اندرزهای نیکو و زیبا به راه پروردگارت فراخوان، و با ایشان به شیوهی هرچه نیکوتر و بهتر گفتگو کن».

ولی از آنجایی که اکثر مردم بر کفر و شرک خو گرفته‌اند و ترک آن عادت‌های جاهلی برایشان سخت است به ناچار امور به جدال و بحث و در نهایت به درگیری و جنگ خواهد انجامید و لذا فرمود: «أمرت أن أقاتل الناس» یعنی تا مرحله قتال و جنگ و درگیری. زیرا می‌بایست با کفر و شرک جهاد شود تا از بین رفته و نابود شود.

اگر مردم تسلیم الله متعال گشته و یکتاپرست شده و نبوت و رسالت پیامبر اسلام ﷺ را پذیرفتند و سپس به نماز و زکات همت گماشتند و اسلام خود را عملی کرده و دین را در ظاهر اجرا کردند جان و مالشان را حفظ کرده و در مصونیت دینی قرار می‌گیرند و کسی حق دست درازی به آنها را ندارد مگر با حقی از حقوق شرعی مانند قتل عمد یا زنا یا محصنه و ترک دین و نیز انکاریکی از ارکان دین مانند روزه و حج.

اینجاست که می‌توان فهمید شریعت اسلام از مردم ظاهر را می‌پذیرد و باطن امر یعنی اخلاص یا عدم آن را به الله متعال واگذار میکند، زیرا الله است که به اسرار و نیت‌ها آگاه است و اوست که پاداش و کیفر مردم را در آخرت خواهد داد.

### تخریج حدیث:

این حدیث متفقٌ علیه است که امام بخاری و امام مسلم آن را روایت کرده‌اند  
[صحیح البخاری - کتاب الإیمان - باب فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ؛ ح ۲۵] [صحیح مسلم - کتاب الإیمان - باب الْأَمْرِ بِقِتَالِ النَّاسِ حَتَّى يَقُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ؛ ح ۲۵]

### فواید حدیث:

- ۱- مصدر قانونگذاری در اسلام فقط الله - عزوجل - می‌باشد
- ۲- این حدیث را باید در کنار احادیث دیگر قرار داد تا مفهوم آن کاملاً روشن شود و حجتی برای مبادرت به کشتن مردم به نام کفر و شرک نباشد
- ۳- برای اینکه شخصی مسلمان شناخته شود باید شهادتین را به زبان آورد
- ۴- کسی که شهادتین را به زبان آورد باید به واجبات دینی نیز پایبند باشد در غیر این صورت به جرم ترک نماز یا ندادن زکات محاکمه می‌شود
- ۵- هدف از جنگ با کافران در دین اسلام، نابودی کفر و شرک و هر نوع الحاد، و هدایت مردم به راه حق است و نه کشتن و نابود کردن مردم
- ۶- در اسلام بر اساس ظاهر افراد حکم می‌شود و به درون و نیت‌های مردم پرداخته نمی‌شود

۷- منافق یا ریاکار در مصونیت اسلامی قرار می‌گیرد زیرا ظاهراً اسلام را اجرامی کند ولی در آخرت حسابش با الله - متعال - است.

\*\* \*\* \*

## حدیث نهم: نهی از پرسش بسیار و تکلف و سخت‌گیری در امور

### دین

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ صَخْرٍ رضي الله عنه قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «مَا نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ فَاجْتَنِبُوهُ وَمَا أَمَرْتُكُمْ بِهِ فَافْعَلُوا مِنْهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ؛ فَإِنَّمَا أَهْلَكَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَثْرَةُ مَسَائِلِهِمْ وَاخْتِلَافُهُمْ عَلَى أَنْبِيَائِهِمْ». رواه البخاري ومسلم<sup>١</sup>

### معرفی راوی:

- ابوهریره: عبدالرحمن بن صخر دوسی ملقب به ابوهریره.
- بیش از همه صحابه حدیث از حفظ داشته و ۵۳۷۴ حدیث از پیامبر ﷺ روایت نموده است.
- در سالی که خیبر فتح شد به مدینه آمده و مسلمان شد و بنا بر قول صحیح در غزوه خیبر با رسول الله ﷺ حضور داشت.
- از لحظه ایمان آوردن همراه و ملازم رسول الله ﷺ بود و خود را وقف علم نمود و شب‌ها را با تکرار و حفظ احادیث سپری می‌نمود
- از جمله زاهدان و فقرای صحابه و اهل صفه بود. پیامبر ﷺ برایش دعا نمود تا خداوند در علم او برکت بیاندازد و حدیثی را فراموش نکند همچنین دعا نمود که خداوند وی را نزد مؤمنان و مؤمنان را نزد وی محبوب بگرداند.
- در سال ۵۷ هجری و در سن ۷۸ سالگی در مدینه منوره وفات یافته و در بقیع دفن شد.

### کلمات جدید:

نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ: شما را از آن نهی کردم. شما را از آن باز داشتم

فَاجْتَنِبُوهُ: آن را رها کنید. از آن دوری کنید.

أَمَرْتُكُمْ بِهِ: شما را به آن امر کردم

<sup>١</sup>- این لفظ صحیح مسلم است ، در روایات مسند حمیدی، مسند احمد بن حنبل، ابن حبان به جای «فافعلوا» آمده «فأتوا منه».

<sup>٢</sup>- صحیح بخاری (۷۲۸۸) صحیح مسلم (۱۳۳۷)



فَأَفْعَلُوا مِنْهُ (فَأَتُوا مِنْهُ): آن را انجام دهید.

مَا اسْتَطَعْتُمْ: در حد توان، تا جایی که توانایی دارید

أَهْلَكَ: هلاک کرد، نابود کرد

كَثْرَةً: بسیاری، زیادی

مَسَائِلِهِمْ: پرسش‌هایشان، به ویژه پرسش‌هایی که ضرورتی ندارند

اخْتِلَافُهُمْ: مخالفت آنها

ترجمه حدیث:

از ابوهریره عبدالرحمن بن صخر رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «آنچه شما را از آن بازداشته‌ام دوری کنید و آنچه را به شما فرمان داده‌ام در حد توان انجام دهید که همانا پیشینیان شما را، پرسش‌های بسیار و مخالفت با پیامبرانشان، هلاک کرد».

اهمیت حدیث:

امام نووی در شرح صحیح مسلم درباره این حدیث می‌گوید: یکی از قواعد مهم اسلام و از سخنان جامعی است که خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله عطا نموده است و احکام بی‌شماری را در بر می‌گیرد. ابن حجر هیتمی در شرح اربعین می‌گوید: حدیثی بزرگ از قواعد دین و ارکان اسلام است، پس شایسته است آن را حفظ کرده و بدان توجه نمود.

شرح مختصر حدیث:

در این حدیث پر معنی، رسول الله صلی الله علیه و آله امت را به کاری سفارش می‌نماید که برای نگه‌داشتن تعادل در دینداری مهم است چه برای فرد و چه برای جامعه.

کارهای زشت و چیزهایی که از آن نهی شده‌ایم را باید کنار گذاشت و از آنها دست کشید زیرا این امور حتماً برای فرد و جامعه اسلامی زیانبار است و پرهیز از آن برای حفظ سلامت و خوشبختی همه اهمیت دارد.

اما در زمینه دستورات و فرامین دین، انسان به قدر توان و استطاعتش آن را انجام می‌دهد زیرا الله - تبارک و تعالی - می‌فرماید: ﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ﴾ تغابن ۱۶ «پس آن قدر که در توان دارید از خدا بهراسید و پرهیزگاری کنید» و نیز می‌فرماید: ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ بقره ۲۸۶ «خداوند هیچ کس را جز به اندازه‌ی توانائیش تکلیف نمی‌کند». و آن هم به این خاطر است که در باب دستورات، نوافل و مستحبات نیز وجود دارد که هر کس به اندازه‌ی توانش برای کسب اجر و ثواب انجام می‌دهد.

و این روشی مناسب و میانه برای حفظ دینداری در تمامی شرایط و وضعیت‌ها است و سخت‌گیری و تندروی در دینداری کاملاً مردود است و پرسش‌های بسیار، گوناگون و فرضی و اختلاف بر سر آن با پیامبران پیشین سبب هلاکت ملت‌ها شده است و پیامبر ﷺ امتش را از این راه برحذر داشته است و از آنها می‌خواهد که تسلیم دستورات باشند زیرا برای حفظ دین باید تابع و پیرو پیامبر بود نه اینکه تنها با شور و حماسه و هوی و هوس سخن گفت و عمل کرد.

### تخریج حدیث:

این حدیث متفق علیه است که شیخان یعنی امام بخاری و امام مسلم آن را روایت کرده‌اند.

[صحیح البخاری - كِتَابُ الْإِعْتِصَامِ بِالْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ - بابُ الْإِقْتِدَاءِ بِسُنَنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ؛ ح ۷۲۸۸] صحیح مسلم - كِتَابُ الْفَضَائِلِ - بابُ تَوْقِيرِ النَّبِيِّ وَتَرْكِ إِكْتَارِ سُؤَالِهِ عَمَّا لَا ضُرُورَةَ إِلَيْهِ أَوْ لَا يَتَعَلَّقُ بِهِ تَكْلِيفٌ وَمَا لَا يَقَعُ؛ ح ۱۳۳۷

### فواید حدیث:

- ۱- وجوب ترک هر آنچه الله ﷻ و رسولش ﷺ حرام نموده‌اند.
- ۲- وجوب انجام هر چیزی که الله ﷻ و رسولش ﷺ به آن فرمان داده‌اند
- ۳- پرهیز از حرام، مقدم بر ادای واجب است
- ۴- یکی از ویژگی‌های مهم شریعت اسلامی، آسانی و سهولت آن است
- ۵- عذرهای شرعی پذیرفته شده است و سبب سبک شدن واجبات می‌شوند
- ۶- بسنده کردن به پرسش‌های مورد نیاز و ترک سخت‌گیری و تکلف در موضوعات
- ۷- شایسته نیست مسلمانان سؤالات بی‌مورد و غیر واقعی را طرح کنند

۸- پرهیز از اموری که سبب نابودی امت‌های گذشته شده است از جمله مخالفت با پیامبران

\*\* \*\* \*

## حدیث دهم: حلال خوری سبب استجابت دعا است

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى طَيِّبٌ لَا يَقْبَلُ إِلَّا طَيِّبًا، وَإِنَّ اللَّهَ أَمَرَ الْمُؤْمِنِينَ بِمَا أَمَرَ بِهِ الْمُرْسَلِينَ فَقَالَ تَعَالَى: ﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا﴾ وَقَالَ تَعَالَى: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ﴾ ثُمَّ ذَكَرَ الرَّجُلُ يُطِيلُ السَّفَرَ أَشْعَثَ أَغْبَرَ يَمُدُّ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ يَا رَبَّ يَا رَبَّ وَمَطْعَمُهُ حَرَامٌ وَمَشْرَبُهُ حَرَامٌ وَمَلْبَسُهُ حَرَامٌ وَعُذْيِي بِالْحَرَامِ فَأَنَّى يُسْتَجَابُ لِذَلِكَ؟!». رواه مسلم<sup>٣</sup>

معرفی راوی:

ابوهریره رضي الله عنه؛ رجوع شود به حدیث نهم.

کلمات جدید:

طَيِّبٌ: پاک

يُطِيلُ: طولانی کرد

أَشْعَثَ: ژولیده موی، پریشان موی

أَغْبَرَ: غبار آلود، کسی که غبار رنگ مویش را تغییر داده باشد

يَمُدُّ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ: دست‌هایش را برای دعا به سوی آسمان بلند می‌کند

مَطْعَمُهُ: خوردنی‌اش

مَشْرَبُهُ: نوشیدنی‌اش

مَلْبَسُهُ: لباسش، پوشاک او

عُذْيِي: تغذیه شده است

فَأَنَّى: پس چگونه و چرا؟ آنی از حروف استفهام است.

<sup>١</sup>- المؤمنون: ٥١

<sup>٢</sup>- البقرة: ١٧٢

<sup>٣</sup>- صحیح مسلم (١٠١٥)

يُسْتَجَابُ: استجابت شود. دعایش پذیرفته شود

### ترجمه حدیث:

همانا الله پاک است و جز پاکی را نمی پذیرد و برستی که الله مؤمنان را به همان چیزی فرمان داده که پیامبران را فرمان داده است. الله متعال فرموده: «ای پیامبران از پاکی ها بخورید و نیکی انجام دهید» و فرموده است: «ای کسانی که ایمان آورده اید از پاکی هایی که روزیتان کردیم بخورید».

سپس مردی را یاد نمود که سفرش به درازا کشیده و ژولیده موی و غبار آلود دستهایش را به سوی آسمان بلند کرده و پروردگارا، پروردگارا می گوید. در حالی که خوردنی اش حرام است و نوشیدنی اش حرام است و لباسش حرام است و با حرام تغذیه شده است پس چگونه دعایش پذیرفته شود؟!

### اهمیت حدیث:

این حدیث یکی از احادیث مهمی است که مبانی احکام و قاعده های اسلام بر آن بنا شده است و در زمینه حلال و حرام اصلی ثابت می باشد.

### شرح مختصر حدیث:

رسول گرامی اسلام ﷺ در این حدیث شریف راه پذیرفته شدن کارهای نیک در درگاه حق تعالی را چنین بیان می فرماید که باید از کسب و درآمد پاک و حلال باشد زیرا الله تبارک و تعالی پاک و طیب است و تنها پاکی را می پذیرد، و به همین دلیل به مؤمنین و پیامبران فرمان داده است تا از روزی پاک و حلال استفاده کنند و چون خوردن یکی از مهم ترین نیازهای انسان در دنیا برای حفظ بقای خویش است ابتدا آن را بیان نمود ولی مراد هر نوع استفاده است، و به همین دلیل در ادامه روایت، حکایت مسافری ژولیده موی و غبار آلود را بیان فرمود که در حالت فقر و نیاز، دستانش را به آسمان بلند می کند ولی دعایش استجابت نمی شود زیرا خوردنی و نوشیدنی و پوشیدنی و تغذیه اش از راه حرام بوده است پس چگونه دعایش مستجاب شود؟

این اندرزی است به هر مسلمان برای ترک کسب و درآمد حرام، زیرا در دنیا مانع پذیرفته شدن عبادت و دعا، و در آخرت حساب و کیفر سخت الهی را به همراه دارد.

### تخریج حدیث:

این حدیث را امام مسلم بن حجاج نیشابوری رحمته الله روایت کرده است

[صحیح مسلم - کتاب الزکاة - باب قبول الصدقة من الکسب الطیب و تربیتها؛ ح ۱۰۱۵] [جامع الترمذی - کتاب

تفسیر القرآن - باب ومن سورة البقرة؛ ح ۲۹۸۹]

### فواید حدیث:

- ۱- رسول الله صلی الله علیه و آله در این حدیث، الله تعالی را به طیب وصف نموده و این نشان می دهد که ذات و صفات و افعال الله تعالی همه پاک و کامل و منزّه از هر عیب و نقصی می باشد.
- ۲- فرمان به پاکی در هر کاری و اینکه الله تنها پاکی ها را می پذیرد
- ۳- صدقه و انفاق جز از مال حلال و پاک پذیرفته نمی شود
- ۴- استفاده از حرام سبب عدم پذیرفته شدن دعا می شود
- ۵- پیامبران نیز همانند مؤمنان مکلف به انجام فرمان های الهی هستند
- ۶- از حالت هایی که سبب پذیرفته شدن دعا می شود چهار چیز است: اول: سفر. دوم: اظهار فروتنی و نیاز و ذلت در برابر الله تعالی. سوم: بلند کردن دستان هنگام دعا. چهارم: اصرار و پافشاری در دعا مانند تکرار یا رب، یا رب.

\*\*      \*\*      \*\*

## حدیث یازدهم: تکیه بر یقین و دوری از شک و تردید

عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ سِبْطِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَرِيحَانَتِهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: حَفِظْتُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ: «دَعْ مَا يَرِيْبُكَ إِلَى مَا لَا يَرِيْبُكَ».

رواه التِّرْمِذِيُّ وَالتَّنْسَائِيُّ وَقَالَ التِّرْمِذِيُّ: حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ<sup>۱</sup>.

### معرفی راوی:

- حسن بن علی بن ابی طالب پسر فاطمه دختر رسول الله ﷺ ، امیر المؤمنین، سرور جوانان اهل بهشت است که کنیه او ابو محمد می باشد.
- در نیمه ماه مبارک رمضان سال سوم هجری متولد شد
- پیامبر ﷺ او را بسیار دوست داشت و حتی در نماز او را در آغوش می گرفت. بسیار زاهد و پرهیزکار بود و بارها به حج رفت.
- پس از پدرش علی بن ابی طالب رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ خلیفه مسلمانان گشت و در سال ۴۰ هجری برای حفظ جان مسلمانان به نفع معاویه بن ابی سفیان رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ کنار رفت که آن سال عام الجماعة نامیده شد. فضایل او بسیارند.
- در سال ۴۹ یا ۵۰ هجری در اثر مسمومیت به شهادت رسید و در بقیع به خاک سپرده شد.

### کلمات جدید:

سِبْطٌ: دختر زاده ، نوه

رِيحَانَتِهِ: گل خوشبوی پیامبر.

حَفِظْتُ: حفظ کردم، به خاطر سپردم.

دَعْ: رها کن. بگذار

يَرِيْبُكَ: تو را به شک می اندازد

### ترجمه حدیث:

<sup>۱</sup>- ترمذی (۲۵۱۸)، نسائی در صغری (۳۲۷/۸-۳۲۸)

از ابو محمد حسن بن علی بن ابی طالب، نوۀ رسول الله ﷺ و گل خوشبوی او رحمتهما روایت است که گفت: از رسول الله ﷺ به خاطر سپردم که فرمود: «آنچه تو را به شک می اندازد رها کن و آنچه تو را به شک نمی اندازد بگیر»

### اهمیت حدیث:

این حدیث از جوامع الکلم (سخنان جامع) و حکمت های شیوای نبوی است و ابن حجر هیتمی در پایان شرح این حدیث می گوید: «این حدیث قاعده ای بزرگ از قواعد دین و اصلی در ورع و پرهیزکاری است که اساس کار متقین بر آن است و نجات دهنده از تاریکی های شک و توهماتی است که بازدارنده نور یقین می باشند».

### شرح مختصر حدیث:

این حدیث بسیار زیبا و کوتاه، معانی پرباری را در بردارد، زیرا شک و تردید نشانه بی علمی و جهل به موضوع و مسئله است و انسان مسلمان برای انجام هر کاری باید درستی و نادرستی آن را از نظر شرعی بداند تا در حرام واقع نشود، ولی کسی که بی پروا و بدون پرسش کاری را انجام دهد احتمال اینکه کار ناجایزی از او سر بزند هست لذا این حدیث راهنمای خوبی برای زمانی است که شخص بر سر دوراهی قرار دارد که در این صورت ترک کاری که به آن شک دارد راه احتیاط است و به تقوا نزدیک تر است. در عبادت ها و معاملات و بسیاری از کارهای روزمره، شخص مسلمان ممکن است در انجام دادن یا ندادن کاری تردید کند. حال اگر این کار یک واجب شرعی و دینی است حتما باید انجام بگیرد زیرا فرمان خداوند متعال است و باید اطاعت شود ولی اگر شک داشت که این کار گناه است یا نه باید حتما آن را رها کند زیرا اگر گناه باشد انسان خود را گناهکار ساخته است و اگر هم گناه نبود خود را از شک و تردید نجات داده است و آسوده خاطر می باشد و این به تقوا نزدیک تر و برای حفظ دین بهتر است.

### تخریج حدیث:

این حدیث را امام ترمذی در جامع و امام نسائی در سنن و امام احمد در مسند و امام ابن حبان در صحیح و حاکم در مستدرک روایت کرده اند.



[سنن الترمذي - كِتَاب صِفَةِ الْقِيَامَةِ وَالرَّقَائِقِ وَالْوَرَعِ - باب ما جاء في صفة أواني الحوض؛ ح ٢٥١٨] [سنن النسائي - كِتَاب الْأَشْرِيَةِ - باب الحث على ترك الشبهات؛ ح ٥٧١١] [مسند أحمد - مُسْنَدُ أَهْلِ الْبَيْتِ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ - دع ما يريبك إلى ما لا يريبك فإن الصدق طمأنينة وإن الكذب ريبة؛ ح ٢٧٨١٩]

### فواید حدیث:

- ١- رها کردن شک و تردید و گرفتن چیزی که در آن تردید وجود ندارد
- ٢- رها کردن امور شک برانگیز سبب آسودگی خاطر و نجات از پریشانی است
- ٣- فضیلت پرهیز از شبهه‌ها
- ٤- شخص مؤمن پرهیزکار جز با حلال محض آسوده خاطر و آرام نمی‌شود اما شخص تبه‌کار در انجام گناه دچار تردید نمی‌شود چه رسد به شبهات.
- ٥- شایسته است که شخص مسلمان سفارش‌های مفید را به خاطر سپرده و در زندگی‌اش اجرا کند.
- ٦- فضیلت حسن بن علی بن ابی طالب ع

\* \* \*

## حدیث دوازدهم: مشغولیت به کارهای مفید

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مِنْ حُسْنِ إِسْلَامِ الْمَرْءِ تَرْكُهُ مَا لَا يَعْنِيهِ»  
حدیث حسن رواه الترمذی و غیره!

### معرفی راوی:

ابوهریره رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ . رجوع شود به حدیث نهم

### کلمات جدید:

حُسن: نیکی ، خوبی

مِنْ حُسْنِ إِسْلَامِ الْمَرْءِ: نشانه کامل بودن اسلام و راستین بودن ایمان شخص

تَرْكُهُ: رها کردن، شامل گفتار و کردار می شود

لَا يَعْنِيهِ: به او ربطی ندارد، برایش اهمیتی ندارد

### ترجمه حدیث:

از ابوهریره رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: «از نیکی اسلام شخص این است که آنچه به وی مربوط نمی شود را رها کند»

### اهمیت حدیث:

این حدیث از سخنان جامع پیامبر ﷺ می باشد که یکی از توصیه های مهم اخلاقی و آداب اسلامی را بیان می کند.

ابن رجب حنبلی می گوید: این حدیث اصلی بزرگ از اصول ادب است.

<sup>۱</sup>- ترمذی (۲۳۱۷) ، ابن حبان (۲۲۹) ، ابن ماجه (۳۹۷۶) امام مالک در «موطأ» به صورت مرسل (۹۰۳/۲).

## شرح مختصر حدیث:

این حدیث با کلماتی بسیار کوتاه، معانی فراوانی را در خود جای داده است؛ زیرا مهم‌ترین چیز برای هر مسلمان دین اوست که از طریق آن راه خوشبختی را می‌آموزد؛ و لذا انسان در مسیر تکامل، نیاز به تزکیه و پاک‌سازی نفس خودش دارد در غیر اینصورت افسار گسیخته شده و از کنترل خارج می‌شود. یکی از نشانه‌های خوب بودن و کمال دینداری شخص این است که خود را درگیر و مشغول به اموری که به وی ربطی ندارد، نکند زیرا در این حالت او را از کارهای مهم و با اهمیت زندگی‌اش باز می‌دارد.

البته این بدان معنی نیست که مسلمان نسبت به دیگران و جامعه بی‌تفاوت باشد بلکه بهتر است از کارهایی که به وی ارتباطی ندارد دوری کند تا بتواند به اولویت‌های زندگی خود بپردازد. و از آنجایی که هر مسلمان نسبت به سخن یا کردار خویش مسئول و متعهد است لازم است بداند که این امر شامل هر گفتار یا کرداری می‌شود.

## تخریج حدیث:

این حدیث را امام ترمذی در جامع و امام ابن ماجه در سنن روایت کرده است.

[جامع الترمذی - کتاب الزُّهْد - باب فیمن تکلم بکلمة یضحک بها الناس؛ ح ۲۳۱۷] [سنن ابن ماجه - کتاب

الفِتَنِ - باب کف اللسان فی الفتنه؛ ح ۳۹۷۶]

## فواید حدیث:

- ۱- تشویق انسان به رها کردن اموری که به وی مربوط نمی‌شود و سودی برای دنیا و آخرت او ندارد و مشغول شدن به آنچه در دنیا و آخرت به او سود می‌رساند
- ۲- شخص مسلمان باید به اولویت‌های زندگی‌اش بپردازد و در هر کاری دخالت نکند
- ۳- از نشانه‌های کامل بودن دین انسان دوری از اموری است که برای انسان اهمیتی ندارد
- ۴- اسلام اشخاص بر اساس کردارشان متفاوت است

\*\*      \*\*      \*\*

## حدیث سیزدهم: برادری ایمانی و اسلامی

عَنْ أَبِي حَمْرَةَ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ خَادِمِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ». رواه البخاري ومسلم<sup>۱</sup>

### معرفی راوی:

- انس بن مالک بن نضر انصاری خزرجی، ابو حمزه رضی الله عنه
- در مدینه متولد شد و از سن ده سالگی به پیشنهاد مادرش ام سلیم به خدمتگزاری رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مشرف شد و ده سال تمام تا هنگام وفات آن حضرت در خدمت ایشان بود، رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم او را تربیت نموده و با وی شوخی می نمود و نامش را ذا الأذنین گذاشت.
- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم برایش دعا نموده و فرمود: «اللَّهُمَّ أَكْثِرْ مَالَهُ وَوَلَدَهُ، وَبَارِكْ لَهُ فِي مَا أُعْطِيَتْهُ»<sup>۲</sup> یعنی: خداوندا دارایی و فرزندانش را بسیار بگردان و در آنچه به او عطا نموده ای برکت قرار ده؛ و به برکت دعای رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بیش از صد سال زندگی نمود و گفته شده ۹۸ فرزند، نوه و نتیجه اش را دیده و زمین کشاورزی او هر سال دوبار ثمر می داد
- از جمله مکتوبین به شمار می آید که ۲۲۸۶ حدیث از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت نموده است.
- مدتی امیر و والی بصره بود و در آنجا نیز وفات نمود
- در سال ۹۳ هجری وفات یافت و آخرین صحابه ای بود که در بصره از دنیا رفت.

### کلمات جدید:

لَا يُؤْمِنُ: ایمان نمی آورد. منظور ایمان کامل است

أَحَدُكُمْ: یکی از شما مسلمانان

يُحِبُّ: دوست بدارد

لِأَخِيهِ: برای برادر و خواهر دینی اش

مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ: همانگونه که برای خودش دوست دارد

<sup>۱</sup> - صحیح بخاری (۱۳)، صحیح مسلم (۴۵)

<sup>۲</sup> - متفق علیه

## ترجمه حدیث:

از ابو حمزه، انس بن مالک رضی الله عنه خدمتگزار رسول الله صلی الله علیه و آله روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ایمان یکی از شما کامل نمی شود تا اینکه هر آنچه را برای خود می پسندد برای برادر مسلمانش نیز بیسندد»

## اهمیت حدیث:

امام نووی در شرح صحیح مسلم می گوید: امام بزرگوار ابو محمد عبدالله بن ابی زید امام مالکیه مغرب در زمان خودش گفته: مجموعه آداب نیک از چهار حدیث سرچشمه می گیرد: سخن پیامبر صلی الله علیه و آله «آنکه به الله و روز واپسین ایمان دارد باید سخن نیک بگوید یا اینکه خاموش بماند» و سخنش صلی الله علیه و آله «از نیکی اسلام شخص این است که آنچه به وی مربوط نمی شود را رها کند» و سخنش صلی الله علیه و آله به کسی که به شکل مختصر او را سفارش نموده و فرمود: «خشمگین مشو» و سخنش صلی الله علیه و آله «ایمان یکی از شما کامل نمی شود تا اینکه هر آنچه را برای خود می پسندد برای برادر مسلمانش نیز بیسندد».

و جردانی<sup>۱</sup> در شرح اربعین می گوید: این حدیث قاعده ای از قواعد اسلام است.

## شرح مختصر حدیث:

این حدیث یکی از مبادی و اصول اخلاقی اسلام را بیان می کند که زیربنای اعتقادی دارد و به همین دلیل کسی که با آن مخالفت کند از او نفی کمال ایمان شده تا بدانند که ایمان انسان مسلمان جز با دوست داشتن خوبی ها برای برادر و خواهر دینی اش کامل نمی شود که این نشانه ولاء و دوستی ایمانی و اعتقاد به الله و آخرت است.

و این رابطه ایمانی است که، اساس متین و محکم جامعه اسلامی را تشکیل می دهد تا همه در پرتو محبت و دوستی دینی، برادروار زندگی کنند و اسباب آسایش و رفاه یکدیگر را فراهم کنند؛ و این محبت دینی است که انسان را به ایثار و گذشت حق خود وای دارد، سبب می شود پیش سلام بوده و حالشان را جویا شده و از اوضاع و احوالشان با خبر شود. برایشان دعای خیر کرده و اگر کمکی بخواهند از ایشان دریغ نکند؛ از ناموش و شرف و مال و جان آنها دفاع کرده و برای خوشبختی و رستگاری آنها را پند دهد.

<sup>۱</sup> - محمد بن عبد الله الجرداني الدمياطي الشافعي المتوفى ۱۳۳۱ هـ. یکی از شارحان اربعین می باشد.

<sup>۲</sup> - الوافي ص ۸۶

همچنین این حدیث نهی از حسادت می‌باشد که با کمال ایمان منافات دارد زیرا شخص حسود دوست ندارد کسی از او در خیر و خوبی برتر بوده یا با وی مساوی باشد و چه بسا آرزوی از بین رفتن نعمت دیگری را بکند.

همچنین بیانگر این است که ایمان زیاد و کم می‌شود، به وسیله فرمانبرداری افزایش یافته و در اثر گناه کاهش می‌یابد.

### تخریج حدیث:

این حدیث متفق علیه است یعنی امام بخاری و امام مسلم هر دو آن را روایت کرده‌اند.

[صحیح البخاری - کتاب الإیمان - باب من الإیمان أن یحب لأخیه ما یحب لنفسیه؛ ح ۱۳] [صحیح مسلم - کتاب الإیمان - باب الدلیل علی أن من خصال الإیمان أن یحب لأخیه المسلم ما یحب لنفسیه من الخیر؛ ح ۴۵]

### فواید حدیث:

- ۱- از نشانه‌های کامل بودن ایمان این است که شخص آنچه را برای خود می‌پسندد برای برادرش نیز بیسندد و آنچه را برای خویش بد می‌داند برای برادرش نیز بد بداند.
- ۲- تشویق بر محبت و دوست داشتن خیر و نیکی برای دیگر مسلمانان
- ۳- تقویت رابطه ایمانی بین مسلمانان
- ۴- ایمان کم و زیاد می‌شود و مؤمنان بر اساس کردارشان از نظر ایمانی تفاوت دارند
- ۵- از جمله خیرخواهی برای برادر مسلمان این است که اگر کوتاهی از او مشاهده کرد یا نقصی در او دید برای اصلاح آن تلاش کند

\*\*\* \*\* \*\*

## حدیث چهاردهم: حرمت مسلمان

عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ رضی اللہ عنہ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم «لَا يَجِلُّ دَمُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ [يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّي رَسُولُ اللَّهِ] إِلَّا بِأَحَدِي ثَلَاثٍ: الثَّيِّبُ الرَّانِي وَالتَّنْفُسُ بِالتَّنْفِسِ وَالتَّارِكُ لِدِينِهِ الْمُفَارِقُ لِلْجَمَاعَةِ». رواه البخاري ومسلم<sup>1</sup>

### معرفی راوی:

عبدالله بن مسعود رضی اللہ عنہ، رجوع شود به شرح حدیث چهارم.

### کلمات جدید:

لَا يَجِلُّ دَمُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ: ریختن خون مسلمان - یعنی کشتن او - حلال نیست

إِلَّا بِأَحَدِي ثَلَاثٍ: جز به یکی از سه دلیل

الثَّيِّبُ: شخصی که ازدواج شرعی کرده است و مجرد نیست که شامل زن و مرد می شود

الرَّانِي: زناکار

والتَّنْفُسُ بِالتَّنْفِسِ: منظور قصاص قتل است

التَّارِكُ لِدِينِهِ: کسی که مرتد شده و از دین خارج شود و منظور از دین، اسلام است

الْمُفَارِقُ لِلْجَمَاعَةِ: کسی که با مرتد شدن گروه مسلمانان را رها کرده است

### ترجمه حدیث:

از ابن مسعود رضی اللہ عنہ روایت است که پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم فرمود: «ریختن خون فرد مسلمانی [که گواهی دهد

معبود برحق جز الله نیست و من فرستاده الله هستم] روا نمی شود مگر به سبب یکی از این سه چیز:

متأهل زناکار، و قاتل در برابر مقتول، و کسی که دینش را ترک کرده، از جماعت مؤمنان جدا شود»

### اهمیت حدیث:

<sup>1</sup> - صحیح بخاری (۶۸۷۸)، صحیح مسلم (۱۶۷۶) در بخاری و مسلم لفظی اضافه وجود دارد به این صورت: (لَا يَجِلُّ دَمُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَّا بِأَحَدِي ثَلَاثٍ ...) که در نسخه های خطی اربعین نیست

این حدیث نبوی شریف قاعده‌ای محکم در حفاظت از جان مسلمان است، تا هنگامی که وی شخصی درستکار بوده و زندگی فردی یا اجتماعی او آسیبی به جامعه وارد نمی‌کند ولی هنگامی که زندگی فردی او برای زندگی اجتماعی خطر آفرین باشد به صورتی که دین و اخلاق و ناموس امت را به خطر اندازد و در میان آنها بدی و گمراهی رواج دهد حق زندگی را از خود سلب کرده است.

ابن حجر هیتمی در اهمیت این حدیث می‌گوید: «این حدیث از جمله قواعد مهمی است با مهم‌ترین چیزها یعنی خون در ارتباط است و بیان‌گر خونی که حلال است و خونی که حلال نیست می‌باشد و اینکه اصل در آن مصون ماندن است که از نظر عقلی نیز اینچنین است زیرا عقل بر محبت بقای شکل انسانی که در بهترین صورت آفریده شده، سرشته است.»

### شرح مختصر حدیث:

این حدیث یکی از ضوابط کلی شریعت اسلامی یعنی حفظ حرمت جان مسلمان را بیان می‌کند و اینکه اصل بر این است که همه انسان‌ها و به خصوص مسلمانان جان‌شان محفوظ و محترم است و کسی حق تعرض و تجاوز به آن را ندارد مگر در حالت‌هایی که شریعت آنها را بیان داشته و علت و حکمت آن را آشکار کرده است.

از مواردی که جان انسان حرمتش را از دست می‌دهد و خودش هدر می‌شود و می‌توان او را با حکم قاضی شرع و امر حکام مسلمان کشت، این سه مورد است که در این حدیث بیان شده است:

**مورد اول:** زناکاری که متأهل شرعی باشد یعنی رسماً ازدواج کرده و با همسرش همبستر شده است و چون راه ارضای شهوت‌اش با حلال وجود داشته اگر زنا کند و به دلایل شرعی برای قاضی شرع ثابت و قطعی شود حکم سنگسار او صادر می‌شود.

**مورد دوم:** قاتل در قتل عمد نیز در صورت اثبات آن با دلایل شرعی برای قاضی شرع و در صورت درخواست وارثین مقتول به قصاص باید کشته شود.

**مورد سوم:** مرتدی که با اتمام فرصت تجدید نظر، بر ارتداد خود اصرار ورزد و با بیان و اتمام حجت باز هم توبه نکند توسط حاکم شرع کشته می‌شود.



این سه مورد از جمله حالت‌هایی است که جان انسان مسلمان گرفته می‌شود ولی باید توجه کرد که فقط با تحقق شرط شرعی و توسط حاکم مسلمان این کار روا و جایز و هیچ فردی از امت اسلامی به تنهایی حق مبادرت به چنین کاری را ندارد.

### تخریج حدیث:

این حدیث را امام بخاری و امام مسلم به اتفاق روایت کرده‌اند

[صحیح البخاری - کتاب الدیات - باب قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ؛ ح ۶۸۷۸] صحیح مسلم - کتاب الْقَسَامَةِ وَالْمَحَارِبِينَ وَالْقِصَاصِ وَالذِّيَاتِ - بَاب مَا يُبَاحُ بِهِ دَمُ الْمُسْلِمِ؛ ح ۱۶۷۶

### فواید حدیث:

- ۱- حرمت جان مسلمان به‌ویژه کسی که اسلامش را آشکار کرده است
- ۲- حکم متأهلی که زنا کند سنگسار است چرا که زنا یکی از زشت‌ترین جرم‌ها از دیدگاه اسلام است
- ۳- قاتل هرچند که مسلمان باشد با ارتکاب قتل عمد خون‌اش حلال می‌شود مگر اینکه صاحبان خون به خونبها راضی شده و قاتل را عفو کنند
- ۴- شخصی که از دین برگردد پس از اتمام حجت و توبه دادن او اگر باز هم نپذیرفت کشته می‌شود
- ۵- دین حرمت و احترام خاصی دارد و نباید آن را به شوخی گرفت
- ۶- عقد ازدواج دارای اهمیت بسیاری است و چنانکه مرد یا زنی با ارتکاب زنا آن را شکسته یا به همسرش خیانت کند جزای سنگین سنگسار در انتظار اوست
- ۷- اجرای قصاص سبب از بین رفتن گناهان شخص می‌شود چنانکه در حدیثی که امام مسلم در صحیحش از عبادة بن ثابت روایت می‌کند که وی از رسول الله ﷺ روایت کرده که فرمود: «ومن أصاب شيئاً من ذلك فعوقب به فهو كفارة له ومن أصاب شيئاً من ذلك فستره الله عليه فأمره إلى الله إن شاء عفا عنه وإن شاء عذبه» هرکس دچار چیزی از اینها (زنا و دزدی و قتل) شده پس مجازات گشت این مجازات کفاره او خواهد بود و هرکس دچار چیزی از این کارها شد پس الله او را پوشاند، امرش به الله وابسته است که اگر خواست او را می‌بخشد و اگر خواست عذاب می‌کند»

۸- ایجاد تنفر از این سه جرم و هشدار نسبت به وقوع آنها

۹- تربیت جامعه بر ترس از الله متعال و در نظر داشتن او در نهان و آشکار پیش از اجرای حدود.

۱۰- حدود در اسلام بازدارنده است و هدف از آن پیشگیری می باشد

\*\*    \*\*    \*\*

## حدیث پانزدهم: از ویژگی‌ها ایمان

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْرًا أَوْ لِيَصْمُتْ وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ جَارَهُ وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهُ». رواه البخاري ومسلم<sup>۱</sup>

### معرفی راوی:

عبدالرحمن بن صخر، ابوهریره رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ؛ به حدیث نهم مراجعه شود.

### کلمات جدید:

يُؤْمِنُ: منظور در اینجا ایمان کامل است

خَيْرًا: خوب و نیکی

يَصْمُتُ: خاموش بماند، سخن نگوید

فَلْيُكْرِمْ: پس گرامی بدارد، اکرام کند

جَارَهُ: همسایه‌اش

ضَيْفَهُ: مهمانش

### ترجمه حدیث:

از ابوهریره رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ روایت است که رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «کسی که به الله و روز آخرت ایمان دارد باید سخن نیک بگوید یا خاموش بماند، و کسی که به الله و روز آخرت ایمان دارد باید همسایه‌اش را گرامی بدارد، و کسی که به الله و روز آخرت ایمان دارد باید میهمانش را گرامی بدارد».

### اهمیت حدیث:

<sup>۱</sup> - صحیح بخاری (۶۰۱۸)، صحیح مسلم (۴۷) و لفظ از مسلم است.

ابن حجر عسقلانی رحمته الله در شرحش بر صحیح بخاری می‌گوید: این حدیث از جوامع الکلم است؛ و می‌گوید: این حدیث در برگرفته سه امر می‌باشد که اخلاق والای فعلی و قولی را در بر دارد.

امام نووی در شرح صحیح مسلم می‌گوید: امام بزرگوار ابو محمد عبدالله بن ابی‌زید امام مالکیه مغرب در زمان خودش گفته: مجموعه آداب نیک از چهار حدیث سرچشمه می‌گیرد: سخن پیامبر صلی الله علیه و آله «آنکه به الله و روز واپسین ایمان دارد باید سخن نیک بگوید یا اینکه خاموش بماند» و سخنش صلی الله علیه و آله «از نیکی اسلام شخص این است که آنچه به وی مربوط نمی‌شود را رها کند» و سخنش صلی الله علیه و آله به کسی که به شکل مختصر او را سفارش نموده و فرمود: «خشمگین مشو» و سخنش صلی الله علیه و آله «ایمان یکی از شما کامل نمی‌شود تا اینکه هر آنچه را برای خود می‌پسندد برای برادر مسلمانش نیز بیسندد».

### شرح مختصر حدیث:

در این حدیث رسول الله صلی الله علیه و آله مسلمانان را با توجه به اصول اعتقادی و باورهای دینی‌شان مبنی بر اعتقاد به الله و روز آخرت مورد خطاب قرار می‌دهد و از آنها می‌خواهد که اگر واقعا به الله و آخرت ایمان دارند پس به نیکی‌ها و فضایل اخلاقی مبادرت ورزند که از جمله آن: دوری از سخن ناروا و احسان و گرامی‌داشت همسایه و مهمان است و این کارها نشانه خوش اخلاقی و انسان‌دوستی است که اسلام بارها به آن سفارش کرده است.

### تخریج حدیث:

این روایت را امام بخاری و امام مسلم به اتفاق نقل کرده‌اند و لذا به آن متفق علیه نیز گفته می‌شود.

[صحیح مسلم - کتاب الإیمان - باب الحثّ علی إکرام الجار والضيف ولزوم الصمت إلا عن الخیر. باب الحثّ علی إکرام الجار والضيف ولزوم الصمت إلا عن الخیر وكون ذلك کله من الإیمان. ح ۴۷] [صحیح البخاری - کتاب الأدب - باب من کان یؤمن بالله والیوم الآخر فلا یؤذ جاره. ح ۶۰۱۸]

### فواید حدیث:

- ۱- اسلام دین نیکی‌ها و خوبی‌هاست و به آنها سفارش کرده است.
- ۲- یادآوری آخرت هنگام تشویق و ترساندن، زیرا در آن روز به حساب کردارها رسیدگی می‌شود.
- ۳- پرهیز از آفت‌های زبان و تفکر درباره سخن، پیش از به زبان آوردن آن.
- ۴- زبان را نه تنها باید از حرام حفظ کرد بلکه از سخن‌های بیهوده نیز باید محافظت نمود.

۵- تأکید بر حق همسایه و تشویق به نیکی با همسایگان و هشدار نسبت به آزار و اذیت آنها.

۶- تشویق به گرامی داشتن مهمان و نیکی به وی، و بیان اینکه گرامی داشتن مهمان از آداب اسلامی و اخلاق پیامبران است و تنها یک اخلاق اجتماعی نیست.

\*\*    \*\*    \*\*

## حدیث شانزدهم: پرهیز از خشم

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه أَنَّ رَجُلًا قَالَ لِلنَّبِيِّ ﷺ: أَوْصِنِي . قَالَ: «لَا تَغْضَبْ» . فَرَدَّدَ مِرَارًا ، قَالَ: «لَا تَغْضَبْ» . رواه البخاري<sup>1</sup>

### معرفی راوی:

عبدالرحمن بن صخر، ابوهریره رضي الله عنه؛ به حدیث نهم مراجعه شود.

### کلمات جدید:

رَجُلًا: مردی. گفته شده ابودرداء رضي الله عنه بوده و گفته شده، جاریه بن قدامه رضي الله عنه بوده است.  
أَوْصِنِي: مرا سفارش کن. منظور سفارش و وصیتی مختصر است که تمامی نیکی‌ها را در بر داشته باشد.

لَا تَغْضَبْ: خشم نگیر. یعنی از اسباب خشم پرهیز کن و خشم را عملی نکن.  
فَرَدَّدَ مِرَارًا: چند بار درخواستش را تکرار کرد.

### ترجمه حدیث:

از ابوهریره رضي الله عنه روایت است که مردی به رسول الله ﷺ گفت: نصیحتم کن. فرمود: «خشمگین مشو»؛ پس چند بار خواسته‌اش را تکرار کرد. رسول الله ﷺ فرمود: «خشمگین مشو».

### اهمیت حدیث:

جردانی می‌گوید: این حدیث، حدیثی با عظمت است و از جوامع الکلم می‌باشد زیرا خوبی‌های دنیا و آخرت را در خود گرد آورده است.

### شرح مختصر حدیث:

این حدیث حکایت حال یک صحابی است که نامش مشخص نشده است؛ او از رسول الله ﷺ درخواست سفارش و نصیحت می‌کند و رسول الله ﷺ نیز که غالب اصحابش را می‌شناسد و به

<sup>1</sup> - صحیح بخاری (۶۱۱۶).

نیازهایشان آگاه است او را به عدم خشم و دوری از عصبانیت سفارش می‌فرماید و در برابر درخواست‌های پی‌درپی صحابی فقط همین یک توصیه را تکرار می‌کند و این دلیل است بر اهمیت مطلب.

زیرا خشم و غضب مشکلات بسیاری را برای فرد و جامعه به بار می‌آورد و لذا اگر انسان بتواند بر نفس خویش غلبه کند و از تصرفات ناجبایی که در وقت ناراحتی و خشم و غضب از او سر می‌زند جلوگیری کند کار بسیار عاقلانه‌ای انجام داده و هرگز پشیمان نخواهد شد.

حسن بصری رضی الله عنه گفته است: چهار چیز اگر در کسی باشد، خداوند او را از شیطان محافظت نموده و آتش جهنم را بروی حرام می‌کند: آنکه نفس خود را هنگام: بیم، امید، شهوت و خشم نگه دارد. یکی از اسباب مهم اختلافات خانوادگی، طلاق، قتل و بسیاری از جرم‌های بزرگ، خشم و غضب است.

و از جمله قوانین و دستورات اسلام برای حفظ امنیت جان و مال و ناموس افراد جامعه، توصیه و سفارش مکرر به حفظ تعادل عقل است که راه آن دوری از خشم و غضب است به‌ویژه در هنگام تصمیم‌گیری و یا انجام کارها.

#### راه‌های درمان خشم و غضب:

- ۱- تربیت نفس با صبر و شکیبایی و سنجیدن کار پیش از انجام آن.
  - ۲- پناه بردن به الله از شر شیطان رانده شده با گفتن: *أعوذ بالله من الشيطان الرجيم*
  - ۳- تغییر حالتی که شخص در آن است. امام احمد و ابوداود از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند که فرمود: «هرگاه یکی از شما خشمگین شد در حالی که ایستاده بود پس بنشیند و اگر خشم او از بین نرفت باید بخوابد»
  - ۴- سخن نگفتن هنگام خشم: چه بسا اگر شخص خشمگین سخن بگوید طرف مقابل پاسخی بدهد که خشم او بیشتر شود پس باید به سفارش گهربار پیامبر صلی الله علیه و آله عمل کند که فرمود: «هرگاه یکی از شما خشمگین شد پس خاموش بماند» احمد و ترمذی.
- خشم برای الله عزوجل: خشم ناروا و نکوهیده خشمی است که به خاطر انتقام‌گیری برای نفس باشد، اما خشمی که به خاطر تجاوز به حرمت‌های دین باشد پسندیده است چنانکه در حدیث صحیحی

که امام بخاری و امام مسلم روایت کرده‌اند آمده است که رسول الله ﷺ هرگز برای خویش انتقام نمی‌گرفت اما هنگامی که حرمت‌های الله عزوجل شکسته می‌شد انتقام می‌گرفت.

### تخریج حدیث:

این روایت را امام بخاری در صحیح و امام ترمذی در کتابش جامع و امام احمد در کتابش المسند نقل کرده‌اند.

[صحیح البخاری - کتاب الأدب - باب الحذر من الغضب؛ ح ۶۱۱۶] مسند أحمد - باقی مُسْنَدِ الْمُكْتَرِبِينَ - مسند أبي هريرة رضي الله عنه؛ ح ۲۷۳۱] جامع الترمذی - کتاب البرِّ وَالصَّلَاةِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - باب مَا جَاءَ فِي كَثْرَةِ الْغَضَبِ؛ ح ۲۰۲۰]

### فواید حدیث:

- ۱- اشتیاق فراوان صحابه رضی الله عنهم به انجام نیکی‌ها
- ۲- شخص مسلمان باید در شناخت خوبی‌ها مشتاق بوده و از شخصی که از او نسبت به دین آگاه‌تر است راهنمایی و نصیحت بخواهد
- ۳- نصیحت‌کننده باید بهترین نصیحتی که با حال و روز نصیحت‌شونده مناسب باشد را انتخاب کند
- ۴- پرهیز از خشم و غضب و آثاری که بر آن مترتب می‌شود.
- ۵- نصیحت‌کننده نباید از تکرار نصیحت واهمه داشته باشد و باید از کلمات مختصر و مناسب استفاده کند.

\*\*      \*\*      \*\*



## حدیث هفدهم: فراگیر بودن نیکی و احسان

عَنْ أَبِي يَعْلَى شَدَّادِ بْنِ أَوْسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ كَتَبَ الْإِحْسَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، فَإِذَا قَتَلْتُمْ فَأَحْسِنُوا الْقِتْلَةَ، وَإِذَا ذَبَحْتُمْ فَأَحْسِنُوا الذَّبْحَةَ وَلْيُحَدِّدْ أَحَدُكُمْ شَفْرَتَهُ وَلْيُرِخْ ذَبِيحَتَهُ». رواه مسلم<sup>۱</sup>

### معرفی راوی:

- شَدَّادِ بْنِ أَوْسِ بن ثابت خزرجی، برادرزاده حَسَّانِ بن ثابت شاعر نامدار اسلام می باشد، کنیه اش ابو یعلی می باشد.
- صاحب دانش و بردباری بود. ابودرداء رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ درباره وی می گوید: همانا الله عزوجل به شخصی دانش می دهد اما بردباری نمی دهد و به شخصی بردباری می دهد اما دانش نمی دهد؛ و ابا یعلی شداد بن اوس از کسانی است که الله به او دانش و بردباری داده است. اسد بن وداعة درباره او می گوید: شداد بن اوس هنگامی که شب به بستر می رفت مانند دانه در روغن داغ بود، می گفت: خداوند! آتش، خواب را از من گرفته است. سپس برمی خواست و پیوسته نماز می خواند تا صبح می شد.
- ۵۰ حدیث از پیامبر ﷺ روایت نموده است.
- در شهر حمص سکونت گزید، در سال ۵۸ هجری و در سن ۷۵ سالگی در فلسطین وفات نموده و در بیت المقدس دفن شد.

### کلمات جدید:

کَتَبَ: فرض کرده، واجب نموده است.

الْإِحْسَانَ: نیکوکاری. به انجام دادن کار به بهترین و نیکوترین شکل نیز احسان گفته می شود

قَتَلْتُمْ: کشتید

الْقِتْلَةَ: روش کشتن.

<sup>۱</sup> - صحیح مسلم (۱۹۵۵) با لفظ فَأَحْسِنُوا الذَّبْحَةَ آمده که در اکثر نسخه های صحیح مسلم اینگونه است و در برخی از آنها: فَأَحْسِنُوا الذَّبْحَةَ آمده که معنا حالت و روش است چنانکه امام نووی رحمه الله در شرح صحیح مسلم بیان نموده است (۱۰۷/۱۳).

ذَبْحُكُمْ: ذبح کردید. سربریدید

الدَّبْحَةُ: روش ذبح کردن.

وَلْيُحَدِّدْ: باید تیز کند

شَفْرَتَهُ: چاقو و هر چیزی که با آن ذبح کرده می‌شود

وَلْيُرَخِّ: باید راحت نماید

ذَبِيحَتَهُ: قربانی اش را.

**ترجمه حدیث:**

از ابی یعلی شداد بن اوس رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «همانا خداوند نیکویی را درباره هر چیز واجب نموده است، پس هرگاه کشتید به روشی نیک بکشید و هرگاه ذبح کردید به روشی نیکو ذبح کنید و یکی از شما باید چاقوی خود را تیز کرده و حیوانی که ذبح می‌کند را راحت نماید»

**اهمیت حدیث:**

این حدیث یکی از قواعد مهم دین است و شامل انجام تمامی آموزه‌های دین اسلام به بهترین روش می‌باشد زیرا احسان و نیکوکاری در کار، یعنی انجام دادن آن بر اساس شریعت. کارها یا به زندگی و مدیریت انسان نسبت به خانواده و بقیه مردم مربوط است یا به آخرتش وابسته می‌باشد. یعنی ایمانی که همان عمل قلبی است و اسلام که عمل اعضا می‌باشد. پس کسی که برای زندگی دنیا و آخرتش به نیکی تلاش کند پیروزی بزرگی را به دست آورده و در دنیا و آخرت رستگار خواهد شد ان شاء الله تعالی.

**شرح مختصر حدیث:**

در این حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله بیان می‌کند که نیکی و احسان از دیدگاه شریعت اسلام امری فراگیر بوده و تمامی امور را در بر می‌گیرد و شخص مسلمان وظیفه دارد در تمامی امور دینی و دنیوی بر اساس این فرمان یعنی نیکوکاری قدم بردارد. یکی از معانی احسان یعنی انجام کارها به بهترین شکل؛ یعنی شخص مسلمان باید تلاش کند در هر کاری که می‌خواهد انجام دهد یا به او سپرده شده به بهترین و زیباترین روش عمل کرده و از سهل انگاری و اهمال پرهیز کند. حتی در برخورد با سایر جانداران نیز رعایت و احسان و نیکی

واجب است و اسلام که دین احسان و نیکی است در این مورد نیز به پیروانش دستور داده که خوب رفتار کنند حتی اگر در برابر حیوان بی دفاع باشد.

و از جمله مسائلی که احسان در آن فراموش می‌شود و نیاز به تذکر و یادآوری است ذبح و قربانی است که شخص قصاب یا صیاد از آن غافل می‌ماند و گویا تصور می‌کند هنگام کشتن دیگر نیازی به احسان نیست؛ به همین دلیل تذکر به این قضیه نشانه لطف و توجه اسلام به همه جانداران و رعایت همه مصالح و منافع و وجوه خیر است.

و از آنجایی که تحقق این نیکی با حسن نیت و به کار بردن وسائل ممکن، سهل و آسان است اسلام پیروانش را بدان سفارش نموده و فرمان می‌دهد، تا هم انسان‌ها به مصالح خود دست یابند و هم جانداران از آزار و اذیت در امان باشند.

### تخریج حدیث:

این حدیث را امام مسلم بن حجاج نیشابوری خراسانی در کتاب مشهورش به نام الجامع الصحیح مشهور به صحیح مسلم روایت کرده است. این حدیث همچنین در دیگر کتاب‌های معتبر حدیثی مانند جامع ترمذی، سنن ابی داود، سنن نسائی، سنن ابن ماجه و مسند احمد روایت شده است.

[صحیح مسلم - كِتَابُ الصَّيْدِ وَالذَّبَائِحِ وَمَا يُؤْكَلُ مِنَ الْحَيَوَانَ - بَابُ الْأَمْرِ بِإِحْسَانِ الدَّبْحِ وَالْقَتْلِ وَتَحْدِيدِ الشَّفْرَةِ. ح ۱۹۵۵] [جامع الترمذی - كِتَابُ الدِّيَاتِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - بَابُ مَا جَاءَ فِي النَّهْيِ عَنِ الْمَثَلَةِ - اغزوا بسم الله وفي سبيل الله قاتلوا من كفر اغزوا ولا تغلوا ولا تغدروا ولا تمثلوا؛ ح ۱۴۰۹] [سنن أبي داود - كِتَابُ الصَّحَايَا - إن الله كتب الإحسان على كل شيء، بَابُ فِي التَّهْيِ أَنْ تُصَبَّرَ الْبَهَائِمُ وَالرَّفْقُ بِالذَّبِيحَةِ؛ ح ۲۸۱۵] [سنن النسائي - كِتَابُ الصَّحَايَا - إن الله كتب الإحسان على كل شيء فإذا قتلتم فأحسنوا القتلة وإذا ذبحتم فأحسنوا الذبحة - ص ۲۲۷ - الْأَمْرُ بِإِحْسَانِ الشَّفْرَةِ؛ ح ۴۴۰۵] [سنن ابن ماجه - كِتَابُ الدَّبَائِحِ - إن الله عز وجل كتب الإحسان على كل شيء، بَابُ إِذَا ذَبَحْتُمْ فَأَحْسِنُوا الدَّبْحَ؛ ح ۳۱۷۰] [مسند أحمد - مُسْنَدُ الشَّامِيِّينَ - إن الله عز وجل كتب الإحسان على كل شيء فإذا قتلتم فأحسنوا القتلة؛ ح ۱۶۶۶].

### فوائد حدیث:

۱- احسان یکی از مهم‌ترین مسائل اخلاقی و رمز و راز تمام خوبی‌ها است و الله تبارک و تعالی رعایت آن را در همه امور به مسلمانان فرمان داده است.

۲- هنگام کشتن واجب است که به بهترین شکل عمل شود یعنی به سریع‌ترین و آسان‌ترین شکل.

۳- اسلام رحمت و شفقت به حیوان را نیز فراموش نکرده است و بلکه نیکی کردن به حیوانات را صدقه دانسته است.

۴- نهی از مثله کردن یعنی بریدن بینی و گوش و دست و پای شخص مرده.

۵- این حدیث دلیلی بر رحمت الله ﷻ است چرا که احسان را بر هر چیزی واجب نموده است.

\*\*      \*\*      \*\*

## حدیث هجدهم: تقوا و خوش اخلاقی

عَنْ أَبِي ذَرِّ جُنْدُبٍ<sup>۱</sup> بْنِ جُنَادَةَ وَأَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ مُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ<sup>۲</sup> عَنِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: «اتَّقِ اللَّهَ حَيْثُمَا كُنْتَ وَأَتَّبِعِ السَّيِّئَةَ الْحَسَنَةَ تَمَحُّهَا وَخَالِقِ النَّاسَ بِخُلُقٍ حَسَنٍ». رواه التِّرْمِذِيُّ وقال: حَدِيثٌ حَسَنٌ. وَفِي بَعْضِ النُّسخِ: حَسَنٌ صَحِيحٌ؟

### معرفی راوی:

۱- ابوذر جندب بن جنادة الغفاری، از بزرگان صحابه و پیشگامان در اسلام می باشد. گفته شده پنجمین نفری بود که اسلام آورد سپس نزد قومش رفته و آنجا ماند تا اینکه پس از غزوه خندق نزد رسول الله ﷺ بازگشت.

- انسانی زاهد و راست گفتار و رُک بود و رسول الله ﷺ در باره وی فرمود: آسمان سایه نیفکند و زمین در بر نگیرد شخصی را راست لهجه تر و وفادارتر از ابوذر.
- در خلافت عثمان بن عفان<sup>رضی الله عنه</sup> به خاطر زهد و قناعتی که پیشه کرده بود و با اختیار خویش از مدینه بیرون رفت و در آبادی کنار شهر به نام ربهه سکنی گزید
- ۲۸۱ حدیث از پیامبر ﷺ روایت کرده است
- در سال ۳۲ هجری در ربهه وفات یافت و صحابی معروف عبدالله بن مسعود بر او نماز خواند

۲- معاذ بن جبل بن عمرو الأنصاری الخزرجی.

- در بیعت عقبه و در سن ۱۸ سالگی مسلمان شد و در تمامی جهادها با پیامبر ﷺ حاضر بود
- پس از هجرت و پیمان برادری در مدینه برادر دینی عبدالله بن مسعود شد
- به گواهی رسول الله ﷺ آگاهترین فرد امت نسبت به حلال و حرام بود<sup>۳</sup>.

<sup>۱</sup> - جندب : با ضم جیم : جُنْدُب . و ضم دال و فتح آن : جَنْدُب . جَنْدُب

<sup>۲</sup> - جامع ترمذی (۱۹۸۷)

<sup>۳</sup> - بنا بر حدیثی که ترمذی در جامع (۳۷۹۰ و ۳۷۹۱) از انس بن مالک از رسول الله ﷺ روایت نموده و لفظ آن چنین است: «أَرْحَمُ أُمَّتِي يَا بُنَيَّ أَبُو بَكْرٍ، وَأَشَدُّهُمْ فِي أَمْرِ اللَّهِ عُمَرُ، وَأَصْدُقُهُمْ حَيَاءَ عُثْمَانَ، وَأَعْلَمُهُم بِالْحَلَالِ وَالْحَرَامِ مُعَاذُ بْنُ جَبَلٍ، وَأَفْرَضُهُمْ زَيْدُ بْنُ ثَابِتٍ، وَأَقْرَبُهُمْ أُبَيُّ بْنُ كَعْبٍ، وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَمِينٌ وَأَمِينُ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَبُو عُبَيْدَةَ بْنُ الْجَرَّاحِ»

- یکی از چهار نفری است که پیامبر ﷺ فرمان داده قرآن را از آنها فرا بگیرید و می‌فرماید: «خُذُوا الْقُرْآنَ مِنْ أَرْبَعَةٍ: مِنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ فَبَدَأَ بِهِ وَسَلِّمَ مَوْلَى أَبِي حُدَيْفَةَ وَمُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ وَأَبِي بِنِ كَعْبٍ» یعنی: (قرآن را از چهار نفر بگیرید: از عبدالله بن مسعود - پس ابتدا او را نام برد - و سالم مولی ابوحذیفه و معاذ بن جبل و ابی بن کعب).
- پیامبر ﷺ وی را در سال نهم هجری به‌عنوان مبلغ دین و قاضی شرع به یمن فرستاد.
- ۱۵۷ حدیث از رسول الله ﷺ روایت نموده است.
- در طاعون عمّواس شام در سال ۱۸ هجری و در سن ۳۷ سالگی وفات یافت.

### کلمات جدید:

اتَّقِ: تقوی پیشه کن، پروا کن.

حَيْثُمَا: هر کجا

اتَّبِعْ: در پی آن بیاور. پس از آن بی‌درنگ انجام بده

السَّيِّئَةَ: گناه، بدی

الْحَسَنَةَ: نیکی و خوبی

تَمَحُّهَا: آن را پاک می‌کند

خَالِقٍ: رفتار کن

خُلُقٍ: اخلاق

ترجمه حدیث:

از ابوذر جندب بن جناده و ابی عبدالرحمن معاذ بن جبل رضی الله عنهما روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: «هرکجا بودی تقوی پیشه کن و پس از بدی نیکی کن آن را پاک می‌کند و با مردم با اخلاق نیک رفتار کن»

## اهمیت حدیث:

این حدیث شامل سفارش و وصیت بزرگی است که حقوق الله متعال و حقوق بندگان را در بر دارد و خوشبختی دنیا و آخرت انسان‌ها را تضمین می‌کند.

## شرح مختصر حدیث:

این حدیث بسیار عظیم و پرمعنی است و بر یکی از مهمترین مسائل دینی یعنی حق آفریدگار و حق بندگان تأکید دارد.

در مورد حق الله عزوجل تقوی را بیان می‌نماید که اساس تمامی عبادت‌ها و بندگی‌ها است و هر مسلمانی باید آن را رعایت کند. رعایت تقوی رابطه انسان را با خالق و معبودش قوی نگه می‌دارد. اگر انسانی مرتکب گناه شود این رابطه تیره می‌شود ولی با انجام کردار نیک می‌توان آن را جبران کرد و به همان جا بازگشت و دوباره همان ارتباط را برقرار کرد زیرا خداوند توبه پذیر است و بندگان توبه‌گر را دوست دارد و کردار نیک آنها را می‌پذیرد.

انجام گناه با تقوی در تضاد نیست بلکه اصرار بر گناه و عدم بازگشت و توبه است که ایمان را ضعیف و تقوی را نابود می‌کند. به همین دلیل از صفات متقین و پرهیزکاران این است که اگر مرتکب گناهی شدند کار نیک انجام داده و از گناه دست کشیده و توبه می‌کنند.

بنابراین نور عبادت و بندگی و کردار نیک تاریکی گناه و معصیت را از بین می‌برد و مواظبت بر کارهای نیک و عبادت‌ها مانند نماز و روزه و زکات و حج و جهاد و ذکر الله و دیگر عبادت‌ها اشتباهات و لغزش‌هایی که شخص مؤمن دچار آن می‌شود را از بین می‌برد جز گناه کبیره که نیاز به توبه دارد.

رعایت اخلاق و رفتار نیک رابطه انسان‌ها با یکدیگر را قوی نگه داشته و آنها را در باب انسانیت به یکدیگر نزدیک کرده و مصالح و منافع مشترکشان را به دست یکدیگر فراهم می‌کند.

روح انسانیت در انسان بد اخلاق وجود ندارد بلکه وی بیشتر شبیه حیوانی وحشی و خودخواه است تا انسان، و بدین خاطر پیامبر اسلام بارها به اخلاق نیک سفارش فرموده و به کسی که خوش اخلاق‌تر باشد وعده نزدیکی به او در آخرت و مژده همنشینی با وی در بهشت را داده است.

یکی از علمای مشهور به نام ابن قیم می‌فرماید: رعایت این دو اصل انسان را در دنیا و آخرت خوشبخت می‌کند زیرا یکی رابطه انسان با آفریدگارش را اصلاح می‌کند که سعادت آخرت را تضمین می‌کند و دیگری رابطه انسان با مخلوقات را درست می‌کند که سعادت دنیا را تضمین می‌کند.

### تخریج حدیث:

این حدیث را امام ابو عیسی محمد بن عیسی ترمذی روایت کرده است، ایشان یکی از محدثین مشهور و بنام قرن سوم می‌باشد که از شاگردان امام بخاری به‌شمار می‌آید و وی اهل ترمذ یکی از شهرهای خراسان قدیم و ازبکستان امروزی می‌باشد که در سالهای ۲۰۹ تا ۲۷۹ هـ می‌زیسته است.

کتاب او به نام «الجامع الکبیر» یکی از شش کتاب معتبر حدیثی نزد اهل سنت و جماعت می‌باشد.

[جامع الترمذی - کتاب البرِّ وَالصَّلَاةِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - بَاب مَا جَاءَ فِي مُعَاشَرَةِ النَّاسِ؛ ح ۱۹۸۷]

### فواید حدیث:

۱- پیامبر اسلام بر هدایت و رستگاری امت خویش حریص بوده و تمام راه‌های خیر را به آنها توصیه نموده است

۲- فرمان به رعایت تقوای الهی در تمامی احوال و مکان‌ها و زمان‌ها سفارش الله به تمامی انسان‌ها و توصیه رسول الله ﷺ به امتش می‌باشد.

۳- تقوی زیربنای تمامی اعمال نیک است و باید آن را در هر زمان و مکان و وضعیتی رعایت نمود.

۴- تشویق به انجام کار نیک پس از ارتکاب گناه، زیرا نیکی‌ها بدی‌ها را از بین می‌برند. خداوند

متعال فرموده: ﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾ هود: ۱۱۴ «همانا نیکی‌ها بدی‌ها را از بین می‌برد»

۵- تشویق به برخورد نیک با مردم زیرا از لوازم تقوی ادا کردن حقوق الله و حقوق مردم است.

\*\*      \*\*      \*\*



## حدیث نوزدهم: در نظر داشتن خداوند عزوجل

عَنِ أَبِي الْعَبَّاسِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ رضي الله عنهما قَالَ: كُنْتُ خَلْفَ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله يَوْمًا فَقَالَ: «يَا غُلَامُ إِنِّي أَعَلَّمْتُ كَلِمَاتٍ: أَحْفَظِ اللَّهَ يَحْفَظَكَ اللَّهُ تَحِذُهُ تُجَاهَكَ. إِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللَّهَ وَإِذَا اسْتَعَنْتَ فَاسْتَعِنْ بِاللَّهِ. وَاعْلَمْ أَنَّ الْأُمَّةَ لَوِ اجْتَمَعَتْ عَلَى أَنْ يَنْفَعُوكَ بِشَيْءٍ لَمْ يَنْفَعُوكَ إِلَّا بِشَيْءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللَّهُ لَكَ، وَإِنْ اجْتَمَعُوا عَلَى أَنْ يَضُرُّوكَ بِشَيْءٍ لَمْ يَضُرُّوكَ إِلَّا بِشَيْءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللَّهُ عَلَيْكَ؛ رُفِعَتِ الْأَقْلَامُ وَجَعَّتِ الصُّحُفُ». رواه التِّرْمِذِيُّ وقال: حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ. وفي رواية غير التِّرْمِذِيِّ: «أَحْفَظِ اللَّهَ تَحِذُهُ أَمَامَكَ، تَعَرَّفْ إِلَى اللَّهِ فِي الرَّخَاءِ يَعْرِفَكَ فِي الشَّدَّةِ وَاعْلَمْ أَنَّ مَا أَخْطَأَكَ لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبَكَ وَمَا أَصَابَكَ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئَكَ، وَاعْلَمْ أَنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ وَأَنَّ الْفَرْجَ مَعَ الْكُرْبِ وَأَنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»<sup>۱</sup>.

### معرفی راوی:

- عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب قریشی هاشمی. کنیه اش ابوالعباس است و پسر عموی پیامبر صلى الله عليه وآله می باشد.
- سه سال پیش از هجرت به دنیا آمد و به شرک آلوده نشد. در حالی که رسول الله صلى الله عليه وآله در غزوه خندق بود با برادرش فضل بن عباس به مدینه هجرت نمود.
- رسول الله صلى الله عليه وآله برایش چنین دعا نمود: «اللَّهُمَّ فَقَّهُ فِي الدِّينِ، وَعَلَّمَهُ التَّأْوِيلَ»<sup>۲</sup> یعنی: خداوند او را در دین آگاه گردان و علم تفسیر و فهم قرآن را به او بیاموز. به برکت دعای رسول الله صلى الله عليه وآله با اینکه عمری نداشت با بزرگان صحابه در مجالس همنشین بود.
- از علما و مفسران عهد صحابه است و در بسیاری از مسائل دین صاحب رأی و نظر است که به حبر الأمة و ترجمان القرآن ملقب شد و یکی از عبادله مشهور است.
- از مکتوبین در روایت حدیث است و ۱۶۶۰ حدیث از پیامبر صلى الله عليه وآله روایت نموده است.
- در آخر عمرش در شهر طائف سکونت گزید و بینایی اش را از دست داد و تنها به مسجد می رفت.

<sup>۱</sup>- ترمذی (۲۵۱۶)

<sup>۲</sup>- عبد بن حمید در مسند (۶۳۶) و احمد (۳۰۷/۱) کاملتر از این. نگا: فتح المبین (ص ۳۷۶)

<sup>۳</sup>- مسند احمد ح ۲۳۹۳

• در سال ۶۸ هجری، در سن ۷۱ سالگی و در خلافت عبدالله بن زبیر رضی الله عنه وفات یافت.

کلمات جدید:

خَلَفَ النَّبِيُّ ﷺ: پشت سر پیامبر سوار بر وسیله سواری اش

عُلَامٌ: نوجوان

كَلِمَاتٍ: جمله‌ها، عبارت‌ها

احْفَظِ اللَّهَ: حدود الله را بشناس امر و نهی الله را به جای آور و دینش را نگه دار

يَحْفَظُكَ: از تو حفاظت می کند

تُجَاهَكَ: روبروی تو. یعنی او را همراه و یاور خود می یابی هر جا که باشی

سَأَلْتُ: درخواست کردی، سؤال کردی

اسْتَعَنْتَ: یاری و کمک خواستی

الْأُمَّةَ: همه مردم، مخلوقات دیگر

يَنْفَعُوكَ: به تو سود برسانند

يَضُرُّوكَ: به تو زیان برسانند

رُفِعَتِ الْأَقْلَامُ: قلم‌ها برداشته شد. منظور قلم‌هایی است که تقدیر را نوشته‌اند

جَعَّتِ الصُّحُفُ: دفترها خشک شد. منظور دفترهایی است که تقدیر آفریده‌ها در آن نوشته شده است

مانند لوح محفوظ.

تَعَرَّفَ إِلَى اللَّهِ: خودت را به الله نشان بده. خود را با انجام کردار نیک به الله بشناسان

الرَّخَاءِ: خوشی و راحتی

السَّدَّةِ: سختی و ناخوشی

أَخْطَأَكَ: به تو نرسید. نصیبت نشد

أَصَابَكَ: به تو رسید. نصیبت شد

الْفَرَجُ: گشایش

الْكُرْبُ: غم و اندوه و سختی

ترجمه حدیث:

از ابوالعباس عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت است که گفت: من روزی پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله (بر وسیله سواری ایشان) سوار بودم، پس فرمود: ای جوان! کلماتی را به تو می‌آموزم: الله را نگه‌دار، تو را نگه می‌دارد، الله را نگه‌دار او را پیش رویت می‌بینی. هرگاه درخواستی داشتی از الله درخواست کن و هرگاه یاری خواستی از الله یاری بخواه؛ و بدان اگر تمامی آفریدگان گرد آیند تا سودی به تو برسانند، جز آنچه الله برایت مقدر نموده به تو سودی نخواهند رساند و اگر گرد آیند تا به تو آسیبی برسانند جز به چیزی که الله بر تو مقدر کرده نمی‌توانند آسیبی برسانند، قلم‌ها برداشته شده و دفترها خشک شد» ترمذی این را روایت کرده است و گفته: حدیثی حسن و صحیح است.

در روایتی غیر از ترمذی چنین آمده: «الله را نگه‌دار او را در برابر خویش می‌بینی، در آسانی خودت را به الله بشناسان او تو را در سختی می‌شناسد؛ و بدان، آنچه به تو نرسیده قرار نبوده که به تو برسد و آنچه به تو رسید امکان نداشته که به تو نرسد. و بدان که یاری خداوند با شکیبایی است و گشایش همراه با سختی است و همراه با سختی، آسانی است».

اهمیت حدیث:

ابن رجب در کتابش «جامع العلوم والحکم» گفته: این حدیث دربرگیرنده سفارشات بزرگ و قواعدی کلی از مهمترین امور دین است تا جایی که برخی از علما گفته‌اند: در این حدیث اندیشیدم پس مرا به شگفت آورد و نزدیک بود عقل از سرم بپرد، تأسف می‌خورم از جهل نسبت به این حدیث و فهم اندک معنای آن.

شرح مختصر حدیث:

این حدیث میزان اهمیت پیامبر صلی الله علیه و آله به راهنمایی امت و ایجاد نسلی مؤمن و اسوه را نشان می‌دهد. رسول الله صلی الله علیه و آله تلاش بسیاری برای کشت عقیده صحیح در دلهای مؤمنان به ویژه جوانان می‌نمود به همین دلیل ابن عباس رضی الله عنه را که نوجوانی بیش نبود را برای فراگیری این معانی و مفاهیم بزرگ دینی برگزید.

این انتخاب اضافه بر فضیلت، شرف و منزلت ابن عباس رضی الله عنه دلیل بر این است که باید نوجوانان را با این مفاهیم دینی آشنا ساخت تا مردان و زنان آینده جامعه اسلامی با تقوی و زاهد باشند.

این حدیث به صورت مختصر در نظر داشتن الله بوسیله اجرای دستورات وی و دوری از محرمات و ایمان راستین و راسخ به قدرت و تقدیر الهی و بریدن از تمامی مخلوقات و روی آوردن خالصانه به الله در دعا، درخواست یاری و نصرت الله عزوجل را بیان می کند.

اصول تقوی در حفظ و رعایت حق الله است که در کلمه «احفظ الله» خلاصه شده است و لذا در معانی «احفظ الله» علما گفته اند که منظور حفظ حدود و حقوق و اوامر و نواهی الهی است. پاداش و آثار تقوی را نیز بلافاصله در حفظ و رعایت و توفیق و استقامت انسان متقی می توان یافت که در کلمه «یحفظك» بیان شده است و از طرفی دیگر این را بیان می کند که پاداش از جنس عمل است.

این عبارتهای نبوی همچنین با ترسیخ مفاهیم قضا و قدر، دل و جان مؤمن را مملو از آرامش کرده و این باور را در او جای می دهد که تمامی امور در اختیار الله عزوجل بوده و هیچ نیروی هرچند هم بسیار و بزرگ باشد در برابر قدرت و عظمت الله هیچ است.

### تخریج حدیث:

این حدیث را امام ابو عیسی محمد بن عیسی ترمذی روایت کرده است.

[جامع الترمذی - کتاب صِفَةِ الْقِيَامَةِ وَالرَّقَائِقِ وَالْوَرَعِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يَحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يَحِبُّ لِنَفْسِهِ]

### فواید حدیث:

- ۱- تواضع پیامبر صلی الله علیه و آله و مهربانی با کودکان و تربیت نیکوی آنها
- ۲- هرکس حدود الله را نگه دارد الله دین و دینا و آخرتش را حفظ می کند و هرکس حدود الله را تباه کند از حفاظت الله خود را محروم کرده است.
- ۳- فرمان اعتماد به الله و توکل بر او چرا که سود و زیان تنها به دست اوست
- ۴- مسلمان هر حاجتی را تنها باید از الله بخواهد.
- ۵- باور به عظمت و قدرت بی نهایت الله عزوجل

۶- وجوب ایمان به قضا و قدر الهی و اینکه هر چیزی در علم الله متعال است که نتیجه آن آرامش نفس است.

۷- تمامی مخلوقات محتاج الله عزوجل هستند و هر سود و زیانی که برسانند با اجازه و به خواست الله می باشد.

۸- برای رسیدن به پیروزی و به دست آوردن یاری خداوند باید راه صبر و استقامت را پیشه کرد

\*\*    \*\*    \*\*

## حدیث بیستم: حیا، از ایمان است

عَنْ أَبِي مَسْعُودٍ عُقْبَةَ بْنِ عَمْرِو بْنِ الْأَنْصَارِيِّ الْبَدْرِيِّ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه وآله وسلم: «إِنَّ مِمَّا أَدْرَكَ النَّاسُ مِنْ كَلَامِ النَّبِيِّ الْأُولَى، إِذَا لَمْ تَسْتَحِيْ، فَاصْنَعْ مَا شِئْتَ». رواه البخاري<sup>٣</sup>

### معرفی راوی:

- ابومسعود عقبه بن عمرو انصاری بدری. با کنیه اش مشهور است.
- در حالی که کم سن و سال بود در بیعت عقبه حضور داشت اما درباره حضور او در غزوه بدر اختلاف است و نسبت اش به بدر به علت سکونت وی در آنجاست
- مدتی در کوفه زیست و از یاران علی رضي الله عنه بود و یک بار وی را بر کوفه گمارد.
- ۲۰۲ حدیث از پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم روایت نموده است.
- در سال ۴۰ هجری در کوفه وفات یافت و گفته شده که در اواخر عمرش به مدینه بازگشته و همانجا وفات یافته است.

### کلمات جدید:

أَدْرَكَ النَّاسُ: مردم درک کردند و گرفته اند و منتقل کرده اند  
مِنْ كَلَامِ النَّبِيِّ الْأُولَى: آنچه پیامبران گذشته بر آن اتفاق کرده اند.

إِذَا: اگر، هنگامی که

لَمْ تَسْتَحِيْ: حیا نکردی

فَاصْنَعْ: انجام بده

مَا شِئْتَ: آنچه را خواستی

### ترجمه حدیث:

<sup>۱</sup> - در برخی از روایت های بخاری بدون کلمه اولی آمده است. نگا: صحیح بخاری، ح ۳۴۸۳ و

<sup>۲</sup> - در مسند أحمد تستح آمده است.

<sup>۳</sup> - بخاری (۶۱۲۰)

از ابومسعود عقبه بن عمرو انصاری بدی رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «از جمله سخنان پیامبران پیشین که به مردم رسیده، این است که: اگر شرم نداری هر چه می خواهی بکن»

### اهمیت حدیث:

از آنجایی که حیاء به معنای خودداری نفس از انجام کارهای زشت و ناراحتی و دلهره از کاری یا ترک آن به خاطر نکوهشی که در پی دارد، می باشد، پس فراخوان به رعایت حیاء، فراخوان به خودداری از هر گناه و بدی است. چنانکه پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «حیاء شاخه ای از ایمان است».

### شرح مختصر حدیث:

در این حدیث، رسول الله به یکی از صفات اخلاقی بسیار پسندیده اشاره داشته و توصیه می کند آنچه که مردم آن را در طول تاریخ از پیامبران گذشته گرفته و نقل نموده اند تا جایی که زبانزد همه شده است؛ و این صفت، حیاء و شرم است که نشانه ضمیر زنده انسانیت در کالبد خاکی بشر است و لذا زمانی که حیاء از انسان گرفته شود دست به هر کاری می زند و از هیچ کس و هیچ چیزی واهمه ندارد. این حدیث از بی حیایی نهی شده و کسانی که حیاء را کنار گذاشته اند نکوهش می کند. بنابراین هم معنای نهی در آن نهفته است و هم معنای نکوهش که هر دو دعوت به رعایت حیاء می دهند.

در روایات بسیار دیگری به حیاء سفارش شده است:

«وَالْحَيَاءُ شُعْبَةٌ مِنَ الْإِيمَانِ»<sup>۱</sup> (حیاء شاخه ای از ایمان است).

«الْحَيَاءُ خَيْرٌ كُلُّهُ»<sup>۲</sup> (حیاء همه اش نیکی است)

«الْحَيَاءُ لَا يَأْتِي إِلَّا بِخَيْرٍ»<sup>۳</sup> (حیاء جز خیر و خوبی چیزی را به همراه ندارد)

و به مردی انصاری که برادرش را به خاطر حیاء نکوهش می کرد فرمود: «دَعُهُ فَإِنَّ الْحَيَاءَ مِنَ الْإِيمَانِ»<sup>۴</sup> (رهایش کن زیرا حیاء از ایمان است)

<sup>۱</sup> - متفق علیه

<sup>۲</sup> - صحیح مسلم ح ۴۰

<sup>۳</sup> - متفق علیه

<sup>۴</sup> - متفق علیه

و منظور از حياء، آن ترس و دهره‌ای است که انسان را از ارتکاب گناه و زشتی‌ها باز می‌دارد و به انجام اخلاق والا و صفات پسندیده وا می‌دارد.

زیربنای حياء فطرت انسانی و تقوای الله است؛ زیرا اگر انسانی بر فطرت پاک خود باشد هرگز به منکرات اخلاقی روی نمی‌آورد و از انسان‌هایی مانند خود نیز حياء دارد. حال اگر انسان با تقوی باشد حتماً به حیای او افزوده می‌شود و در هیچ حالتی حتی در خلوت نیز به خود اجازه انجام کار ناشایست نمی‌دهد و این رتبه به احسان ارتباط دارد که نشانه ایمان و احسان است.

باید دانست که منظور از حياء خجالتی بودن و شرمی که سبب ناتوانی انسان در رسیدن به امور نیک و خیر است، نمی‌باشد. انسانی که نمی‌داند، باید پرسد ولی پرسش او باید در کمال عفت و ادب باشد و یا اینکه باید برای احقاق حقی گواهی دهد ولی با انصاف و حقیقت.

### تخریج حدیث:

این روایت را امام بخاری در کتابش الجامع الصحیح و امام ابوداود سیستانی و ابن ماجه قزوینی در کتابشان به نام سنن و امام احمد در کتاب المسند روایت کرده‌اند.

[صحیح البخاری - کتاب الأدب - باب إذا لم تستح فاصنع ما شئت، ح ۶۱۲۰] [سنن أبي داود - کتاب الأدب - إذا لم تستح فافعل ما شئت؛ ح ۴۷۹۷] [سنن ابن ماجه - کتاب الرُّهْد - باب الحياء، إن مما أدرك الناس من كلام النبوة الأولى إذا لم تستح فاصنع ما شئت؛ ح ۴۱۸۳] [مسند أحمد - مُسْنَدُ الشَّامِيِّينَ - إن مما أدرك الناس من كلام النبوة الأولى إذا لم تستح فاصنع ما شئت؛ ح ۱۶۶۴]

### فوائد حدیث:

- ۱- حياء یکی از اخلاق والایی است که مورد اتفاق تمامی شریعت‌های الهی است
- ۲- حياء انسان را از انجام کارهای ناشایست باز می‌دارد و فقدان حياء صاحبش را در هر بدی وارد می‌کند
- ۳- آنچه با چیزی از امور شریعت در تضاد باشد نامش حياء نیست زیرا دینی که به حياء فرمان داده به آن چیز هم فرمان داده پس با یکدیگر منافات ندارند.
- ۴- اسلام دینی است که به فضیلت‌ها دعوت کرده و از پستی‌ها باز می‌دارد
- ۵- صفت حياء را می‌توان با تقوی و خداشناسی تقویت کرد



## حدیث بیست و یکم: استقامت و پایداری

عَنْ أَبِي عَمْرٍو - وَقِيلَ: أَبِي عَمْرَةَ - سُفْيَانَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الثَّقَفِيِّ رضي الله عنه قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ؛ قُلْ لِي فِي الْإِسْلَامِ قَوْلًا لَا أَسْأَلُ عَنْهُ أَحَدًا غَيْرَكَ، قَالَ: «قُلْ: آمَنْتُ بِاللَّهِ، ثُمَّ اسْتَقِمْ»<sup>١</sup>. رواه مسلم<sup>٢</sup>

### معرفی راوی:

- سفیان بن عبدالله بن ربیعۃ الثقفی الطائفی؛ کنیه وی ابو عمرو می باشد
- در سال نهم همراه با جمع نمایندگان طائف به مدینه آمده و مسلمان شد و از بزرگان و اشراف بنی ثقیف در طائف بوده است.
- امیر مؤمنان عمر بن خطاب رضي الله عنه وی را امیر طائف نمود و تا سال ۲۳ هجری امیر آنجا بود.
- در غزوه حنین شرکت داشت و برادرش عثمان در آنجا به شهادت رسید.
- سال وفاتش معلوم نیست.

### کلمات جدید:

فِي الْإِسْلَامِ: در زمینه عقیده و قانون اسلام

قَوْلًا: سخنی

لَا أَسْأَلُ عَنْهُ: درباره آن نپرسم؛ منظور سخنی جامع و آشکار است که نیاز به تفسیر نداشته باشد

أَحَدًا: کسی را

آمَنْتُ بِاللَّهِ: به الله ایمان دارم

اسْتَقِمْ: استقامت کن، پایداری داشته باش

<sup>١</sup> - لفظ صحیح مسلم چنین است: «قُلْ آمَنْتُ بِاللَّهِ فَاسْتَقِمْ»

<sup>٢</sup> - مسلم (۳۸)

## ترجمه حدیث:

از ابو عمرو، و گفته شده: ابو عمره، سفیان بن عبدالله ثقفی رضی الله عنه روایت است که گفت: گفتیم: ای رسول خدا، درباره اسلام سخنی به من بگو که در مورد آن از کسی غیر از شما نپرسم. فرمود: «بگو: به الله ایمان آوردم، سپس پایداری کن»

## اهمیت حدیث:

این حدیث یکی از سخنان جامع رسول الله صلی الله علیه و آله می باشد که با وجود کوتاه بودن الفاظ آن دو اصل اساسی برای خوشبختی را در دو کلمه یعنی: ایمان و استقامت خلاصه کرده است و می دانیم که اسلام، یکتاپرستی الله و فرمانبرداری از وی می باشد و یکتاپرستی بوسیله ایمان به دست آمده و فرمانبرداری و عبادت خداوند از طریق استقامت و پایداری به دست می آید.

## شرح مختصر حدیث:

علما این حدیث را یکی از جامع ترین احادیث دانسته اند که معانی اسلام و ایمان را دربر دارد؛ به همین سبب هنگامی که صحابی گرامی سفیان بن عبدالله، درباره اسلام مطلبی کامل و جامع از پیامبر صلی الله علیه و آله درخواست نمودند پاسخ پیامبر صلی الله علیه و آله چنین بود: بگو به الله ایمان آوردم و سپس استقامت کن.

خداوند متعال در چندین آیه از قرآن کریم بر این مفهوم تأکید نموده و می فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ﴾ فصلت: ۳۰ «در حقیقت، کسانی که گفتند: «پروردگار ما الله است»؛ سپس ایستادگی کردند، فرشتگان بر آنان فرود می آیند [و می گویند]: «هان، بیم مدارید و غمگین مباشید، و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید». همچنین می فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ الأحقاف: ۱۳ «محققاً کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست» سپس ایستادگی کردند، بیمی بر آنان نیست و غمگین نخواهند شد»

از ابوبکر صدیق رضی الله عنه نقل شده است که در تفسیر «ثُمَّ اسْتَقَمُوا» فرمود: آنانی هستند که هیچ چیز را با الله شریک قرار نمی دهند؛ و از عبدالله بن عباس رضی الله عنه نقل شده است که فرمود: آنانی هستند که در ادای فرایض استقامت ورزند.

استقامت به تمام اعضاء و جوارح بستگی دارد. از قلب که محل ایمان است آغاز شده و سایر اعضا و جوارح را در بر می گیرد و هر کس در ایمان قوی تر باشد در انجام کارهای نیک نیز قوی تر است و استقامت و پایداری بیشتری دارد، به همین دلیل استقامت انسان در انجام واجبات و ترک زشتی ها نشانه استقامت قلب او بر ایمان است.

ابن رجب رحمته الله می گوید: استقامت یعنی پیمودن راه مستقیم که همان دین استوار می باشد، بی آنکه به سوی چپ یا راست کج شوی، همچنین انجام عبادت های ظاهری و باطنی و رها کردن امور ممنوع را در بر دارد، بنابراین این وصیت تمامی خصلت های خوب را شامل می شود.

پس می توان گفت: «استقامت در دین یعنی ادامه دادن راه عبادت و بندگی تا حد توان و آخرین لحظه حیات که نشانه صداقت و اخلاص در دینداری و نتیجه ایمان آگاهانه و بی تردید انسان است»

### تخریج حدیث:

این حدیث را امام مسلم نیشابوری در صحیح، ترمذی در جامع، ابن ماجه در سنن و امام احمد در مسند خویش روایت کرده اند.

[صحیح مسلم - کتاب الایمان - باب جامع أوصاف الإسلام؛ ح ۳۸] [جامع الترمذی - کتاب الزهد عن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - باب ما جاء في حفظ اللسان؛ ح ۲۴۱۰] [سنن ابن ماجه - کتاب الفتن - باب كف اللسان في الفتنة؛ ح ۳۹۷۲] [مسند أحمد - مُسْنَدُ الْمَكِّيِّينَ - حدیث سفیان بن عبدالله الثقفی رضی الله عنه؛ ح ۱۴۹۹۰]

### فوائد حدیث:

- ۱- اشتیاق صحابه در فهم امور دینشان
- ۲- پرسش نیکوی سفیان بن عبدالله بیانگر خردمندی وی می باشد
- ۳- عالم باید پاسخ مناسب را برای هر پرسشی در نظر داشته باشد تا شنونده از آن استفاده کافی را ببرد
- ۴- حقیقت ایمان در ادعای آن خلاصه نمی شود بلکه عمل به خواسته های آن و استمرار بر آن لازم است.
- ۵- این حدیث انواع عبادت یعنی عبادت زبانی «قُل» و عبادت قلبی «آمَنْتُ بِاللَّهِ» و عبادت بدنی «، ثُمَّ اسْتَقِمَّ» را در بر دارد و به همین دلیل از جوامع الکلم است.

۶- برای رسیدن به خوشبختی باید تا هنگام مرگ بر ایمان استقامت داشته باشیم.

۷- جامع‌ترین و کامل‌ترین وصیت، توصیه به ایمان و پایداری است

\*\* \*\* \*

## حدیث بیست و دوم: راه رسیدن به بهشت

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ رضي الله عنه أَنَّ رَجُلًا سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم فَقَالَ: «أَرَأَيْتَ إِذَا صَلَّيْتُ الْمَكْتُوباتِ وَصُمْتُ رَمَضَانَ وَأَحَلَلْتُ الْحَلَالَ وَحَرَمْتُ الْحَرَامَ وَلَمْ أَزِدْ عَلَى ذَلِكَ شَيْئًا أَأَدْخُلُ الْجَنَّةَ؟» قَالَ: «نَعَمْ». رواه مسلم<sup>۱</sup>

### معرفی راوی:

- جابر بن عبدالله بن عمرو بن حرام انصاری؛ خودش و پدرش هر دو صحابه می‌باشند.
- ملقب به ابو عبدالله و از قبیله بزرگ خزرج در مدینه است.
- وی همراه با پدرش از مسلمانان بیعت عقبه هستند که در سال ۱۳ بعثت مسلمان شدند.
- پدرش وی را از شرکت در غزوه بدر و احد منع کرده بود و هنگامی که پدرش در غزوه احد شهید شد از هیچ غزوه‌ای جا نماند.
- از علما و بزرگان صحابه به شمار می‌رود
- ۱۵۴۰ حدیث از پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم روایت نموده و از جمله مکثرین می‌باشد
- در آخر زندگی نابینا شد و آخرین صحابه ای است که در مدینه وفات یافت.
- در سال ۷۴ و گفته شده ۷۷ و گفته شده ۷۸ هجری قمری و در سن ۹۴ سالگی وفات یافت و اَبان بن عثمان بن عفان امیر مدینه در آن زمان بر وی نماز خواند.

### کلمات جدید:

رَجُلًا: مردی؛ نام او نعمان بن قوقل خزاعی است

أَرَأَيْتَ: همزه برای استفهام است، یعنی نظرت چیست

الْمَكْتُوباتِ: نمازهای فریضه

<sup>۱</sup> - امام مسلم روایتی دیگر از جابر رضي الله عنه را روایت می‌کند که در آن، نام این شخص نعمان بن قوقل ذکر شده است: «عَنْ جَابِرٍ، قَالَ: أُنِيَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله وسلم النَّعْمَانُ بْنُ قَوْقَلٍ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، " أَرَأَيْتَ إِذَا صَلَّيْتُ الْمَكْتُوبَةَ... »

<sup>۲</sup> - مسلم (۱۸/۱۵)

صُمْتُ: روزه گرفتم

أَحَلَّلْتُ الْحَلَالَ: کارهای حلال را با اعتقاد به حلال بودن انجام دادم

حَرَمْتُ الْحَرَامَ: کارهای حرام را با اعتقاد به حرام بودنش ترک کردم

لَمْ أَزِدْ: نیافزودم. اضافه نکردم

**ترجمه حدیث:**

از ابو عبدالله جابر بن عبدالله انصاری رضی الله عنه روایت است که گفت: مردی از رسول الله صلی الله علیه و آله پرسید و گفت: اگر نمازهای فرض را بخوانم و رمضان را روزه بگیرم و حلال را حلال دانسته و حرام را حرام بدانم و چیزی بر این نیافزایم، آیا وارد بهشت می شوم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «بله».

**اهمیت حدیث:**

جردانی در شرح اربعین می گوید: این حدیث از جایگاه بزرگی برخوردار است و اسلام بر محور آن می چرخد زیرا جامع است؛ کارهای انسان، یا قلبی است و یا بدنی، و هر یک از اینها یا اجازه داده شده که حلال است و یا ممنوع شده که حرام می باشد پس هنگامی که شخص حلال را حلال دانسته و حرام را حرام بداند تمامی وظایف دین را انجام داده و با امنیت وارد بهشت می شود.

**شرح مختصر حدیث:**

این حدیث شریف از جمله احادیثی است که آمدن تازه مسلمانان نزد رسول الله صلی الله علیه و آله برای فهمیدن واجبات دینی شان را بیان می کند؛ رسول الله صلی الله علیه و آله بنابر مقتضای سؤال و سؤال کننده به آنها پاسخ می داد.

اینکه در این حدیث نامی از زکات و حج به میان نیامده جای سؤال است، زیرا هر دو از ارکان دین به شمار می روند و ترک آن از روی عمد، یا کفر است و یا فسق؛ ولی به نظر می رسد که پاسخ رسول الله صلی الله علیه و آله به این صحابی بنا بر حال او بوده است زیرا احتمال دارد که آن صحابی ثروقی نداشته که زکات بر او واجب شود یا با آن به سفر حج برود، پس خود او نیز از کاری که در توانش است یعنی نماز و روزه و انجام حلال و ترک حرام می پرسد و همین برای ادای واجبات در حد توان برای او کافی است و به همین دلیل پیامبر صلی الله علیه و آله به وی مؤذنه بهشت دادند.

یا اینکه انجام این واجبات به معنای ترک و رها کردن بقیه واجبات دینی نیست و این مطلب را می‌توان از روایت‌های دیگر فهمید؛ مثلاً هنگامی که رسول الله ﷺ به هر مسلمانی که با شهادتین بمیرد مژده بهشت می‌دهد یا بر انجام برخی از کارهای نیک بشارت می‌دهد، مانند این احادیث: «مَنْ صَلَّى الْبَرْدَيْنِ دَخَلَ الْجَنَّةَ» متفق علیه (هر کس دو نماز صبح و عصر را بخواند وارد بهشت می‌شود)

و حدیث: «اتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ وَصَلُّوا خَمْسَكُمْ وَصُومُوا شَهْرَكُمْ وَأَدُّوا زَكَاةَ أَمْوَالِكُمْ وَأَطِيعُوا ذَا أَمْرِكُمْ تَدْخُلُوا جَنَّةَ رَبِّكُمْ» رواه الترمذی<sup>۱</sup> (از الله بترسید و نمازهای پنجگانه‌تان را بخوانید و روزه ماه رمضان را بگیرد و زکات اموالتان را پردازید و از امیرتان اطاعت کنید وارد بهشت پروردگارتان می‌شوید)

اینها به معنای عدم توجه به عبادت‌های دیگر و یا ترک آنها نیست بلکه هر مسلمانی که اصول و ارکان دین را مخلصانه انجام دهد حتماً به سایر اعمال نیک نیز توفیق خواهد یافت. ولی به هر حال جمله (وَلَمْ أَزِدْ عَلَى ذَلِكَ شَيْئًا) «چیزی را بر آن نمی‌افزایم» سؤال برانگیز می‌شود و اینجاست که می‌توان گفت: شاید تا آن زمان که این صحابه با پیامبر ﷺ ملاقات نموده و این گفتگو پیش آمده هنوز زکات و حج فرض نبوده است.

نکته دیگری که در این حدیث بیان شده، حلال دانستن حلال و حرام دانستن حرام است که این امر، هم در زمینه اعتقادی بسیار مهم است و هم در زمینه عملی و هر دو به یکدیگر مربوط می‌شوند. لذا اگر مسلمانی سعی کند حلال را با اعتقاد به حلال و مجاز بودنش انجام دهد و حرام و منکرات را با اعتقاد به حرام بودن آن، رها کند نشانه ایمان راستین اوست که بشارت بهشت را به همراه دارد.

### تخریج حدیث:

این حدیث را امام مسلم در صحیح و امام احمد در مسند روایت کرده‌اند.

[صحیح مسلم - کتاب الإیمان - باب بیان الإیمان الذي يدخل به الجنة؛ ح ۱۸/۱۵] مسند أحمد - باقي مُسْنَدِ

المُكْتَبِرِينَ - مسند أنس بن مالك؛ ۱۴۳۳۷]

### فوائد حدیث:

<sup>۱</sup> - امام ترمذی می‌گوید: این حدیث حسن صحیح است و شیخ البانی این حدیث را صحیح دانسته است

۱- اشتیاق صحابه رضی الله عنهم برای رسیدن به بهشت که خود دلیلی بر این است که عبادت به خاطر

اشتیاق به بهشت و ترس از جهنم پسندیده است همانگونه که ابراهیم خلیل علیه السلام چنین دعا نمود:

﴿وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ﴾ شعراء ۸۵ «و مرا از وارثان بهشت پر نعمت گردان»

۲- هر کس واجبات را انجام داده و از حرام دوری کند وارد بهشت می شود

۳- اهمیت نمازهای فرض و روزه ماه مبارک رمضان

۴- حلال و حرام را خداوند متعال تعیین می کند.

۵- آسان بودن دین اسلام برای پیروانش به گونه ای که از آنها اموری را درخواست ننموده که خارج

از توانشان باشد

\*\*      \*\*      \*\*



## حدیث بیست و سوم: مجموعه‌ای از نیکی‌ها

عَنْ أَبِي مَالِكٍ الْحَارِثِ بْنِ عَاصِمِ الْأَشْعَرِيِّ رضي الله عنه: قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «الطُّهُورُ شَطْرُ الْإِيمَانِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ تَمْلَأُ الْمِيزَانَ. وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ تَمْلَأَانِ - أَوْ تَمْلَأُ - مَا بَيْنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالصَّلَاةُ نُورٌ وَالصَّدَقَةُ بُرْهَانٌ وَالصَّبْرُ ضِيَاءٌ وَالْقُرْآنُ حُجَّةٌ لَكَ أَوْ عَلَيْكَ، كُلُّ النَّاسِ يَغْدُو فَبَائِعٌ نَفْسَهُ فَمُعْتِقُهَا أَوْ مُوْبِقُهَا». رواه مسلم<sup>۱</sup>

### معرفی راوی:

- ابو مالک حارث بن عاصم اشعری، درباره نام او و نام پدرش اختلاف وجود دارد، گفته شده: کعب بن مالک. و گفته شده: عبید. و گفته شده: عمرو
- از بزرگان صحابه رضي الله عنه به شمار می‌رود، همراه با اشعری‌ها و سوار بر کشتی نزد پیامبر ﷺ آمد
- وی به همراه معاذ و ابو عبیده رضي الله عنه در غزوه احد زخمی شدند
- ۲۷ حدیث از پیامبر ﷺ روایت کرده است
- در خلافت عمر بن خطاب رضي الله عنه و در سال ۱۸ هجری قمری در اثر طاعون درگذشت.

### کلمات جدید:

الطُّهُورُ: پاکی و طهارت. به رفع حدث یعنی گرفتن وضو و انجام غسل یا از بین بردن نجاست نیز گفته

می‌شود

شَطْرُ: نصف، نیم

الْحَمْدُ لِلَّهِ: ستایش نمودن الله و سپاسگزاری از وی

تَمْلَأُ: پرمی‌کند

الْمِيزَانُ: ترازوی الهی که کردار انسان با آن وزن شده و سنجیده می‌شود

سُبْحَانَ اللَّهِ: پاک دانستن الله از کاستی‌ها

<sup>۱</sup> - مسلم (۲۲۳)

الصَّلَاةُ نُورٌ: نماز نور است. منظور نوری است که قلب مؤمن را در دنیا پرفروغ نموده و در

تاریکی های قیامت راهش را روشن می سازد

بُرْهَانٌ: دلیل آشکار

ضِيَاءٌ: نور بسیار زیاد

حُجَّةٌ: دلیل

يَعْدُو: در تلاش است. هنگام صبح حرکت می کند

فَبَائِعَ نَفْسِهِ: فروشنده نفس خویش است. عرضه کننده خویشتن است

مُعْتَقَهَا: آزاد کننده آن است

مُوبِقَهَا: هلاک کننده آن است

**ترجمه حدیث:**

از ابو مالک، حارث بن عاصم اشعری رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «پاکیزگی  
نیمی از ایمان است و الحمد لله، ترازو (ترازوی نیکی ها) را پرمی کند و سبحان الله و الحمد لله بین آسمان ها و  
زمین را پرمی کنند؛ و نماز نور است و صدقه دلیل آشکار است و صبر روشنائی است و قرآن یا دلیلی است به  
نفع تو یا علیه تو؛ همه مردم صبح در تلاشند و نفس خویش را معامله می کنند، یا آن را آزاد کرده یا  
هلاکش می سازند»

**اهمیت حدیث:**

این حدیث به صورت مختصر اساس خوبی ها و اهمیت آنها را بیان کرده است.

**شرح مختصر حدیث:**

این حدیث در جملاتی کوتاه مطالب بسیار مهمی را به مسلمانان آموزش می دهد، ابتدا با بیان  
اهمیت پاکی و طهارت که از جمله آنها وضو می باشد سلامتی جسمی که لازمه آن سلامت روحی انسان است  
را مطرح کرده و آن را نیمی از ایمان معرفی می نماید که بیانگر ضرورت توجه بدان است زیرا هر عبادتی  
باید با بدنی پاک و به دور از نجاست انجام گیرد تا مورد قبول واقع شود.

سپس یاد و ذکر الله عزوجل بیان شده است و سر آمده همه اذکار «الحمد لله» و «سبحان الله» است که شکر و سپاس نعمت‌های الهی و پاک دانستن الله از هر کاستی و نقص را در بر دارد؛ اگر این اعتراف و شکر خالصانه برای الله صورت پذیرد مسلماً اجر بسیار بزرگی خواهد داشت و ترازوی الهی را از ثواب پر می‌کند.

و نماز نور ایمان است که راه بندگی انسان را به سوی الله روشن نموده و انسان نماز گزار را در مسیر درست قرار می‌دهد.

و صدقه علامت و دلیل صدق ایمان به الله و آخرت است.

و صبر و شکیبایی مؤمن در راه فرمانبرداری و یا در هنگام مصیبت یا ترک حرام، روشنایی راه است و قرآن برای کسی که به آن ایمان آورد و برای آموختن و تلاوتش تلاش نماید و بدان عمل کند در روز قیامت حجت و برهان است و از او دفاع کرده و برایش شفاعت می‌کند. حال آنکه قرآن علیه کسی که بدان کفر ورزیده و از آن دوری کرده یا به دستوراتش عمل نکرده باشد حجت است و در روز قیامت از او شکایت کرده و باعث عذاب و هلاکتش می‌شود.

و اینچنین است کار دنیا، همه مردم در تلاش و جنب و جوش‌اند، یا خود را با فرمانبرداری و بندگی الله از بندگی دیگران آزاد کرده و سعادت‌مند می‌شوند و یا با انتخاب راه گناه و حرام و بندگی غیر الله، نفس خود را هلاک می‌کنند

### تخریج حدیث:

این حدیث را امام مسلم بن حجاج نیشابوری در صحیح و امام احمد بن حنبل در مسند خویش روایت کرده‌اند

[صحیح مسلم - کتاب الطَّهَارَةِ - بَابُ فَضْلِ الْوُضُوءِ؛ ح ۲۲۳] [مسند أحمد - بَاقِي مُسْنَدِ الْأَنْصَارِ - الطُّهُورِ شَطْرَ الْإِيمَانِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ يَمْلَأُ الْمِيزَانَ؛ ح ۲۴۴۰۱]

### فواید حدیث:

۱- بیان اهمیت و جایگاه پاکیزگی در دین اسلام

۲- بیان فضیلت ذکر الله تبارک و تعالی و ثواب بزرگ آن به ویژه الحمد لله و سبحان الله

۳- اثبات ترازوی که در قیامت اعمال با آن وزن می‌شود

۴- بیان اهمیت و جایگاه نماز و اینکه نماز نور ایمان مسلمان است

۵- بیان فضیلت صدقه و اینکه نشانه راستین بودن ایمان شخص است زیرا نفس انسان بر محبت مال سرشته شده پس آنکه با هوای نفسش مخالفت نموده و صدقه داد دلیلی آشکار بر ایمانش است

۶- تشویق به صبر و اینکه روشن‌گر راه سعادت برای مؤمن است

۷- تشویق برای توجه نشان دادن به قرآن تا اینکه حجتی برای انسان شود و پرهیز از رها کردن قرآن تا مبادا حجتی علیه شخص شود

۸- تشویق انسان به انجام هر کردار نیکی که شخص را از خواری دنیا و عذاب آخرت رهایی بخشد و هشدار نسبت به کردارهای بد که صاحبش را به سوی جهنم می‌برد.

۹- این حدیث بیان می‌کند که انسان دارای اراده و اختیار است و خودش راه نیک یا بد را انتخاب

می‌کند

\*\* \*\* \*

## حدیث بیست و چهارم: نعمت‌ها و لطف خداوند بر بندگانش

عَنْ أَبِي ذَرِّ الْغِفَارِيِّ رضي الله عنه عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وسلم فِيمَا رَوَى عَنِ اللَّهِ عز وجل أَنَّهُ قَالَ: «يَا عِبَادِي إِنِّي حَرَمْتُ الظُّلْمَ عَلَى نَفْسِي وَجَعَلْتُهُ بَيْنَكُمْ مُحَرَّمًا فَلَا تَظَالَمُوا. يَا عِبَادِي كُلُّكُمْ ضَالٌّ إِلَّا مَنْ هَدَيْتُهُ فَاسْتَهْدُونِي أَهْدِكُمْ. يَا عِبَادِي كُلُّكُمْ جَائِعٌ إِلَّا مَنْ أَطْعَمْتُهُ فَاسْتَطْعِمُونِي أُطْعِمْكُمْ. يَا عِبَادِي كُلُّكُمْ عَارٍ إِلَّا مَنْ كَسَوْتُهُ فَاسْتَكْسُونِي أَكْسُكُمْ<sup>١</sup>. يَا عِبَادِي إِنَّكُمْ تُخْطِئُونَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَأَنَا أَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا، فَاسْتَغْفِرُونِي أَغْفِرْ لَكُمْ. يَا عِبَادِي إِنَّكُمْ لَنْ تَبْلُغُوا ضُرِّي فَتَضُرُّونِي، وَلَنْ تَبْلُغُوا نَفْعِي فَتَنْفَعُونِي. يَا عِبَادِي لَوْ أَنَّ أَوْلَكُمْ وَإِنْسَكُمْ وَجَنَّتْكُمْ كَانُوا عَلَى أَتَقَى قَلْبِ رَجُلٍ وَاحِدٍ مِنْكُمْ مَا زَادَ ذَلِكَ فِي مُلْكِي شَيْئًا. يَا عِبَادِي لَوْ أَنَّ أَوْلَكُمْ وَإِنْسَكُمْ وَجَنَّتْكُمْ كَانُوا عَلَى أَفْجَرِ قَلْبِ رَجُلٍ وَاحِدٍ مَا نَقَصَ ذَلِكَ مِنْ مُلْكِي شَيْئًا. يَا عِبَادِي لَوْ أَنَّ أَوْلَكُمْ وَإِنْسَكُمْ وَجَنَّتْكُمْ كَانُوا عَلَى أَفْجَرِ قَلْبِ رَجُلٍ وَاحِدٍ فَسَأَلُونِي فَأَعْطَيْتُ كُلَّ إِنْسَانٍ مَسْأَلَتَهُ مَا نَقَصَ ذَلِكَ مِمَّا عِنْدِي إِلَّا كَمَا يَنْقُصُ الْمِخْيَطُ إِذَا أُدْخِلَ الْبَحْرَ. يَا عِبَادِي إِنَّمَا هِيَ أَعْمَالُكُمْ أَحْصِيهَا لَكُمْ ثُمَّ أَوْفِيكُمْ إِيَّاهَا، فَمَنْ وَجَدَ خَيْرًا فَلْيَحْمِدِ اللَّهَ، وَمَنْ وَجَدَ غَيْرَ ذَلِكَ فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ». رواه مسلم<sup>٣</sup>

معرفی راوی:

ابودر غفاری رضي الله عنه؛ رجوع شود به حدیث ۱۸

کلمات جدید:

الظُّلْمُ: ستم. در اصل یعنی قرار دادن چیزی در جای غیر مناسب

فَلَا تَظَالَمُوا: پس به یکدیگر ستم نکنید

ضَالٌّ: گمراه. بی‌خبر از دین

فَاسْتَهْدُونِي: پس از من هدایت بخواهید

<sup>١</sup>- أَكْسُكُمْ: به ضمه سین و كسره سین و (أَكْبَيْكُمْ) به كسره سین، هر دو صحیح می‌باشد

<sup>٢</sup>- در برخی از نسخه‌های اربعین، (قَلْبِ رَجُلٍ وَاحِدٍ مِنْكُمْ) با اضافه (منکم) می‌باشد که در صحیح مسلم وجود ندارد.

<sup>٣</sup>- مسلم (۲۵۷۷)

جَائِعٌ: گرسنه

أَطْعَمْتُهُ: به او غذا دادم

عَارٍ: برهنه و عریان

كَسَوْتُهُ: او را پوشاندم

كُفِّرُوكُنَّ: اشتباه می کنید، گناه و معصیت انجام می دهید

فَأَسْتَغْفِرُوكُنَّ: پس از من درخواست آمرزش کنید

لَنْ تَبْلُغُوا: نمی رسید، توانش را ندارید

ضَّرِي: آسیب رساندن به من

أَتَّقِي: با تقوا ترین

أَفْجَرٍ: تبهکارترین، فاجرترین

صَعِيدٍ وَاحِدٍ: یک زمین

الْمَخِيْطُ: سوزن خیاطی

أُحْصِيهَا: می شمارم آن را، حساب می کنم

أَوْفِيكُمْ: پاداش آن را به صورت کامل و تمام به شما می دهم

فَلَا يَلُومَنَّ: پس ملامت و سرزنش نکند

ترجمه حدیث:

ابوذر رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت فرمود که ایشان از الله تبارک و تعالی روایت کرده اند که فرمود:

ای بند گانم؛ من ستم را بر خودم حرام کرده و آن را میان شما حرام قرار داده ام پس به یکدیگر

ستم نکنید.

ای بند گانم: همه شما گمراه اید جز آنکه من او را هدایت کرده ام پس از من درخواست هدایت

کنید شما را هدایت می کنم

ای بندگانم: همه شما گرسنه‌اید جز آنکه من او را غذا دادم پس از من درخواست غذا کنید شما را غذا می‌دهم.

ای بندگانم: همه شما برهنه‌اید جز آنکه من او را پوشاندم. پس از من درخواست پوشش کنید شما را می‌پوشانم.

ای بندگانم: شما شبانه روز گناه می‌کنید و من تمام گناهان را می‌آمرزم، پس از من درخواست آمرزش کنید شما را می‌آمرزم.

ای بندگانم: شما توان آسیب رساندن به من را ندارید تا آسیبی به من برسانید و توان نفع رساندن به من را ندارید که نفعی به من برسانید.

ای بندگانم: اگر از اول تا آخر شما، و انسان‌ها و جنیان‌تان مانند با تقواترین شخص شما شوند این امر چیزی بر ملک و هستی من نمی‌افزاید.

ای بندگانم: اگر از اول تا آخرتان و انسان‌ها و جنیان‌تان مانند تبه‌کارترین شخص شما شوند این امر چیزی از ملک و هستی من نمی‌کاهد.

ای بندگانم: اگر از اول تا آخرتان و انسان‌ها و جنیان‌تان همه در یک زمین بایستند و از من درخواست کرده و من به هر انسان خواسته‌اش را بدهم این امر از آنچه نزد هست چیزی را کم نمی‌کند جز آن مقدار که سوزن اگر در دریا فرو کرده شود کم می‌کند

ای بندگانم: همانا این همان کردارتان است که برایتان بازمی‌شمارم و سپس پاداش آن را به صورت کامل به شما می‌دهم، پس هر کس نیک یافت الله را سپاس گوید و آنکه غیر از آن یافت جز نفسش را سرزنش نکند»

### اهمیت حدیث:

امام نووی رحمته الله در کتابش به نام اذکار ذکر کرده که ابو ادریس خولانی رحمته الله هرگاه این حدیث را روایت می‌نمود به خاطر بزرگداشت و بیان عظمت این حدیث به زانو می‌افتاد. امام احمد بن حنبل رحمته الله می‌گوید: «اهل شام حدیثی شریف‌تر از این حدیث ندارند؛ زیرا راویان آن همه دمشقی می‌باشند.»

### شرح مختصر حدیث:

این روایت یک حدیث قدسی است که رسول الله ﷺ آن را از پروردگار ﷻ روایت می‌کند. در این حدیث خداوند ﷻ حرام بودن ستم و ستمگری را بیان می‌فرماید؛ زیرا ظلم و ستم یعنی قرار دادن چیزی در غیر جای اصلی آن؛ و این خلاف عدل الهی است، و تفاوتی ندارد که این ستم کفر و شرک و الحاد باشد که بزرگ‌ترین انواع ستم است، زیرا ستم در حق الله ﷻ می‌باشد، یا اینکه ستم به نفس خویش باشد که با تعدی و تجاوز و ارتکاب گناه صورت می‌گیرد و شخص با این کار خود را در معرض کیفر و مجازات سخت الهی قرار می‌دهد و خود را مستحق جهنم می‌کند.

یا اینکه ستم ممکن است در حق هم نوعان باشد که با دشنام و ناسزا آغاز شده و با زدن و گرفتن اموال به ناحق و تجاوز به جان به ناروا ادامه می‌یابد، ستم به جانداران دیگر نیز حرام است. به این صورت که شخص با کشتن بی‌مورد و اذیت و آزارشان به آنان ستم روا دارد که این کار جایز نبوده و از جمله ستمگری محسوب می‌شود.

به طور کلی می‌توان گفت هر نوع خروج از دستور شریعت نوعی ظلم است که در آخرت باید حسابش را پس داد و کیفر آن را تحمل نمود.

سپس الله ﷻ بندگانش را به فضل و لطف بیکرانیش یادآور شده که از بیان بهترین و با ارزش‌ترین نعمت‌ها یعنی نعمت هدایت که غذای روح است آغاز نموده و سپس نعمت جسم یعنی تغذیه و لباس را یاد آور می‌شود. خداوند متعال از بندگانش می‌خواهد در همه این موارد و موارد دیگر فقط به او بازگشته و از او درخواست کنند زیرا تنها اوست که این نعمت‌ها را می‌بخشد و این مطلب بارها در قرآن و سنت با عبارتهای مختلف بیان شده است.

شکی نیست که در این میان بندگان مرتکب گناهایی شده که راه جبران آن توبه و بازگشت به سوی الله است و بنده گناهکار باید دست توبه و درخواست آمرزش به سوی الله دراز کند که او بخشنده و آمرزنده و مهربان است.

باید یقین داشت که الله تنها قادر و توانای بی‌مانند است و هیچ کس و هیچ چیز را توان سود و زیان رساندن به او نیست، و تنها اوست که مالک و صاحب هر سود و زیانی است. پس باید به سوی الله بازگشت و از او درخواست نمود و حاجت خواست.

همچنانکه هر انسان عبادت‌کاری باید بداند که با عبادت و بندگی‌اش چیزی را به فرمانروایی و ملک الله اضافه نخواهد کرد همچنانکه گناهکار با گناه خویش چیزی از ملک و هستی الله ﷻ نمی‌کاهد؛



زیرا الله از عبادت و فرمانبرداری ما بندگان بی‌نیاز است و این ما هستیم که برای حفظ نعمت‌های الهی و پیمودن راه خوشبختی به عبادت و ترک گناه نیازمند و محتاجیم.

در فضل و احسان بیکران الهی نیز نباید هیچ شک و تردیدی به خود راه داد چرا که همه آفریده‌ها از خزانه لطف و احسان نامتناهی الهی روزی می‌گیرند و اوست که مالک تمامی هستی و فرمانروای همه جهانیان است.

و در نهایت خداوند سُبْحَانَكَ این مطلب بسیار مهم را به بندگان یادآور می‌شود که آنچه در جهان و آخرت برداشت خواهند کرد نتیجه همان کارها و عملکردهای دنیای خودشان است که خداوند پاداش خوبی‌ها را خوبی و بدی‌ها را بدی می‌دهد و در این زمینه هر کس به خوبی دست یافت پس خدایش را شکر کند که او را نعمت هدایت و توفیق خوشبختی داده است و در غیر اینصورت جز خودش را ملامت و سرزنش نکند که انتخاب خود او بوده است.

### تخریج حدیث:

این حدیث را امام مسلم در صحیح و امام ترمذی در جامع و امام ابن ماجه در سنن و امام احمد در مسند روایت کرده‌اند.

[صحیح مسلم - کتاب البرِّ وَالصَّلَةِ وَالْأَدَابِ - بَابُ تَحْرِيمِ الظُّلْمِ؛ ح ۲۵۷۷] [جامع الترمذی - کتاب صِفَةِ الْقِيَامَةِ وَالرَّقَائِقِ وَالْوَرَعِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - بَابُ مَا جَاءَ فِي صِفَةِ أَوْلَادِ الْحَوْضِ؛ ح ۲۴۹۵] [سنن ابن ماجه - کتاب الزُّهْدِ - بَابُ ذِكْرِ التَّوْبَةِ؛ ح ۴۲۵۷] [مسند أحمد - مُسْنَدُ الْأَنْصَارِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ - حَدِيثُ أَبِي ذَرٍّ؛ ح ۲۰۹۱۰]

### فوائد حدیث:

۱- برخی از احادیث را رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از پروردگارش روایت نموده که به آنها حدیث قدسی گفته

می‌شود

۲- خداوند ظلم را بر خود حرام نموده و خود را از آن مبراء دانسته و صاحب عدالت کامل است

۳- خداوند ظلم را برای انسان‌ها حرام کرده است چه به خودشان باشد یا به دیگران

۴- تمامی آفریده‌ها به الله عزوجل نیازمند هستند

۵- هدایت برترین نعمت پس از وجود است و باید آن را از الله درخواست کرد

- ۶- خداوند دوست دارد که بندگانش تمام احتیاجات خود را چه امور دینی و چه دنیوی از او درخواست کنند و این به خاطر رحمت و لطف بسیار زیاد الله است
- ۷- راه پاک شدن از گناهان توبه و درخواست آمرزش از الله متعال است
- ۸- الله مالک و فرمانروای مطلق است و هیچ کس توان رساندن سود یا زیان به او را ندارد
- ۹- از کمال بی‌نیازی الله این است که اطاعت بندگان او را فایده‌ای نمی‌رساند و گناه بندگان برای وی ضرری ندارد.
- ۱۰- الله متعال در این حدیث بندگانش را به انجام نیکی‌ها و دوری از بدی‌ها تشویق می‌نماید
- ۱۱- آنکه خداوند به وی توفیق نیکی دهد خوشبختی دنیا و آخرت را به دست آورده و آنکه کوتاهی کرده و کردار ناشایست انجام دهد زیان می‌بیند آن هنگام که پشیمانی سودی ندارد.

\*\*    \*\*    \*\*

## حدیث بیست و پنجم: رقابت در نیکی‌ها و فضیلت یاد الله

عَنْ أَبِي ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَيْضًا: أَنَّ نَاسًا مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالُوا لِلنَّبِيِّ: يَا رَسُولَ اللَّهِ؛ ذَهَبَ أَهْلُ الدُّثُورِ بِالْأَجُورِ، يُصَلُّونَ كَمَا نُصَلِّي، وَيَصُومُونَ كَمَا نَصُومُ، وَيَتَصَدَّقُونَ بِفُضُولِ أَمْوَالِهِمْ. قَالَ: «أَوْلَيْسَ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ مَا تَصَدَّقُونَ؟! إِنَّ بِكُلِّ تَسْبِيحَةٍ صَدَقَةٌ وَكُلِّ تَكْبِيرَةٍ صَدَقَةٌ وَكُلِّ تَحْمِيدَةٍ صَدَقَةٌ وَكُلِّ تَهْلِيلَةٍ صَدَقَةٌ وَأَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ صَدَقَةٌ وَنَهْيٌ عَنِ الْمُنْكَرِ صَدَقَةٌ وَفِي بُضْعٍ أَحَدِكُمْ صَدَقَةٌ». قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ: أَيُّتِي أَحَدُنَا شَهَوْتُهُ وَيَكُونُ لَهُ فِيهَا أَجْرٌ؟! قَالَ: «أَرَأَيْتُمْ لَوْ وَضَعَهَا فِي حَرَامٍ أَكَانَ عَلَيْهِ وَزْرٌ؟! فَكَذَلِكَ إِذَا وَضَعَهَا فِي الْحَلَالِ؛ كَانَ لَهُ أَجْرٌ». رواه مسلم

معرفی راوی:

ابودر غفاری رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ؛ رجوع شود به حدیث ۱۸

کلمات جدید:

ناسًا: مردمی.

أَهْلُ الدُّثُورِ: ثروتمندان

بِفُضُولِ أَمْوَالِهِمْ: دارایی‌های اضافه‌شان

تَصَدَّقُونَ: در اصل تتصدقون بوده است. یعنی صدقه بدهید

تَسْبِيحَةٍ: سبحان الله گفتن

تَكْبِيرَةٍ: الله اكبر گفتن

تَحْمِيدَةٍ: الحمد لله گفتن

تَهْلِيلَةٍ: لا إله إلا الله گفتن

بُضْعٍ: همبستری

شَهْوَةٌ: لذتش را

وَزْرٌ: گناه، معصیت

ترجمه حدیث:

ابوذر غفاری رضی الله عنه روایت نموده که عده‌ای از یاران رسول الله صلی الله علیه و آله به پیامبر گفتند: «ای رسول خدا، ثروتمندان اجرها را بردند، نماز می‌خوانند همانگونه که ما نماز می‌خوانیم، و روزه می‌گیرند همانگونه که ما روزه می‌گیریم و از دارایی‌های اضافه‌شان صدقه می‌دهند.

فرمود: مگر الله برای شما آنچه با آن صدقه دهید قرار نداده است؟! همانا هر سبحان الله گفتن صدقه است و هر الله اکبر گفتن صدقه است و هر الحمد لله گفتن صدقه است و هر لا اله الا الله گفتن صدقه است و فرمان به کار نیک صدقه است و بازداشتن از منکر و زشتی صدقه است و در همبستری شما صدقه وجود دارد. گفتند: ای رسول خدا، آیا یکی از ما شهوتش را برآورده می‌سازد و در این کار برایش اجر است؟ فرمود: آیا اگر آن را از راه حرام برآورده می‌کرد گناه نداشت؟ پس اینچنین هنگامی که از راه حلال انجام می‌دهد دارای اجر است.

اهمیت حدیث:

ابن حجر هیتمی در شرحش بر اربعین می‌گوید: این حدیثی با عظمت است زیرا قواعد ارزشمندی از قواعد دین را در خود دارد.

شرح مختصر حدیث:

در این حدیث شریف رسول الله صلی الله علیه و آله مردم را به اهمیت و فضیلت ذکر و نیایش‌های شرعی یادآور می‌شود و این هنگامی است که تعدادی از فقرای صحابه رضی الله عنهم از اینکه مانند ثروتمندان نمی‌توانستند انفاق کنند ناراحت بودند، در حالی که ثروتمندان مانند فقرا در نماز و روزه و سایر عبادت‌ها آنان را همراهی می‌کردند.

پس رسول الله صلی الله علیه و آله راه جبران این اجر و پاداش و ثواب رسیدن به پاداش صدقه را بیان فرمود که شما هم می‌توانید با هر نوع کار نیک و عمل پسندیده‌ای برای خودتان اجر کسب کنید که سرآمد آنها را اذکار شرعی مانند: سبحان الله، الحمد لله، الله اکبر و لا اله الا الله می‌باشند. همچنین امر به معروف و نهی از منکر را نیز صدقه معرفی نمودند. و بیان نمودند که حتی شخص مسلمان در برآورده ساختن شهوتش از راه

حلال یعنی همبستری با همسر شرعی نیز صاحب اجر و پاداش می‌شود. در اینجا بود که این سخن شگفتی برخی را برانگیخت و پرسیدند: ای رسول خدا: آیا در برآورده ساختن شهوت نیز برای ما اجر است؟ و پاسخ شنیدند بله زیرا اگر از راه حرام باشد گناه است پس از راه حلال اجر و ثواب دارد و این پاداش تنها به برآورده ساختن شهوت محدود نمی‌شود بلکه انجام هر کار حلالی که با نیت بندگی الله و دوری از حرام باشد دارای اجر و پاداش می‌باشد.

پس با توجه به این فرمایشات بسیار ارزشمند، می‌توان فهمید که اسلام دروازه نوافل را برای همگان گسترده است تا هر کس بر حسب توان و رغبت‌اش برای آخرت خویش اجر و پاداش اندوخته سازد.

همچنین از این روایت می‌فهمیم که صدقه، هم می‌تواند مالی باشد و هم معنوی، یعنی همانگونه که می‌توان با بذل و بخشش دارایی‌ها صدقه داده و به دیگران کمک نمود و اجر و پاداش به دست آورد، با ذکر و نیایش و انجام عبادت‌های مستحب و نافله نیز می‌توان همان ثواب را به دست آورد.

### تخریج حدیث:

این حدیث را امام مسلم در صحیح و امام احمد در مسند روایت کرده‌اند و ابوداود آن را با لفظی دیگر روایت کرده است

[صحیح مسلم - کتاب الزکاة - باب بیان أن اسم الصدقة يقع علی کل نوع من المعروف؛ ح ۱۰۰۶] [مسند أحمد - مُسْنَدُ الْأَنْصَارِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ - حدیث أبي ذر رضی الله عنه؛ ح ۲۰۹۶] [سنن أبي داود - کتاب الأدب - أَبْوَابُ التَّوَمِّ؛ ح ۵۲۴۳]

### فواید حدیث:

- ۱- اشتیاق صحابه رضی الله عنهم به انجام کارهای نیک و رقابت در خوبی‌ها
- ۲- صدقه تنها به اموال محدود نمی‌شود و اسلام، بر اساس مال میان اشخاص تفاوت نمی‌گذارد
- ۳- اگر علت و سبب هر کاری بیان شود موضوع روشن‌تر خواهد شد و درک آن بهتر می‌شود
- ۴- تشویق به ذکر و یاد الله
- ۵- هر کس به خاطر عدم توانایی، از انجام برخی از عبادت‌ها محروم شود باید عبادت‌های دیگری که در توان دارد را بیشتر انجام داده تا آن را جبران کند
- ۶- استفاده نیکو از امور حلال اجر و پاداش دارد

۷- تشویق به امر به معروف و نهی از منکر

۸- تنوع و فراوانی راه‌های خیر که از لطف خداوند متعال است

۹- مشروعیت قیاس، زیرا پیامبر ﷺ اجر و پاداش برای کسی که شهوتش را از راه حلال برآورده سازد از طریق شباهت آن به گناهکار شدن کسی که شهوتش را از راه حرام برآورده سازد اثبات نمود و آنچه در این حدیث بیان شده از جمله قیاس معکوس است.

\*\* \*\* \*

## حدیث بیست و ششم: فراوان بودن راهای خیر

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «كُلُّ سُلَامَى مِنْ النَّاسِ عَلَيْهِ صَدَقَةٌ، كُلَّ يَوْمٍ تَطْلُعُ فِيهِ الشَّمْسُ يُعَدُّ بَيْنَ الْإِثْنَيْنِ صَدَقَةٌ وَيُعِينُ<sup>٢</sup> الرَّجُلَ فِي دَابَّتِهِ فَيَحْمِلُهُ عَلَيْهَا أَوْ يَرْفَعُ<sup>٣</sup> لَهُ عَلَيْهَا مَتَاعَهُ صَدَقَةٌ وَالْكَلِمَةُ الطَّيِّبَةُ صَدَقَةٌ وَبِكُلِّ خَطْوَةٍ يَمْشِيهَا إِلَى الصَّلَاةِ صَدَقَةٌ وَيَمِيطُ<sup>٤</sup> الْأَذَى عَنِ الطَّرِيقِ صَدَقَةٌ». رواه البخاري ومسلم<sup>٥</sup>

معرفی راوی:

ابوهریره رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ؛ رجوع شود به حدیث نهم.

کلمات جدید:

سُلَامَى: مفصل های بدن انسان

تَطْلُعُ: طلوع می کند

يُعَدُّ بَيْنَ الْإِثْنَيْنِ: میان دو نفر عدل و مساوات برقرار می کند

يُعِينُ: کمک می کند. یاری می رساند

دَابَّتِهِ: وسیله سواری اش

فَيَحْمِلُهُ عَلَيْهَا: او را برای سوار شدن یاری می کند، یا اینکه عیب وسیله اش را درست می کند

مَتَاعَهُ: کالایش را

الْكَلِمَةُ الطَّيِّبَةُ: سخن نیک. شامل هر نوع سخنی می شود

خَطْوَةٍ: گام، قدم

<sup>١</sup> - «یعدل» لفظ امام بخاری است در صحیح مسلم آمده: «قَالَ - تَعْدِلُ بَيْنَ الْإِثْنَيْنِ ...» یعدل: با ضم لام یا فتح لام هر دو صحیح است.

<sup>٢</sup> - یعین: با ضم نون یا فتح نون هر دو صحیح است.

<sup>٣</sup> - یرفع: با ضم عین یا فتح عین هر دو صحیح است.

<sup>٤</sup> - خطوة: به فتح خاء یا ضم خاء هر دو صحیح است.

<sup>٥</sup> - یمیط: با ضم طاء یا فتح طاء هر دو صحیح است.

<sup>٦</sup> - بخاری (۲۹۸۹) و لفظ از بخاری است، مسلم (۱۰۰۹) در روایت مسلم افعال به جای یاء با تاء هستند (تعديل، تعین ...). چنانکه در نسخه اربعین متعلق به مکتبه خاصه شبام حضرموت، اینگونه است.

يُمِيطُ: دور می کند، برطرف می کند

الأَذَى: اذیت، مزاحم، هر چیزی که اسباب اذیت و ناراحتی را فراهم کند.

**ترجمه حدیث:**

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: بر هر مفصلی از انسان صدقه لازم است، هر روز که خورشید طلوع می کند، شخصی که اصلاح و آشتی میان دو نفر ایجاد می کند (این کار برای او) صدقه است، و کسی را در سوار شدن به وسیله اش یاری می کند، یا بار و وسایلش را بر آن می گذارد صدقه است و سخن نیکو، صدقه است و هر گامی که به سوی نماز برمی دارد صدقه است و مزاحم را از سر راه دور می کند صدقه است.

**اهمیت حدیث:**

یکی از اهداف اسلام یکدل کردن و اتحاد مسلمانان و تقویت شکوه و اقتدار آنان و پیروزی بر دشمنانشان است و این اهداف جز با همکاری و همیاری و تکافل به دست نمی آید و این حدیث شریف به همین امر یعنی همکاری و همیاری میان مسلمانان رهنمون می سازد.

**شرح مختصر حدیث:**

این حدیث اصلی فراگیر دربارهٔ کردار نیک است و بیان می کند که کار نیک در اسلام به کارهای فردی خلاصه نمی شود بلکه تمامی آنچه باعث خوشبختی و رفاه و آسایش مردم می شود کار نیک و پسندیده است و مانند صدقه اجر و پاداش دارد.

از جملهٔ این کارهای نیک اصلاح و سازش میان افرادی است که با یکدیگر اختلاف دارند و ایجاد آشتی میان افراد امری است که در قرآن کریم نیز بسیار به آن تأکید شده است. همچنین همکاری و تعاون با مردم در رفع نیازهای مشروع آنها امری نیک و پسندیده است.

سخن نیک هر نوعی که باشد از ذکر و دعا گرفته تا سلام و پند و نصیحت و دعوت به سوی خوبی و نهی از بدی همهٔ اینها صدقه است. گامی که انسان به سوی مسجد برمی دارد تا نمازش را ادا کند نیز بر اجر و پاداش انسان می افزاید و برای او صدقه است. حتی اموری که در ظاهر کوچک به نظر می رسند مانند از بین بردن مزاحمتی که در راه مردم است صدقه به شمار می رود و چه بسا همین عمل کوچک شخص را وارد بهشت کند چنانکه در احادیث دیگر به این امر اشاره شده است.



در روایت دیگری از همین حدیث که در صحیح مسلم<sup>۱</sup> و سنن ابوداؤد<sup>۲</sup> آمده بیان شده که دو رکعت نماز ضحی برای ادا کردن صدقه‌هایی که بر مفصل‌های بدن لازم است، بسنده می‌کند و این نشان می‌دهد که در صورت عدم توانایی بر انجام این کارها می‌توان با دو رکعت نماز ضحی این اجر را به دست آورد. اسلام با بیان این نکات مهم به همگان می‌گوید: اسلام آئین زندگی است و لذا هر کس نسبت به این اموری تفاوت باشد و خیر و صلاح مردم را در نظر نداشته باشد قطعاً در ایمان و دینداری او نوعی خلل و نقص وجود دارد زیرا نتوانسته دین‌اش را خوب بشناسد و اجرا کند.

### تخریج حدیث:

این حدیث متفق علیه است، یعنی امام بخاری و امام مسلم آن را از یک صحابه روایت کرده‌اند. [صحیح البخاری - کتاب الجهاد والسیر - باب مَنْ أَخَذَ بِالرَّكَابِ وَنَحْوِهِ؛ ح ۲۹۸۹] [صحیح مسلم - کتاب الزکاة - باب بیان أن اسم الصدقة يقع على كل نوع من المعروف؛ ح ۱۰۰۹]

### فواید حدیث:

- ۱- شکل منظم استخوان‌های آدم و سلامتی آن از بزرگ‌ترین نعمت‌های الله است که نیاز به سپاسگزاری دارد
- ۲- فراوان بودن راه‌های نیکی
- ۳- صدقه به مال محدود نمی‌شود بلکه هر کار نیکی در اسلام صدقه است
- ۴- تشویق به مداومت بر نوافل و کارهای نیک
- ۵- فضیلت صلح و آشتی بین مردم
- ۶- دعوت شخص مسلمان برای یاری رساندن به نیازمندان و استحکام برادری میان مسلمانان
- ۷- تشویق به هر سخن نیکویی از جمله ذکر و قرائت قرآن و آموزش و دعوت
- ۸- فضیلت گام برداشتن به سوی مسجد برای اداى نماز جماعت
- ۹- فضیلت از بین بردن اسباب آزار و اذیت مردم و سعی در رفاه و آسایش آنها

<sup>۱</sup> صحیح مسلم ح ۷۲۳ «يُضِيحُ عَلَى كُلِّ سَلَامَةٍ مِنْ أَخِيكُمْ صَدَقَةٌ...»

<sup>۲</sup> سنن أبي داود ح ۱۲۸۵

\*\* \*\* \*

## حدیث بیست و هفتم: شناخت نیکی و گناه

عَنِ النَّوَّاسِ بْنِ سَمْعَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: «الْبِرُّ حُسْنُ الْخُلُقِ وَالْإِثْمُ مَا حَاكَ فِي نَفْسِكَ<sup>۱</sup> وَكَرِهَتْ أَنْ يَطَّلِعَ عَلَيْهِ النَّاسُ». رواه مسلم<sup>۲</sup>.

وَعَنْ وَابِصَةَ بِنِ مَعْبَدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَ: أَتَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: «جِئْتِ تَسْأَلِ عَنِ الْبِرِّ؟». قُلْتُ: نَعَمْ فَقَالَ: «اسْتَفْتِ قَلْبَكَ: الْبِرُّ مَا أَطْمَأَنَّتَ إِلَيْهِ النَّفْسُ وَأَطْمَأَنَّ إِلَيْهِ الْقَلْبُ، وَالْإِثْمُ مَا حَاكَ فِي النَّفْسِ وَتَرَدَّدَ فِي الصَّدْرِ وَإِنْ أَفْتَاكَ النَّاسُ وَأَفْتَوْكَ». حديثٌ حسنٌ رَوَيْنَاهُ فِي مُسْنَدِي الْإِمَامِينَ: أَحْمَدَ بْنَ حَنْبَلٍ وَالِدَارِمِيٍّ - رَحِمَهُمَا اللَّهُ تَعَالَى - بِإِسْنَادٍ حَسَنٍ<sup>۳</sup>.

### معرفی راوی:

#### ۱- نوّاس بن سمعان بن خالد بن عمرو بن قرط العامری الکلابی

- خودش و پدرش صحابه هستند، همراه با پدرش نزد پیامبر ﷺ آمده و پیامبر ﷺ برایش دعا نمود، کفش‌هایی را به رسول الله ﷺ هدیه نمود پس وی آنها را پذیرفت.
- از اصحاب صغه بود و در شام سکنی گزید و او را از شای‌ها به شمار می‌آوردند
- ۱۷ حدیث از پیامبر ﷺ روایت نموده است
- سال تولد و وفاتش مشخص نیست

#### ۲- وابصة بن معبد أسدی، أبو شداد یا أبو قِرْصافة

- در سال نهم با ده گروه از قومش بنی اسد نزد پیامبر ﷺ آمدند پس مسلمان شده و به سوی قومش بازگشت
- سپس به الجزیره<sup>۴</sup> و کوفه و الرقة نقل مکان کرد و در الرقة از دنیا رفت و قبرش در کنار مسجد جامع رافقه است.
- درباره او گفته شده که بسیار می‌گریست

<sup>۱</sup> در روایت دیگری از صحیح مسلم به جای نفسک، کلمه صدرک می‌باشد

<sup>۲</sup> مسلم (۱۵/۲۵۵۳)

<sup>۳</sup> مسند امام احمد (۲۲۸/۴)، والدارمی (۲۵۷۵).

<sup>۴</sup> در منابع قدیمی الجزیره منطقه ای جغرافیایی در شمال عراق می باشد که کوه های آناتولی و رود های دجله و فرات آنرا احاطه کرده‌اند

• از پیامبر ﷺ ۱۱ حدیث روایت نموده است

### کلمات جدید:

الْبِرُّ: نیکی، اسمی که شامل هر نیکی و کار خوب می‌شود

حُسْنُ الْخُلُقِ: اخلاق نیکو

الْإِثْمُ: گناه و معصیت

حَاكٌ: تنگی و تنفر و کراهیت ایجاد کرد

كِرْهَةٌ: بد و زشت دانستی، خوش نداشتی

يَطَّلِعُ: آگاه شود. بداند

اسْتَفْتِيَ: بپرس، فتوی بگیر

اطْمَأَنَّتُ: آرام گرفت

تَرَدَّدَ: متردد شد، بی‌قرار گشت.

أَفْتَاكَ: به تو فتوا دادند. در روایت مسند امام احمد آمده «أفتاك المفتون» یعنی فتوا دهندگان به تو

فتوا دادند

### ترجمه حدیث:

از نواس بن سمعان رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: نیکی اخلاق نیک است و گناه آنچیزی است که درونت هراس و اضطراب ایجاد کرده و دوست نداشته باشی مردم از آن آگاه شوند» امام مسلم آن را روایت کرده است.

و از وابصة بن معبد رضی الله عنه روایت است که گفت: نزد رسول الله ﷺ آمدم پس فرمود: «آمده‌ای درباره نیکی بپرسی»؟ گفتم بله. فرمود: «از قلبت بپرس، نیکی چیزی است که نفس به آن اطمینان داشته و قلب با آن آرامش بگیرد و گناه چیزی است که در نفس هراس و نگرانی ایجاد کرده و در سینه تردید بوجود آورد هرچند که مردم تو را فتوا دهند» این حدیث را در مسند امام احمد و امام دارمی با سند حسن روایت کرده‌ایم.

## اهمیت حدیث:

ابن حجر هیتمی می‌گوید: این حدیث از سخنان جامع رسول الله ﷺ و بلکه از مختصرترین آنهاست زیرا «بر» (نیکی) کلمه‌ای است که تمامی کارهای نیک و اخلاق پسندیده را در بر دارد و «اثم» (گناه) کلمه‌ای است که تمامی کردارهای بد و زشت، کوچک و بزرگش را گرد آورده است و به همین دلیل پیامبر ﷺ این دو را در مقابل یکدیگر ذکر نموده و آنها را متضاد هم دانسته است.

## شرح مختصر حدیث:

در این حدیث شریف رسول الله ﷺ مطلبی فراگیر و جامع را به امت خویش می‌آموزد که بسیار با اهمیت است و آن اساس و ریشه نیکی‌ها و بدی‌ها است که شریعت اسلام پیروانش را به شناخت آنها و عمل به مقتضای خوبی‌ها و دوری از بدی‌ها فرا می‌خواند.

«بر» یا همان نیکی ممکن است به معنای احسان و خوش رفتاری و برخورد نیک با دیگران باشد و ممکن است به معنای انجام همه کارهای نیک و به جای آوردن تمامی عبادت‌هایی که اسلام به آن فرمان داده یا تشویق کرده، باشد.

همانگونه که آشکار است معنای اول خاص و معنای دو عام است و در نصوص قرآن و سنت کلمه «بر» با هر دو معنی آمده است.

آنچه در اینجا مهم است این نکته می‌باشد که با توجه به نقطه مقابل «بر» در این جمله که همان «اثم» می‌باشد می‌توان به راحتی دانست که مراد، دومی است یعنی انجام کارهای خوب و به جای آوردن دستورات الهی؛ هر چند که معنای اول نیز صادق است زیرا انجام هر کار نیکی در معنای عام و جامع آن احسان و خوش رفتاری است.

در مقابل نیکی، بدی و گناه و معصیت وجود دارد که در هیچ شرایطی نباید مرتکب آن شد زیرا زشت و نازیباست و نه تنها مردم آن را بد می‌دانند بلکه نفس سالم و فطرت پاک بشر نیز از آن متنفر است و قلب انسان با ارتکاب آن احساس تنفر و اضطراب می‌کند همچنانکه انسان پاک فطرت از آشکار انجام دادن گناه شرم دارد و از رسوایی و روسیاهی گناه در جامعه می‌هراسد.

این حدیث به شخص مسلمان میزان سنجش خوبی‌ها و بدی‌ها را نشان می‌دهد که آن اطمینان و آرامش قلبی است؛ ولی این یک قاعده مطلق نیست و نباید جهت مخالفت با اصول و نصوص قطعی شریعت

از آن سوء استفاده کرد چنانکه اهل بدعت برای ارتکاب مخالفات شرعی به استفتاء قلبی و الهامات نفسی خویش استناد می‌کنند و از طرفی دیگر عدم اطمینان عوام در نپذیرفتن احکامی مانند قصر و جمع نماز در سفر و افطار روزه با عذر شرعی و احکامی مانند آن که مبنی بر ادله ثابت شرعی است، فاقد اعتبار می‌باشد؛ بلکه این قاعده در جهت رعایت تقوی و جانب احتیاط در احکام عملی دین است و شاید مانند حدیث «إن الحلال بین و إن الحرام بین» و حدیث «دع ما یریبک» دعوت به رعایت تقوا و دوری از شبهات باشد.

### تخریح حدیث:

حدیث اول را امام مسلم در صحیح خود روایت نموده است و روایت دوم را امام احمد در مسند و اما داری در سنن روایت کرده‌اند. روایت وابصة بن معبد را عموم محدثین ضعیف می‌دانند و عده‌ای دیگر آن را به خاطر طرق دیگر آن به درجه حسن می‌رسانند.

[صحیح مسلم - کتاب البرِّ وَالصَّلَةِ وَالْأَدَابِ - باب تفسیر البرِّ وَالإِثْمِ؛ ح ۲۵۰۳] [مسند أحمد - مُسْنَدُ الشَّامِيِّينَ - حدیث وابصة بن معبد الأَسَدِي رضی الله عنه؛ ح ۱۷۵۴] [سنن الدارمی - کتاب البُيُوع - باب دع ما یریبک إلی ما لا یریبک؛ ح ۲۵۳۳]

### فواید حدیث:

- ۱- بیان منزلت بزرگ خوش رفتاری و اخلاق نیکو
- ۲- خداوند متعال بندگانش را بر شناخت حقیقت و آرامش یافتن نسبت به آن سرشته است
- ۳- شریعت به صورت کلی واضح و آشکار است و حق را می‌توان از باطل تشخیص داد
- ۴- فتوی نمی‌تواند حرام را حلال کند و شخص مؤمن به حقیقت کاری که انجام می‌دهد آگاه‌تر است
- ۵- گناه و معصیت، انسان را دچار هراس و بی‌قراری می‌کند و آرامش را از انسان می‌گیرد
- ۶- مؤمن از فاش شدن گناه می‌ترسد و حیا دارد.

\*\*      \*\*      \*\*

## حدیث بیست و هشتم: پند و اندرزى شیوا

عَنِ أَبِي نَجِيحِ الْعَرَبَاضِ بْنِ سَارِيَةَ رضي الله عنه قَالَ: وَعَظَنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَوْعِظَةً وَجَلَّتْ مِنْهَا الْقُلُوبُ وَذَرَفَتْ مِنْهَا الْعُيُونُ، فَقُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ: كَأَنَّهَا مَوْعِظَةٌ مُوَدَّعٍ فَأَوْصِنَا، قَالَ: «أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَالسَّمْعِ وَالطَّاعَةِ وَإِنْ تَأَمَّرَ عَلَيْكُمْ عَبْدٌ؛ فَإِنَّهُ مَنْ يَعِشْ مِنْكُمْ فَسَيَرَى اخْتِلَافًا كَثِيرًا فَعَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمَهْدِيِّينَ عَضُّوا عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِدِ وَإِيَّاكُمْ وَمُحَدَّثَاتِ الْأُمُورِ؛ فَإِنَّ كُلَّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ». رواه أبو داود والترمذي وقال: حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ<sup>١</sup>.

معرفی راوی:

- عرباض بن ساریه السلمی
- صحابه‌ای مشهور و از پیشگامان است و گفته شده چهارمین صحابه‌ای است که اسلام آورده است

- از اهل صغه بود و از جمله صحابه‌ای بود که بسیار می‌گریستند
- بعدها در حمص از سرزمین شام سکونت گزید
- ۳۱ حدیث از پیامبر ﷺ روایت نموده است
- در سال ۷۵ هجری در دوران حکومت ابن زبیر رضي الله عنه وفات یافت

کلمات جدید:

مَوْعِظَةٌ: پند و اندرز؛ یادآوری عواقب

وَجَلَّتْ: ترسید، به هراس آمد

ذَرَفَتْ: اشک ریخت، گریان شد

مُودَّعٍ: خدا حافظی

فَأَوْصِنَا: ما را سفارش کن

السَّمْعِ وَالطَّاعَةِ: شنیدن و اطاعت کردن

<sup>١</sup> - ابوداود (۴۶۰۷)، ترمذی (۲۶۷۶) .

تَأْمَرَ: امیر شد

يَعِشُ: زندگی کند

عَلَيْكُمْ: اسم فعل به معنای فعل امر است. یعنی: بر شما است، تمسک جوید

الخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمُهَدِيِّينَ: جانشینان هدایت یافته و هدایت گر منظور ابوبکر و عمر و عثمان و علی رضی الله عنهم است.

عَضُوا: محکم بگیرید

التَّوَجِدُ: دندان های آسیاب

إِيَّاكُمْ: پرهیزید، دوری کنید

مُحَدَّثَاتِ الْأُمُورِ: امور نو در دین که اصلی در شریعت ندارند

ترجمه حدیث:

از ابو نجیح عرباض بن ساریه رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ما را اندرز داد. اندرزی که دلها از آن هراسان گشته و دیدگان اشکریزان شد پس گفتیم: ای رسول خدا، گوی که اندرز خداحافظی است پس ما را سفارش کن. فرمود: شما را به رعایت تقوای الله عزوجل و شنیدن و فرمانبرداری (از ولی امرتان) سفارش می کنم حتی اگر برده ای بر شما امیر شود و قطعاً هر یک از شما زنده باشد اختلافات بسیاری را مشاهده می کند، پس بر شما است تمسک به سنت من و سنت جانشینان رهیافته و هدایتگر، آن را محکم بگیرید و از امور نو در دین برحذر باشید که همانا هر بدعتی گمراهی است»

اهمیت حدیث:

این حدیث شامل وصیتی مهم است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به اصحابش رضی الله عنهم و تمامی مسلمانان پس از خود نموده که در اجرای آن خوشبختی دنیا و آخرت نهفته است؛ در این حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم امتش را به آنچه ضامن نجات و هدایت آنهاست یعنی: چنگ زدن به سنت و دوری از بدعت و گمراهی، سفارش می کند.



## شرح مختصر حدیث:

عرباض بن ساریه رضی الله عنه ماجرای موعظه‌ای بسیار مهم از پیامبر صلی الله علیه و آله را روایت کرده و می‌فرماید: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله موعظهٔ بلیغ و شیوایی ایراد فرمود که از روایت‌های دیگر معلوم می‌شود که این موعظه بعد از نماز صبح بوده<sup>۱</sup> و لذا می‌توان فهمید رسول الله صلی الله علیه و آله غیر از اوقات معروف مانند خطبهٔ جمعه و عید نیز در صورت نیاز اصحاب را نصیحت می‌فرمود. موضوع دیگری که از این روایت می‌توان فهمید این است که رسول الله صلی الله علیه و آله پند و اندرز خویش را با بلاغت و فصاحت بالایی بیان نمودند و چنان همه را تحت تأثیر قرار دادند که احساس می‌کردند آخرین سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله است و لذا درخواست توصیه‌های بیشتری نمودند پس می‌توان این برداشت را نمود که شخص سخنران و واعظ باید در حد توانش از روش و اسلوبی استفاده نماید که بتواند در کمال سادگی حق مطلب را از نظر اهمیت و ارزش ادا نماید و این خود به شیوایی لحن سخن و انتخاب کلمات و الفاظ مناسب بستگی دارد که به آن فصاحت و بلاغت گفته می‌شود.

دربارهٔ صفات موعظهٔ موفق می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱- انتخاب درست موضوع

۲- شیوایی و بلاغت سخن

۳- کوتاه بودن گفتار و طولانی نکردن سخن

۴- انتخاب زمان و موقعیت مناسب

رسول الله صلی الله علیه و آله بخش دوم سفارش خویش را به آیندهٔ امت و راه حل برون رفت از مشکلات و اختلافات اختصاص دادند که بسیار با اهمیت است

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند که شما را به تقوا و فرمانبرداری از ولی امر (امیر و حاکم) سفارش می‌کنم حتی اگر آن امیر برده‌ای باشد زیرا اختلافات میان امت اسلامی بر سر خلافت و حکومت و دیگر قضایای اجتماعی و حتی استنباط احکام عملی در آینده بسیار خواهد شد و به همین سبب در مورد امور دولتی و نظم عمومی جامعهٔ اسلامی باید مطیع امیر مسلمانان بود و در امور دینی و احکام تفصیلی و جزئی دین باید به سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سنت خلفای راشدین رضی الله عنهم بازگشت و بدان تمسک جست و از هر نوع بدعت و نوآوری در دین دوری کرد زیرا همهٔ بدعت‌ها گمراهی است و خیری در آن وجود ندارد.

<sup>۱</sup> - مسند احمد ح ۱۶۶۹۵ « فَقَالَ عَرَبُاضٌ صَلَّى بِنَا رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الصُّبْحَ ذَاتَ يَوْمٍ، ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيْنَا، فَوَعظَنَا مَوْعِظَةً بَلِيغَةً ... »

در اینجا رسول الله ﷺ سنت خلفای راشدین رضی الله عنهم را در کنار سنت خویش ذکر می کند و این بیانگر مصون بودن راه روش آنها از اشتباه می باشد زیرا برگرفته از قرآن و سنت است.

این حدیث در واقع یک معجزه الهی است که به پیامبر صلی الله علیه و آله الهام شده و ایشان به عنوان یک ارشاد نبوی، امتشان را از آن با خبر نموده تا از پیامدهای ناگوار آن بر حذر باشند و تاریخ بهترین گواه بر صدق این حدیث است زیرا امت اسلامی پس از مدتی دچار بسیاری از اختلافات داخلی شده است که به توفیق خداوند متعال و پایبندی راستین علما به رهنمودهای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله اکثریت مسلمانان که همان اهل سنت و جماعت می باشند همیشه به حق رهنمون بوده و می باشند.

### تخریج حدیث:

این حدیث را امام ابو داود سیستانی و امام ابن ماجه قزوینی در سنن و امام ترمذی در جامع و امام احمد در مسند روایت کرده اند.

[سنن أبي داود - كتاب السنّة - باب في لزوم السنة؛ ح ٤٦٠٧] [جامع الترمذي - كتاب العلم - باب ما جاء في الأخذ بالسنّة واجتناب البدع؛ ح ٢٦٧٦] [سنن ابن ماجه - كتاب المُقَدِّمَة - باب اتباع سنة الخلفاء الراشدين المهديين؛ ح ٤٢] [مسند أحمد - مُسْنَدُ الشَّامِيِّينَ - حديث العرباض بن سارية عن النبي صلى الله عليه وسلم؛ ح ١٦٦٩]

### فوائد حدیث:

۱- سخنران و واعظ باید در سخنانش از روش و اسلوب شیوایی استفاده کند تا مخاطب را تحت تأثیر قرار دهد

۲- مهم ترین سفارش، سفارش به تقوا و ترس از الله عزوجل است که معنای آن فرمانبرداری از خداوند بوسیله اجرای دستوراتش و اجتناب از منهیاتش می باشد

۳- پیامبر صلی الله علیه و آله از بوجود آمدن اختلافات فراوان در میان امتش خبر می دهد و این اختلافات همانگونه پیامبر صلی الله علیه و آله خبر داده بود اتفاق افتاد.

۴- راه حل مشکلات هنگام اختلاف، پایبندی به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سنت خلفای راشدین رضی الله عنهم است.

۵- بیان فضیلت خلفای راشدین رضی الله عنهم

۶- فرمانبرداری از امیر و حاکم مسلمان واجب است به شرط اینکه به گناه دستور ندهد

۷- پایبندی به سنت باید با توجه به راه و روش صحابه و گذشتگان صالح باشد چرا که مدعیان سنت نیز ممکن است دچار افراط و تفریط شده و راه اشتباه را انتخاب کنند.

۸- باید از امور جدیدی که در دین ایجاد شده و اصلی در شریعت ندارد برحذر بود زیرا هر بدعتی گمراهی است.

\*\* \*\* \*



ذُرْوَةَ سَنَامِهِ: بلندای آن. سنام به کوهان شتر گفته می‌شود ولی این صطلاح بیشتر برای اوج و قله

هر چیز استفاده می‌شود

مِلَالِك: معیار و میزان سنجش

تَكَلَّتْكَ أُمَّكَ: عبارتی است دعایی که معنای نفرین دارد یعنی مادرت به داغت بنشیند. در اصل به معنای نفرین است ولی هدف وقوع این امر نیست بلکه برای آگاه کردن و هشدار به شخص یا برای ابراز تعجب گفته می‌شود.

يَكُبُّ: می‌اندازد

مَنَاخِرٍ: بینی

حَصَائِدُ: برداشت، دستاورد

ترجمه حدیث:

از معاذ بن جبل رضی الله عنه روایت شده که گفت: گفتم: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا به کاری خبر ده که به بهشت وارد کرده و از آتش دور کند. فرمود: «یقیناً از چیز بزرگی پرسیدی و هر آینه برای کسی که الله برایش آسان کند، آسان است: اینکه الله را عبادت کنی و هیچ شریکی برایش قرار ندهی و نماز برپای داری و زکات بدهی و روزه رمضان بگیری و به حج خانه خدا بروی» سپس فرمود: آیا تو را به دروازه‌های نیکی راهنمایی نکنم؟ روزه، سپر است و صدقه، گناه را از بین می‌برد همانگونه که آب آتش را خاموش می‌کند، و نماز شخص در دل شب» سپس تلاوت نمود: «پهلوهایشان از خوابگاهها جدا می‌گردد [و] پروردگارشان را از روی بیم و طمع می‌خوانند، و از آنچه روزیشان داده‌ایم انفاق می‌کنند. هیچ کس نمی‌داند چه چیز از آنچه روشنی بخش دیدگان است به [پاداش] آنچه انجام می‌دادند برای آنان پنهان کرده‌ام» [سجده ۱۶-۱۷]؛ سپس فرمود: «آیا تو را از اساس کارها و ستون و قله آن خبر ندهم؟» گفتم: بله ای رسول خدا صلی الله علیه و آله، فرمود: «اساس کار اسلام است و ستون آن نماز و قله آن جهاد است». سپس فرمود: «آیا تو را از معیار تمامی اینها با خبر سازم؟!» گفتم: بله ای رسول خدا صلی الله علیه و آله، پس زبان خویش را گرفت سپس فرمود: «این را نگه دار» گفتم: ای پیامبر خدا، آیا ما به خاطر آنچه به زبان می‌آوریم بازخواست می‌شویم؟! پس فرمود: «مادرت به عزایت بنشیند!! آیا مردم جز به خاطر محصول زبان‌شان نیست که با صورت‌ها - یا بینی‌ها - در آتش انداخته می‌شوند؟! (یعنی آیا چیز دیگری است که مردم را با ذلت به جهنم ببرد جز سخنانشان)

## اهمیت حدیث:

این حدیث در برگرفته کردار نیکی است که انسان را وارد بهشت نموده و از آتش جهنم دور می‌کند و این امری با عظمت است زیرا الله ﷻ پیامبرانش را ﷺ برای نجات انسان‌ها از جهنم و وارد شدنشان به بهشت فرستاده و به خاطرش کتاب نازل نموده است و به همین دلیل پیامبر ﷺ به معاذ فرمود: درباره چیز بزرگی پرسیدی.

## شرح مختصر حدیث:

معاذ بن جبل رضی الله عنه صحابه بزرگوار رسول الله ﷺ مانند بسیاری از صحاب برای دانستن کارهای نیک و پسندیده از پیامبر ﷺ سؤال می‌کرد و این حدیث یکی از همان موارد فراوان است و در اینجا وی از رسول الله ﷺ درباره عملی می‌پرسد که وی را وارد بهشت نموده و از آتش جهنم دور کند و این نشانه ایمان راسخ معاذ و دیگر صحابه رضی الله عنهم به حق بودن بهشت و جهنم است. رسول الله ﷺ در پاسخ می‌فرماید: از موضوع بس بزرگی پرسیدی که اگر خداوند برای بنده‌اش آن را آسان کند آسان می‌شود؛ و آسان شدن کار نیک از توفیق خداوندی است.

سپس راه رسیدن به این هدف بزرگ را چنین بیان فرمود: اینکه الله را عبادت نموده و هیچ شریکی برای وی قرار ندهد و نماز را برپا داشته و زکات را ادا کرده و روزه ماه رمضان را بگیرد و به حج خانه خدا برود؛ و اینها ارکان دین اسلام و اساس و پایه‌های آن هستند که بدون یکی از آنها دین ناقص است. پس از این رسول الله ﷺ دروازه‌های نیکی را به معاذ رضی الله عنه نشان می‌دهد، اعمالی که شخص مسلمان را در راه رسیدن به بهشت یاری نموده و کاستی‌هایش را جبران کرده و او را در محکم نگه داشتن پایه‌های اسلام یاری می‌دهد. این اعمال از باب نوافل و مستحبات است و هر مسلمانی می‌تواند با انجام آنها درجات خود را بالاتر برده و هرچه بیشتر از نعمت‌های بهشتی بهره‌مند سازد که پیامبر ﷺ از جمله آنها روزه سنت و صدقه مستحب و نماز شب را بیان فرمود.

روزه سپر و محافظی در برابر آتش جهنم است و بنا به فرموده رسول الله ﷺ هر روز روزه نافله، انسان را هفتاد سال از جهنم دور می‌کند. صدقه سبب آمرزش گناهان شده و زشتی‌ها را از کارنامه انسان می‌زداید همانگونه که آب آتش را خاموش می‌کند و نماز شب نیایش خالصانه بنده با الله است که بهترین زاد برای آخرت بوده و گناهان را از بین می‌برد.

تعبیر زیبای رسول الله ﷺ از روزه به سپر و محافظ به خاطر این است که روزه شهوت غذایی و جنسی و دیگر خواسته‌های مادی را در بدن کم کرده و در مقابل، روح روزه دار را پاک نموده و پرورش می‌دهد و لذا با تقوای بیشتری زندگی نموده و در آخرت نیز به پاداش این کار از جهنم دور نگه داشته می‌شود.

همچنین تعبیر زیبای ایشان در زدودن گناه به خاموش شدن آن، این را می‌رساند که گناه همانند آتش صاحبش را سوزانده و نابود می‌کند و انفاق و صدقات نفل و نماز شب همانند آب به سرعت باعث از بین رفتن گناهان و نزدیک شدن انسان به رحمت الهی می‌شوند.

سپس رسول الله ﷺ به بیان اساس دینداری و ستون و اوج و قله آن پرداخت که عبارتند از اسلام و نماز و جهاد. اسلام اساس تمامی اعمال است که در اولین وصیت به آن پرداخته شده بود و برای تأکید بر آن بازم هم به صورت کلی تکرار شد زیرا تا زمانی که شخص مسلمان نشده است کردار نیک او پذیرفته نخواهد شد. پس از آن رسول الله ﷺ نماز را ستون دینداری معرفی نمود زیرا رابطه انسان با الله است؛ سپس جهاد را راه رسیدن به اوج و عظمت دینداری معرفی نمود زیرا نمایانگر ایثار و از خودگذشتگی است و اگر کسی نتواند در راه معبود و آفریدگارش ایثار کند طعم بندگی و عظمت دین را احساس نخواهد کرد.

سپس رسول الله ﷺ معیار و وسیله سنجش خوبی‌ها را به معاذ رضی الله عنه معرفی نمود که زبان انسان است. معاذ رضی الله عنه که تعجب کرده بود گفت: ای پیامبر خدا آیا ما به خاطر آنچه می‌گوییم بازخواست می‌شویم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: مادرت داغدارت شود؛ - که در اینجا وقوع دعا مراد نیست بلکه برای ابراز تعجب و هوشیار کردن معاذ رضی الله عنه است، - آیا مردم را جز محصول زبان‌هایشان چیز دیگری به سر در آتش می‌اندازد.

در اینجا باید به چند چیز مهم توجه کرد: اول اینکه رسول الله ﷺ معیار دینداری یا پایبندی انسان به اسلام و خوبی‌ها را زبان معرفی نموده است و این نشان‌دهنده نقش زبان در زندگی، صلاح یا تباهی آن می‌باشد. دوم اینکه هر سخنی که بر زبان جاری می‌شود بیانگر عقیده و فکر و درون انسان است و به همین دلیل اسلام به پیروانش سفارش نموده که زبان‌شان را از هر نوع گناه و لغزش و حتی یاوه‌گویی و سخنان بی‌ارزش باز دارند.

در واقع این حدیث گرد آورنده بسیاری از راه‌های نیک و کارهای پسندیده و ارزش‌های والای اسلامی است تا مسلمانان با پیمودن این راه به سوی بهشت رهسپار گشته و خود را از عذاب آخرت نجات دهند.

### تخریج حدیث:

این حدیث را امام ترمذی در جامع و امام ابن ماجه قزوینی در سنن و امام احمد بن حنبل در مسند خویش روایت کرده‌اند.

[جامع الترمذی - کتاب الإیمان - باب مَا جَاءَ فِي حُرْمَةِ الصَّلَاةِ؛ ح ۲۶۱۶] [سنن ابن ماجه - کتاب الفتن - باب كف اللسان في الفتنة؛ ح ۳۹۷۳] [مسند أحمد - مُسْنَدُ الْأَنْصَارِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ - حدیث معاذ بن جبل رضی الله عنه؛ ح ۲۱۵۱]

### فواید حدیث:

- ۱- برترین چیزی که سزاوار است انسان درباره آن آگاه شود اسباب ورود به بهشت و دوری از آتش جهنم است زیرا آنکه وارد بهشت شده و از آتش جهنم نجات یابد پیروزی بزرگی به دست آورده است
- ۲- پرستش و عبادت الله به خاطر وارد شدن به بهشت و نجات از آتش جهنم امری پسندیده است و اینکه گفته می‌شود خداوند را نباید به اشتیاق بهشت و ترس از آتش جهنم عبادت کرد سخنی نادرست است.
- ۳- راه رسیدن به سعادت در اصل دشوار است ولی با توفیق و یاری خداوند آسان می‌شود
- ۴- یکتاپرستی رکن اول و اساس دینداری است و باید سرلوحه تمامی دعوت‌ها و سفارشات دینی باشد.
- ۵- اهمیت ارکان و پایه‌های اسلام برای خوشبختی
- ۶- پس از انجام فرایض و واجبات مهم‌ترین اعمالی که انسان را به الله تعالی نزدیک می‌کند: صدقه و روزه و نماز شب است زیرا از جمله اعمالی هستند که پنهانی بوده و کسی جز الله از آن با خبر نیست.
- ۷- بیان فضیلت نماز و جهاد
- ۸- بیان اهمیت حفظ زبان و گفتار و اینکه سخن نقش بزرگی در رفتار انسان دارد



۹- شخص عالم در صورتی که بداند توضیح بیشتر لازم است باید بر پاسخ بیافزاید همانگونه که پیامبر ﷺ در این حدیث چنین کرد.

\*\*      \*\*      \*\*

## حدیث سیام: پایبندی به قوانین شرع

عَنْ أَبِي ثَعْلَبَةَ الْحُسَيْنِيِّ: جُرْثُومُ بْنُ نَاشِرٍ رضي الله عنه عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ ﻋَﻠَيْكَ فَرَضَ فَرَائِضَ فَلَا تُضَيِّعُوهَا وَحَدَّ حُدُودًا فَلَا تَعْتَدُوهَا وَحَرَّمَ أَشْيَاءَ فَلَا تَنْتَهِكُوهَا وَسَكَتَ عَنْ أَشْيَاءَ رَحْمَةً لَكُمْ غَيْرَ نَسْيَانٍ فَلَا تَبْحَثُوا عَنْهَا». حدیث حسن رواه الدَّارِقُطْنِيُّ وَعَيْرُهُ<sup>۱</sup>.

### معرفی راوی:

- جرثوم بن ناشر الحسینی، ابو ثعلبه؛ صحابه‌ای که به کنیه‌اش - ابو ثعلبه - مشهور است
- درباره نام وی و نام پدرش اختلاف بسیاری وجود دارد. منسوب به بنی حُشَین است.
- از کسانی است که زیر درخت با رسول الله ﷺ بیعت نمودند.
- اولین بار هنگامی نزد رسول الله ﷺ آمد که ایشان در حال مجهز شدن برای غزوه خیبر بود پس اسلام آورده و همراه با رسول الله ﷺ در این غزوه شرکت کرد و از غنیمت سهمی به او عطا شد.
- رسول الله ﷺ وی را به سوی قومش فرستاد و آنها به دعوت او مسلمان شدند
- در شام و داریا سکونت گزید
- در ابتدای خلافت معاویه رضي الله عنه وفات یافت. گفته شده وفات وی در سال ۷۵ هجری بوده است.
- ۴۰ حدیث از پیامبر ﷺ روایت نموده است.

### کلمات جدید:

فَرَضَ: واجب کرده است

فَلَا تُضَيِّعُوهَا: پس آنها را تباه نکنید؛ یکی نسبت به آنها بی‌اهمیت نباشید

حَدَّ: مشخص کرده است. محدوده آن را تعیین نموده است

حُدُودًا: مرزهایی. محدوده‌ای.

فَلَا تَعْتَدُوهَا: از آنها تجاوز نکنید.

<sup>۱</sup> - دارقطنی (۱۸۳/۴-۱۸۴)، حاکم (۱۱۵/۴)، بیهقی در سنن الکبری (۱۲/۱۰) طبرانی در الکبیر (۲۲۲-۲۲۱/۲۲)

حَرَمٌ : حرام کرده است

فَلَا تَنْتَهِكُوهَا: پس آن را زیر پا نگذارید. حرمت اش را نشکنید.

سَكَّتَ : سکوت کرده است

نُسِيَانٌ : فراموشی

فَلَا تَبْحَثُوا عَنْهَا: آن را جستجو نکنید. پری آن نباشید

ترجمه حدیث:

از ابو ثعلبه خشنی ، جرثوم بن ناشر رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «همانا الله عز وجل فرائضی را فرض نموده است پس آنها را تباه نکنید و محدوده‌هایی را تعیین نموده پس از آن تجاوز نکنید و چیزهایی را حرام کرده است پس آنها را زیر پا نگذارید (انجام ندهید) و در باره چیزهایی به خاطر رحمت بر شما و نه فراموشی، سکوت نموده است پس در پی آنها نباشید»

اهمیت حدیث:

این حدیث از جوامع الکلم بوده و بسیار مختصر و شیوا است. ابن السمعانی می‌گوید: هر کس بدان عمل کند پاداش به چنگ آورده و از مجازات در امان مانده است.

شرح مختصر حدیث:

علمای حدیث در صحیح یا ضعیف بودن این حدیث اختلاف نظر دارند و به همین دلیل امام نووی رحمته الله به حسن بودن روایت دار قطنی اشاره نموده است؛ با این وجود علما بر صحیح بودن معنا و پذیرفتن مفاهیم آن اتفاق نظر دارند.

بر اساس این روایت، کارها در دین و شریعت اسلامی به چهار دسته یعنی فرایض ، محارم، حدود و مسکوت عنه تقسیم شده است که تمام جوانب را در بر می‌گیرد.

اگر از اختلاف نظر اصولی احناف با جمهور در زمینه تعریف فرض و واجب بگذریم می‌توان گفت که فرض یا واجب کاری است که انجام آن با وجود شروطش بر هر مسلمانی لازم است و سرپیچی از آن گناه به‌شمار آمده و موجب عذاب اخروی خواهد بود و از جمله واجبات می‌توان به نماز، روزه، حج، نیکی به پدر و مادر، ادای حقوق، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرد.

شاید بتوان از باب وجوب کلی، انجام هر کار نیک و دستور شرعی، حتی نوافل و مستحبات را نیز در این بخش جا داد زیرا نباید به آنها بی‌توجهی نمود بلکه به اندازه‌توان باید بدان عمل کرد. اما منظور از حرام، که نقطه مقابل فرض یا واجب است، هر کاری می‌باشد که انجام آن مستوجب لعن و نفرین خدا و رسولش بر انجام دهنده آن بشود یا حد و عقوبت دنیوی یا اخروی بر آن مترتب گردد و از انواع آن می‌توان: شرب خمر، ربا، ارتکاب زنا، سرقت، قتل، جادوگری، غیبت، تهمت، دروغگویی و خیانت را نام برد.

در این مورد نیز می‌توان مانند مستحبات به نقطه مقابل آن یعنی مکروهات اشاره کرد که با اینکه شریعت در نهی و دوری از آن شدتی به خرج نداده است ولی ترک آن را بهتر دانسته است و شخص مسلمان در حد توان باید از منهیات الهی دوری کند زیرا استمرار بر آن احتمال واقع شدن در منکر بزرگ (حرام) را بوجود می‌آورد.

اما منظور از حدود، مرزهای حلال و حرام است که در شریعت مشخص شده تا مسلمان بتواند حد مجاز استفاده از اختیارات خود را بداند و به همین دلیل در باب معاملات و ازدواج و طلاق و میراث و خون‌خواهی یا قصاص، پس از بیان حد مجاز و حلال، آشکارا هشدار داده شده که مبادا از این مرزها تجاوز کنید چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: ﴿تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ البقرة: ۲۲۹ «این است حدود احکام الهی؛ پس، از آن تجاوز مکنید. و کسانی که از حدود احکام الهی تجاوز کنند، آنان همان ستمکارانند»

اما منظور از امور و مسائلی که درباره آن سکوت شده است، اموری می‌باشند که شریعت اسلامی در عصر رسول الله ﷺ از بیان احکام متعلق به آن خودداری کرده است، و این به خاطر فراموشی نبوده چرا که فرمانروای علیم و حکیم بر همه چیز احاطه مطلق دارد، بلکه به خاطر رحمت و دلسوزی نسبت به بندگانش می‌باشد زیرا به دست آوردن همه علوم و معارف در یک زمان و یک محیط برای یک ملت محال است.

اکثر این احکام متعلق به اتفاقاتی است که رخ نداده یا چیزهایی که نیازی به بیان حکم آن نبوده است و در آن هنگام از جمله فرضیات و احتمالات بوده است و به همین دلیل شریعت از بیان حکم جزئی آنها سکوت کرده و فقط اصول و قواعد را بیان نموده است تا در وقت نیاز و به قدر حاجت، علماء و فقهای دین به جستجو و پژوهش در آن حکم پردازند.

تمامی این جزئیات نشانه جامع و شامل بودن شریعت اسلام است که توان و صلاحیت همیشگی بودن را دارا است و از سوی دیگر با واقع بینی، به بیان شریعت پرداخته و از نظریه پردازی و تئوری سازی خودداری کرده است.

پس می توان به صورت خلاصه گفت: شریعت اسلام دین الله است که برای همه انسان ها در هر زمان و مکانی کاربرد دارد.

### تخریج حدیث:

این حدیث را دارقطنی در کتاب سنن و امام طبرانی در کتاب جامع الکبیر و امام بیهقی در کتاب سنن کبری و امام حاکم در کتاب مستدرک روایت کرده اند.

[سنن الدارقطنی - الرضاع - الله عزوجل فرض فرائض؛ ح ۴۳۰] [المعجم الکبیر للطبرانی - باب اللام الف - لاشومة بن جرثوم - مکحول عن أبي ثعلبة؛ ح ۵۸۹] [السنن الکبری للبيهقي - کتاب الضحایا - باب ما حرم علی بنی اسرائیل ثم ورد علیه النسخ بشریعة نبینا محمد ﷺ؛ (۱۲/۱۰)] [المستدرک علی الصحیحین - کتاب الأطعمة - إن الله حد حدودا ..؛ ح (۱۱۵/۴)]

### فواید حدیث:

- ۱- آموزگار باید علم را با روشی زیبا و شیوه ای مرتب ارائه دهد.
- ۲- مسائل شریعت به چهار دسته تقسیم می شوند که عبارتند از: فرائض، محرمات، حدود، مسکوت عنه (چیزهایی که درباره آنها سکوت شده است)
- ۳- نفی فراموشی از الله ﷻ؛ خداوند متعال می فرماید: ﴿وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا﴾ مريم: ۶۴ «و پروردگارت هرگز فراموشکار نبوده است»
- ۴- موشکافی و پرسش و پیگیری امور کوچکی که سبب سخت گیری در دین می شود امری ناپسند بوده و شریعت از آن نهی کرده است.

۵- در مسائلی که شریعت درباره آنها سکوت کرده، بحث و جستجو روا نیست مگر در حالتی که نیاز بسیاری به استفاده از آن وجود دارد که در چنین حالتی به علما مراجعه می‌شود تا حکم مناسب را بنا بر شواهد و قرائن شرعی استنباط کنند.

\*\*      \*\*      \*\*

## حدیث سی و یکم: فضیلت زهد

عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ سَهْلِ بْنِ سَعْدِ السَّاعِدِيِّ رضي الله عنه قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وسلم فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ دَلَّنِي عَلَى عَمَلٍ إِذَا عَمِلْتُهُ أَحَبَّنِي اللَّهُ وَأَحَبَّنِي النَّاسُ ، فَقَالَ : «أَزْهَدْ فِي الدُّنْيَا يُحِبُّكَ» اللَّهُ وَأَزْهَدْ فِيمَا عِنْدَ النَّاسِ يُحِبُّكَ النَّاسُ». حدیث حسن رواه ابن ماجه و غيره بأسانيد حسنة<sup>۳</sup>.

### معرفی راوی:

- سهل بن سعد بن مالک ساعدی خزرجی انصاری؛ در ابتدا نامش حزن بود و رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم نام او را به سهل تغییر داد.
- در زمان وفات پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم ۱۵ سال داشت، عمر بسیاری کرد تا اینکه حجاج را دریافت و گفته شده آخرین صحابه‌ای است که در مدینه وفات یافته است.
- ۱۸۸ حدیث از پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم روایت نموده است.
- در سال ۸۸ هجری و گفته شده ۹۱ هجری در سن ۱۰۰ سالگی وفات یافت

### کلمات جدید:

دَلَّنِي: من را راهنمایی کن

أَحَبَّنِي: من را دوست بدارد

أَزْهَدْ: زهد پیشه کن. زهد یعنی رها کردن یک چیز به خاطر کوچک دانستن آن یا ترس از حساب

و مجازات

### ترجمه حدیث:

از ابو العباس، سهل بن سعد ساعدی رضي الله عنه روایت است که گفت: مردی نزد پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم آمده و گفت: ای رسول خدا، مرا به کاری راهنمایی کن که هرگاه انجامش دهم، الله مرا دوست بدارد و مردم مرا

<sup>۱</sup>- يُحِبُّكَ به ضم باء نیز صحیح است.

<sup>۲</sup>- يُحِبُّكَ به ضم باء نیز صحیح است.

<sup>۳</sup>- ابن ماجه (۴۱۰۲)، حاکم (۳۱۳/۴)، قضاعی در مسند الشهاب (۶۴۳)، طبرانی در الکبیر (۱۹۳/۶)

دوست داشته باشند. فرمود: «در دنیا زهد پیشه کن، الله تو را دوست می‌دارد، و به آنچه نزد مردم است چشمی نداشته باش، مردم تو را دوست می‌دارند»

### اهمیت حدیث:

این حدیث شامل دو سفارش از سفارشات بزرگ پیامبر ﷺ است که اولی زهد پیشه کردن در دنیا است که سبب به دست آوردن خوشنودی خداوند است و دوم عدم طمع به آنچه در دستان مردم است که سبب به دست آوردن محبت آنها است که این دو، خوشبختی دنیا و آخرت انسان را تضمین می‌کند و به همین دلیل است که ابن حجر هیتمی درباره این حدیث گفته است: این حدیث یکی از چهار حدیثی است که اسلام بر اساس آن حرکت می‌کند.

### شرح مختصر حدیث:

قرآن کریم بارها دنیا و خوشی‌های زائل آن را بی‌ارزش معرفی نموده و دنیا دوستان و دنیا پرستان را ذم و نکوهش کرده است. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ﴿۱۶﴾ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى ﴿۱۷﴾ الْأَعْلَى: ۱۶ و ۱۷ «لیکن [شما] زندگی دنیا را بر می‌گزینید؛ با آنکه [جهان] آخرت نیکوتر و پایدارتر است». همچنین فرموده: ﴿تُرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ﴿۶۷﴾ الْأَنْفَال: ۶۷ «شما متاع دنیا را می‌خواهید و خدا آخرت را می‌خواهد». همچنین فرموده است: ﴿وَفَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَعٌ ﴿۲۶﴾ الرَّعْد: ۲۶ «[ولی آنان] به زندگی دنیا شاد شده‌اند، و زندگی دنیا در [برابر] آخرت جز بهره‌ای [ناچیز] نیست» و بسیاری از آیات مشابه که به وصف حقیقت دنیا پرداخته و سعی بر آن دارد تا انسان‌ها را از فتنه و فساد در آن بازدارد؛ اما استفاده مثبت و مفید و خداپسندانه نه تنها نهی نشده بلکه بدان سفارش شده است.

در قرآن کریم می‌خوانیم: ﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ ﴿۳۲﴾ الْأَعْرَاف: ۳۲ «بگو: «زیورهای را که خدا برای بندگانش پدید آورده، و [نیز] روزیهای پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده؟» بگو: «این [نعمتها] در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند و روز قیامت [نیز] خاص آنان می‌باشد» همچنین می‌خوانیم: ﴿قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا ﴿۵۸﴾ يُونُس: ۵۸ «بگو: «به فضل و رحمت خداست که [مؤمنان] باید شاد شوند».

به همین دلیل زهد واقعی چنانکه علما می‌گویند یعنی: ترک آنچه در آخرت بدان نیازی نیست و این نشانه تقوی و ورع است و علامت محبت الله و آخرت می‌باشد.



زیرا زهد نسبت به دنیا محبت الله را به بار می آورد و انسان با آسودگی و آرامش بیشتری به عبادت و بندگی روی آورده و آخرت را طلب می کند در حالی که طالب دنیا همیشه مشغول دنیا بوده و از یاد الله و آخرت غافل می ماند.

از عارفی پرسیدند: آن کدام دنیاست که مورد ذم و نکوهش قرار گرفته تا عاقل از آن دوری کند؟ پاسخ داد: هر چیزی در دنیا به خاطر دنیا به دست می آید نکوهیده است و هر آنچه برای آخرت است نکوهیده نیست.

زهد دارای مراتبی است که عرفاء و علماء به شرح و بیان آن پرداخته اند که کمترین آن دوری از حرامها است و والاترین آن غافل نشدن از آخرت در به دست آوردن دنیا می باشد.

در بخش دوم حدیث راه به دست آوردن محبت مردم بیان شده که بسیار آسان است و تنها با عدم طمع و چشم داشت به دارایی مردم این امر به دست می آید زیرا کسی که چنین قانع و سپاسگزار باشد حتما مورد علاقه دیگران قرار می گیرد و همه او را دوست خواهند داشت.

واقعیت نشان می دهد که تمامی کینه و کدورتها، اختلافات و بگو مگوهای میان مردم ناشی از حرص و طمعها به دنیا است و به همین دلیل برای به دست آوردن محبت مردم باید این حرص و طمع را کنار گذاشت و تنها به حق خود اکتفا کرد به داشته های دیگران چشمی نداشت و این راه سلامت دل و آسودگی خاطر، و حفظ جان و مال و ناموس و عزت است.

امام حسن بصری رضی الله عنه می گوید: «مادامی که چشم به دست دیگران ندوخته ای، نزد آنها عزیز و با احترامی و مردم تو را گرامی می دارند».

به عربی از اهل بصره گفتند: حسن بصری چگونه اهل بصره را رهبری می کرد؟ پاسخ داد: مردم به علم اش نیازمند بودند در حالی که او از دنیاشان بی نیاز بود.

### تخریج حدیث:

این حدیث را ابن ماجه در سنن و حاکم در المستدرک و قضاعی در مسند الشهاب و طبرانی در المعجم الکبیر روایت کرده اند و شیخ البانی این حدیث را صحیح دانسته است.

[سنن ابن ماجه - کتاب الزهد - باب الزهد فی الدنیا؛ ح ۴۱۰۲] [المستدرک علی الصحیحین - کتاب الرقاق - ازهد فی

الدنیا؛ ۴/۳۱۳] [مسند الشهاب - جزء الثالث؛ ح ۶۴۳] [المعجم الکبیر للطبرانی - باب السین - من اسمه سهل؛ ح ۵۹۷۲]

## فواید حدیث:

- ۱- اشتیاق صحابه رضی الله عنهم به فهم مسائل مفیدی که خوشبختی دنیا و آخرت را در بر داشته باشد
- ۲- زهد در دنیا، محب الله نسبت به بنده را در بر دارد و آنکه به دنیا وابسته شود محبت الله را از دست می دهد چرا که دنیا را بر فرمان الله عزوجل مقدم داشته است
- ۳- رضایت به روزی حلال و عدم چشم داشت نسبت به دارایی های مردم، محبت آنها را جلب می کند
- ۴- اگر انسان از راه حلال تلاش کند تا محبت مردم را به دست آورد اشکالی ندارد و امری پسندیده است

\*\*      \*\*      \*\*

## حدیث سی و دوم: نهی از ضرر رساندن

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ سَعْدِ بْنِ مَالِكِ بْنِ سِنَانَِ الْخُدْرِيِّ رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَالَ: «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارًا».

حدیث حسن روای ابن ماجه والدارقطني وغيرهما مُسْنَدًا، ورواه مالك رضي الله عنه في الموطأ مُرْسَلًا عن عمرو بن يحيى عن أبيه عن النبي صلى الله عليه وآله مُرْسَلًا فَأَسْقَطَ أَبُو سَعِيدٍ. وله طُرُقٌ يَقْوَى بِبَعْضِهَا بِبَعْضٍ<sup>۱</sup>.

### معرفی راوی:

- ابو سعید سعد بن مالک بن سنان خدری، با کنیه اش مشهور است و از اصحاب بزرگوار و بافضیلت است که خودش و پدرش صحابه می باشند.
- پدرش در غزوه احد وفات یافت اما خودش اولین بار در غزوه خندق با رسول الله صلى الله عليه وآله شرکت داشت زیرا در غزوه احد کم سن و سال بود
- در ۱۲ غزوه همگام با پیامبر صلى الله عليه وآله حضور داشت و یکی از فقیه ترین اصحاب بود
- ۱۱۷۰ حدیث از پیامبر صلى الله عليه وآله روایت نموده و از مکتوبین می باشد
- روز جمعه در سن ۷۴ سالگی وفات یافته و در بقیع دفن شد.

### کلمات جدید:

ضَرَر: آسیب، زیان رساندن

ضِرَار: زیان رساندن به دیگری به قصد تلافی؛ برخی ها آن را با کلمه ضرر هم معنی می دانند ولی صحیح آن است که تفاوتی بین آن دو وجود دارد زیرا ضرر با صیغه مجرد یعنی اقدام به زیان رساندن به خود یا دیگری آمده و «ضرار» از باب تفاعل است یعنی مقابله با ضرر و رساندن زیان به دیگری است. و گفته شده ضرر ممکن است بدون قصد باشد ولی ضرار همراه با قصد است و گفته شده که ضرر چیزی است که طرف مقابل زیان می بیند و تو سود میبری و ضرار یعنی بی آنکه خودت سودی ببری به طرف مقابل زیان می رسانی.

<sup>۱</sup> - ابن ماجه (۲۳۴۰)، دارقطنی (۷۷/۳)، موطأ (۷۴۵/۲)

## ترجمه حدیث:

از ابو سعید، سعد بن مالک بن سنان خدری رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: « زیان رساندن (به خود و دیگری) و آسیب زدن به دیگری برای انتقام روا نیست»

## اهمیت حدیث:

ابوداود این حدیث را یکی از احادیثی بر شمرده که فقه بر گرد آن می‌چرخد

## شرح مختصر حدیث:

علما این حدیث را یکی از قواعد مهم دین و شریعت اسلام دانسته‌اند که موضوع مهمی را تأکید می‌کند و آن اینکه ضرر و زیان نباید باشد و به همین دلیل نه تنها ضرر رساندن به دیگران حرام است بلکه ضرر رساندن به خود نیز حرام است.

دین اسلام برای خوشبختی و آسایش انسان، قوانین مهمی را پایه‌ریزی کرده است که از جمله آن حرمت حریم شخصی دیگران و رعایت حقوق آنهاست و لذا هیچ کس حق ندارد به ناحق به مال، جان و ناموس دیگری تعدی کند همچنانکه در مورد خویش نیز چنین حقی را ندارد.

بر اساس این قاعده، هر نوع ضرری باید برطرف شود و بسیاری از معاملات بنا به همین قاعده فقهی حرام شده‌اند زیرا ضرر و زیان در آنها آشکار است و قاعده «الضرر یزال» بنا بر این حدیث وضع شده است.

همچنین اگر کسی مورد تعدی دیگری واقع شد، حق ندارد از راه نامشروع دست به انتقام بزند و در این مورد قاعده‌ای معروف وجود دارد که «الضرر لا یزال بالضرر» (ضرر بوسیله ضرر دفع نمی‌شود).

صدها فروع فقهی و مسائل جزئی از همین حدیث شریف برداشت شده است و حقیقتاً این حدیث یکی از قواعد مهم شریعت اسلام است.

## تخریج حدیث:

این حدیث را ابن ماجه در سنن از عبادة بن صامت و ابن عباس رضی الله عنهما، و حاکم در المستدرک و دارقطنی در سنن از ابو سعید خدری رضی الله عنه روایت کرده‌اند؛ و امام مالک در الموطأ این روایت را به صورت مرسل یعنی بدون ذکر نام صحابی روایت کرده است.

[سنن ابن ماجه - کتاب الأحکام - باب من بنی فی حقہ ما یضر بجارہ؛ ح ۲۳۴۰] [المستدرک علی الصحیحین - کتاب الحجر - باب الحجر علی البالغین بالسفہ؛ ۶/۶۹] [سنن الدارقطنی - کتاب البیوع - لا ضرر ولا ضرار؛ ۳/۷۷ ح ۳۰۶۰] [موطأ مالک بروایة أبي مصعب الزهري - کتاب الأفضیة - القضاء فی المرفق؛ ۲/۷۴۵ ح ۲۸۹۵]

### فواید حدیث:

- ۱- این حدیث بیانگر کمال شریعت اسلام و توجه به منافع انسان‌ها است
- ۲- حرام بودن زیان رساندن به دیگران و نهی از ستمگری
- ۳- مقابله با ضرر از راه ضرر حرام است بلکه باید از راه شرعی ضرر از بین برده شود
- ۴- وظایفی که خداوند برای بندگانش مشخص نموده به زیان آنها نیست
- ۵- دعوت به ایجاد الفت و محبت و برادری میان مسلمانان؛ چرا که این کار از لوازم دفع ضرر و زیان است
- ۶- قوانین اسلام، سلامتی و امنیت اجتماعی انسان‌ها را تضمین کرده است

\*\*      \*\*      \*\*

## حدیث سی و سوم: قضاوت در اسلام

عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رضی اللہ عنہما أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم قَالَ: «لَوْ يُعْطَى النَّاسُ بِدَعْوَاهُمْ لَادَّعَى رِجَالٌ أَمْوَالَ قَوْمٍ وَدِمَاءَهُمْ لَكِنِ الْبَيِّنَةُ عَلَى الْمُدَّعِيِ وَالْيَمِينُ عَلَى مَنْ أَنْكَرَ». حدیث حسن رواه البيهقي وغيره هكذا، وبعضه في الصحيحين<sup>۱</sup>.

### معرفی راوی:

عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب قریشی هاشمی؛ رجوع شود به حدیث نوزدهم

### کلمات جدید:

يُعْطَى: داده می شود

دَعْوَاهُمْ: ادعای شان، درخواست شان

ادَّعَى: ادعا می کرد، درخواست می نمود، برای خودش مباح می دانست

دِمَاءَهُمْ: خون هایشان، جان هایشان

الْبَيِّنَةُ: دلیل، گواه

الْمُدَّعِي: ادعا کننده علیه کسی، شاکی

الْيَمِينُ: سوگند، قسم

أَنْكَرَ: انکار کرد، حق دیگری علیه خود را انکار نمود. مُدَّعَى علیه.

### ترجمه حدیث:

از ابن عباس رضی اللہ عنہما روایت است که رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم فرمود: «اگر به مردم بر اساس ادعایشان داده می شد، قطعاً افرادی دارایی ها و جان های قومی را ادعا می کردند، ولی کسی که ادعا دارد باید دلیل آورد و آنکه انکار می کند باید سوگند بخورد».

<sup>۱</sup>- البيهقي (۲۵۲/۱۰) و نكا: صحيح البخاري (۴۵۵۲) و صحيح مسلم (۱۷۱۱) و صحيح ابن حبان (۵۰۸۲)

## اهمیت حدیث:

امام نووی رحمته الله می گوید: این حدیث قاعده‌ای بزرگ از قواعد احکام شریعت است و ابن دقیق العید رحمته الله می گوید: این حدیث اصلی از اصول احکام و بزرگ‌ترین مرجع هنگام کشمکش و دشمنی است.

## شرح مختصر حدیث:

این حدیث یکی از اصول قضاوت در اسلام را بیان می‌کند که در حل و فصل اختلافات میان مردم بسیار ضروری است و به همین دلیل علماء این حدیث را یکی از اصول و قواعد مهم قضاوت می‌دانند.

اسلام برای عاری بودن جامعه از بی‌نظمی و مراقبت از امنیت اجتماعی نهایت دقت را به خرج داده است، از جمله اینکه: در مورد هر شخصی اصل بر براءت ذمه است یعنی هر انسانی پاک از هر نوع اتهام و جرم است مگر آنکه خلاف آن ثابت شود و لذا بر مدعی مال و جان مردم لازم است که در محضر قاضی و حاکم و مسؤولین امنیتی و قضایی گواه و دلیل روشن یا قرینه و حجتی پیش کند و در غیر اینصورت ادعایش مردود است و شخص متهم اگر به پاکی و براءت خود اطمینان دارد باید در محضر قاضی سوگند یاد کرده و بی‌گناهی خود را ثابت کند.

اگر مدعی دلیلی روشن و آشکار آورد قاضی به نفع او حکم می‌کند و دیگر به سوگند مدعی علیه توجهی نمی‌کند حتی اگر غلیظ‌ترین سوگندها را یاد کند.

اما تعداد شاهد یا نوع گواه و دلیل، بستگی به دعوی و قضیه دارد و لذا قاضی باید جزئیات قضاوت را کاملاً بداند و بر انواع آن اطلاع کافی داشته باشد.

از آداب سوگند خوردن این است که هرگاه شخص مدعی علیه می‌خواست سوگند یاد کند مستحب است که قاضی پیش از سوگند وی را پند و اندرز داده و از سوگند دروغ بترساند.

همچنین باید توجه داشت که قاضی نباید بر اساس علم خودش قضاوت کند بلکه باید به دلایل و حجت‌های آشکار توجه نماید حتی اگر مخالف با چیزی بود که از آن آگاه است و حکمتش این است که از ظلم و فساد جلوگیری شود و قاضی با ادعای آگاهی از حقیقت امر، توان ظلم و ستم به مردم و مجازات آنها بر اساس ظن و گمان را نداشته باشد. همچنین برای این است که امر قضاوت از شک و شبهه به دور بوده و قاضی به جانبداری متهم نشود.

نکته دیگری که باید به آن توجه کرد این است که حکم قاضی، حلال را حرام و یا حرام را حرام نمی‌کند و کسی که می‌داند قاضی به اشتباه به نفع او قضاوت نموده باید از آن چیز بپرهیزد چرا که با حکم قاضی ناحق به حق مبدل نخواهد شد؛ رسول الله ﷺ فرموده است: «فَمَنْ قَضَيْتُ لَهُ بِحَقِّ أَخِيهِ شَيْئًا بِقَوْلِهِ فَإِنَّمَا أَقْطَعُ لَهُ قِطْعَةً مِنَ النَّارِ، فَلَا يَأْخُذْهَا» متفق علیه<sup>۱</sup> (پس هر کس که حق برادرش را بر اساس گفته‌اش به او دادم در واقع پاره‌ای از آتش را به او داده‌ام و نباید آن را برگیرد)

### تخریج حدیث:

این روایت را امام ابوبکر بیهقی رحمته الله در کتابش به نام سنن روایت کرده است و امام ابن حجر عسقلانی رحمته الله آن را با این سند حسن می‌داند. اصل این حدیث با لفظ دیگری در صحیح بخاری و صحیح مسلم وجود دارد بنابراین حدیث مقبول است و بدان عمل می‌شود.

[السنن الصغیر للبيهقي - كتاب الدعوى والبيّنات - باب البيّنة على المدعي واليمين على من أنكر؛ ۲۵۲/۱۰ ح ۴۷۱۵]

[صحیح البخاری - کتاب تفسیر القرآن - سورة آل عمران - باب إن الذين يشترون بعهد الله وأيمانهم ثمنا قليلا أولئك

لاخلاق لهم؛ ح ۴۵۵۲] [صحیح مسلم - کتاب الأفضیة - باب اليمين على المدعى علیه؛ ح ۱۷۱۱]

### فواید حدیث:

- ۱- شریعت اسلامی برای حمایت از دارایی‌ها و جان مردم آمده است
- ۲- ادعای بدون دلیل ارزشی ندارد و پذیرفته نمی‌شود ولی اگر حجت و گواه در اختیار داشته باشد قاضی بر اساس آن حکم می‌کند
- ۳- اگر مدعی علیه، اتهام را نپذیرفت شخص مدعی باید دلیل بیاورد.
- ۴- در صورت نبودن شاهد و حجت برای مدعی یا پذیرفته نشدن دلایل وی، مدعی علیه باید برای تبرئه خود سوگند بخورد.
- ۵- دین اسلام، انسان‌ها را بر اساس بزرگداشت الله و در نظر گرفتن وی تربیت کرده است و به همین دلیل سوگند مدعی علیه را می‌پذیرد.
- ۶- هنگام صادر کردن حکم و قضاوت میان اشخاص در شریعت اسلامی به دلایل آشکار عمل می‌شود و به گمان هر چند هم قوی باشد عمل نمی‌شود

<sup>۱</sup> - صحیح البخاری (۲۶۸۰) صحیح مسلم (۱۷۱۴)



۷- اصل این است که انسان از هر تهمتی پاک است مگر اینکه خلاف آن با دلیل ثابت شود

\*\* \*\* \*

## حدیث سی و چهارم: تغییر منکر

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رضي الله عنه قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ وَذَلِكَ أَضْعَفُ الْإِيمَانِ». رواه مسلم<sup>۱</sup>.

### معرفی راوی:

ابو سعید سعد بن مالک بن سنان خدری؛ رجوع شود به حدیث سی و دوم

### کلمات جدید:

مُنْكَرًا: به هر ترک واجب یا انجام گناهی منکر گفته می‌شود

فَلْيُغَيِّرْهُ: پس باید آن را تغییر دهد

بِيَدِهِ: بوسیله دست‌اش، به صورت عملی،

بِلِسَانِهِ: با زبانش، یعنی با سخن انکار کند

بِقَلْبِهِ: با دلش. یعنی در دلش آن را نپسندد و بدان راضی نباشد

أَضْعَفُ: سست‌ترین، ضعیف‌ترین

### ترجمه حدیث:

از ابو سعید خدری رضي الله عنه روایت که گفت: از رسول الله ﷺ شنیدم که می‌فرمود: «هر یک از شما منکری دید باید با دستش آن را تغییر دهد، پس اگر نتوانست با زبانش پس اگر نتوانست با دلش (آن را بد بداند) و این سست‌ترین (درجه) ایمان است»

### اهمیت حدیث:

این حدیث قاعده‌ای مهم در زمینه امر به معروف و نهی از منکر و وظیفه مسلمان در این زمینه، می‌باشد.

<sup>۱</sup> - صحیح مسلم (۴۹)

## شرح مختصر حدیث:

این حدیث یکی از مهمترین احادیث در اصول دعوت است که هر مسلمانی باید آن را بداند و رعایت کند تا بتواند در انجام امر به معروف و نهی از منکر درست عمل کند.

در این حدیث انکار منکر و باز داشتن از ارتکاب آن و سعی در برطرف ساختن آن از جمله ایمان دانسته شده است و مؤمن را صاحب همت و غیرت اسلامی معرفی می کند که با ضمیری بیدار در صدد اصلاح جامعه برمی آید ولی توان و موقعیت خود را نیز در نظر می گیرد تا بتواند درست عمل کند و به جای اصلاح، فساد نکند. به همین دلیل باید به خوبی جایگاهها و موقعیتها را شناخت و به اصطلاح علماء شخص دعوتگر باید از فقه دعوت آگاه باشد.

پیامبر ﷺ انکار منکر را وظیفه هر مسلمانی معرفی می کند و شناخت و مشاهده منکر را شرط اقدام برای انکار آن دانسته است تا مبدا کار به تجسس در امور مردم بکشد و هدف باید تنها اصلاح جامعه باشد.

همچنین نباید در انکار منکر و بدی درنگ کرد تا ارتکاب و مشاهده آن عادت نشود. مراحل انکار منکر در این حدیث سه چیز است که از انکار منکر با دست و امکانات لازم شروع می شود و اگر چنین امکانی وجود نداشت با انکار زبانی در صدد بیان این منکر و نهی او از انجام آن برمی آید تا شخص به خود آید و بداند که کارش ناپسند است و اگر این امکان را نداشت در دل خودش آن را ناپسند بداند تا حداقل خود را از انجام آن محافظت نموده و محبت زشتیها سبب نشود خودش نیز به مرور زمان مرتکب آن شود.

قطعا اینکه پیامبر ﷺ برای آخرین مرحله انکار، عبارت «أضعف الإیمان» را به کار برده است، بیانگر مفهوم ویژه ای است و آن اینکه مسلمان نباید نسبت به جامعه بی تفاوت باشد و تنها مصلحت خویش را در نظر بگیرد، بلکه اصلاح جامعه لازمه خوشبختی و صلاح خودش و خانواده اش است و لذا باید در انکار منکر همت گمارد ولی با بهره گیری از بصیرت و حکمت و درایت.

امر کننده به معروف و نهی کننده از منکر باید حداقل دارای این شروط باشد:

۱- معروف و منکر را خوب بشناسد.

۲- منکری که آشکار است و یا نشانه‌هایش وجود دارد و نمایان است را انکار کند و در صدد تجسس و تفحص در احوال مردم بر نیاید.

۴- حکمت و ادب انکار را بداند و با شیوه مناسب اقدام نماید

۵- جایگاه هر شخص را تشخیص دهد و با هر کس به شیوه خاص خود عمل نماید.

۶- توان و موقعیت خود را در نظر بگیرد.

۷- پیش از هر چیز اخلاص و رضایت حق را در نظر بگیرد و قصد افشاء منکر و رسوا کردن

دیگران را نداشته باشد.

### تخریج حدیث:

این حدیث را امام مسلم در صحیح و امام ترمذی در جامع و امام ابوداود و امام نسائی و امام ابن ماجه در سنن و امام احمد در مسند روایت کرده‌اند.

[صحیح مسلم - کتاب الإیمان - باب بَيَانِ أَنْ تَتَّبِعِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ مِنَ الْإِيمَانِ وَأَنَّ الْإِيمَانَ يَزِيدُ وَيَنْقُصُ؛ ح ۴۹] [جامع الترمذی - کتاب الْفِتَنِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - باب مَا جَاءَ فِي تَغْيِيرِ الْمُنْكَرِ بِالْيَدِ أَوْ بِاللِّسَانِ أَوْ بِالْقَلْبِ؛ ح ۲۱۷۲] [سنن أبي داود - کتاب الصَّلَاةِ - باب الخطبة يوم العيد؛ ح ۱۱۴۰] [سنن النسائي - کتاب الإیمان وَشَرَائِعِهِ - باب تفاضل أهل الإیمان؛ ح ۵۰۰۸] [سنن ابن ماجه - کتاب إِقَامَةِ الصَّلَاةِ وَالسُّنَّةِ فِيهَا - باب ما جاء في صلاة العیدین؛ ح ۱۲۷۵] [مسند أحمد - باقی مُسْنَدِ الْمُكْتَرِبِينَ - مسند أبي سعيد الخدري رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ؛ ح ۶۸۹ و ۹۳۵ و ۱۰۶۸ و ۱۱۰۰ و ۱۱۲۲ و ۱۱۴۶۶]

### فوائد حدیث:

۱- بیان واجب بودن امر به معروف و نهی از منکر در حد توانایی شخص

۲- امر به معروف و نهی از منکر نشانه ایمان است

۳- تمامی مسلمانان باید نسبت به برادران و خواهران خویش و افراد جامعه مسئولیت پذیر باشند

۴- مردم از نظر ایمان متفاوت هستند؛ ایمان برخی قوی و برخی ضعیف‌تر است

۵- دین اسلام افراد را بر اساس توانایی‌شان مکلف می‌کند.

## حدیث سی و پنجم: برادری اسلامی و حقوق مسلمان

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «لَا تَحَاسَدُوا وَلَا تَنَاجَشُوا وَلَا تَبَاغَضُوا وَلَا تَدَابَرُوا، وَلَا يَبِعْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَيْعِ بَعْضٍ وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا. الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يَخْذُلُهُ وَلَا يَكْذِبُهُ وَلَا يَحْقِرُهُ. التَّقْوَى هَهُنَا». وَيُشِيرُ إِلَى صَدْرِهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ «بِحَسْبِ أَمْرِي مِنَ الشَّرِّ أَنْ يَحْقِرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ، كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ دَمُهُ وَمَالُهُ وَعِرْضُهُ». رواه مسلم<sup>۳</sup>

معرفی راوی:

ابوهریره رضي الله عنه؛ رجوع شود به حدیث نهم.

کلمات جدید:

لَا تَحَاسَدُوا: به یکدیگر حسد نوزید. نسبت به یکدیگر رشک نبرید. حسادت یعنی آرزوی از بین رفتن نعمتی که دیگری در اختیار دارد

لَا تَنَاجَشُوا: نجش در لغت به معنای فریب، تحریک و بالا بردن است و در شرع یعنی: بالا بردن قیمت چیزی که شخص قصد خرید آن را ندارد و این کار را برای فریب و تحریک دیگری برای خرید آن انجام می‌دهد.

لَا تَبَاغَضُوا: از یکدیگر خشمگین و غضبناک نشوید. منظور خشمی است که به خاطر هوای نفس و دنیا باشد اما خشم و غضبی که به خاطر حق و هتک حرمت و مقدسات دینی است در مواردی واجب نیز می‌شود.

لَا تَدَابَرُوا: به یکدیگر پشت نکنید. از یکدیگر رویگردان نشوید

لَا يَبِعْ: نفروشد، نباید معامله کند

<sup>۱</sup> - در صحیح مسلم «ولا يكذب» وجود ندارد ولی مؤلف آن را در «باب الإشارات» اعراب گذاری کرده است

<sup>۲</sup> - در نسخه‌های خطی ثلاث مرار آمده است و ولی در صحیح مسلم «ثلاث مرّات» است.

<sup>۳</sup> - صحیح مسلم (۲۵۶۴)

لَا يَبِيعُ بَعْضُكُمْ عَلَى بَيْعِ بَعْضٍ: برخی از شما بر معامله برخی دیگر معامله نکند مانند اینکه به شخصی که کالایی خریده بگوید این معامله را فسخ کن من به قیمت ارزان‌تری به تومی فروشم.

لَا يَحْذُلُهُ: او را خوار و ذلیل نمی‌کند

لَا يَحْقِرُهُ: او را حقیر و کوچک نمی‌شمارد، تحقیرش نمی‌کند

يُشِيرُ: اشاره می‌کند

ثَلَاثَ مَرَّاتٍ: سه بار

بِحَسْبٍ: کافی است

**ترجمه حدیث:**

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «به یکدیگر حسد نورزید و یکدیگر را فریب ندهید و از یکدیگر خشم نگیرید و به یکدیگر پشت نکنید و برخی بر معامله برخی دیگر معامله نکند و بندگان الله و برادر وار باشید.

مسلمان برادر مسلمان است، به او ستم نکرده و خوارش نمی‌کند و به وی دروغ نمی‌گوید و تحقیرش نمی‌کند. تقوا اینجاست» و سه بار به سینه‌اش اشاره نموده. «برای شخص از بدی همین بس که برادر مسلمانش را خوار بشمارد. خون و دارایی و ناموس هر مسلمان بر مسلمان دیگر حرام است»

**اهمیت حدیث:**

امام نووی رحمته الله در کتابش اذکار درباره این حدیث می‌گوید: چقدر نفع این حدیث بزرگ و فوایدش بسیار است.

ابن حجر هیتمی رحمته الله می‌گوید: حدیثی پر فایده است که به تمامی مبادی و اهداف اشاره می‌کند، بلکه اگر در معنای این حدیث تفکر شده و هدفش دانسته شود لفظ و مفهوم آن در برگزیده تمامی احکام اسلام است و همچنین به شکل مستقیم و غیر مستقیم شامل تمامی آداب می‌باشد.

## شرح مختصر حدیث:

این حدیث اصول اخلاقی و روابط اجتماعی بسیار مهمی را برای جامعه اسلامی ترسیم کرده و مسلمانان را به رعایت آن دعوت و سفارش می‌نماید.

بعضی از برخوردها و اخلاقیات نازیبای مردم نسبت به یکدیگر که باعث کینه و نفرت و کدورت بین افراد جامعه می‌شود شدیداً مورد نکوهش قرار گرفته است مانند: حسد ورزیدن که به معنای آرزوی زوال نعمت دیگران است همچنین نجش که نوعی فریب است و شخص با فروشنده توافق کرده و برای آنکه کالای او را رواج داده و گران‌تر از حد معمول جلوه دهد خودش را خریدار نشان داده و قیمت کالا را بالاتر از ارزش واقعی آن اعلام می‌کند، تا دیگران را بفریبد که این کار نیز نوعی خیانت آشکار به اصل برادری اسلامی است. همچنین بی‌تفاوتی به نصیحت‌های برادرانه و پشت کردن به یکدیگر مورد نکوهش است. همچنانکه برهم زدن معامله دیگری از راه کم فروشی و شیوه‌های مختلف ممنوع شده تا این کار روابط نیک مسلمانان یک جامعه را از بین نبرد.

بلکه دعوت به بندگی الله در سایه برادری صادقانه ندای پیامبر اسلام ﷺ به هر مسلمان است.

تحقیر مسلمان به هر شیوه و اسلوبی که باشد مردود است زیرا کسی از تقوای دیگری که در قلب اوست خبر ندارد، چه بسا انسان تحقیر شده در جامعه، نزد الله بسیار محبوب‌تر و با تقواتر از تحقیر کننده باشد؛ در نتیجه تحقیر و کوچک شمردن دیگران نوعی شر و فساد تلقی شده است که همین کار برای زیر سؤال بردن صاحبش در میزان اخلاق اسلامی کافی است.

مسلمان حرمت و احترام خاصی دارد و لذا جان و مال و ناموس‌اش در جامعه اسلامی باید از طرف همه مسلمانان مصون و محفوظ باشد تا برادری اسلامی معنی پیدا کند و در غیر این صورت بی‌معنی خواهد بود.

## تخریج حدیث:

این حدیث را امام مسلم در صحیح و امام احمد در مسند روایت کرده‌اند.

[صحیح مسلم - کتاب البرِّ وَالصَّلَةِ وَالْأَدَابِ - بَابُ تَحْرِيمِ ظُلْمِ الْمُسْلِمِ وَخَذْلِهِ وَاحْتِقَارِهِ وَدَمِيهِ وَعَرْضِهِ وَمَالِهِ؛ ح ۲۵۶۴]

[مسند احمد - باقی مُسْنَدِ الْمُكْتَرِبِينَ - مسند أبي هريرة رضي الله عنه؛ ح ۷۶۷۰]

## فواید حدیث:

- ۱- حرام بودن حسادت ، خیانت در معاملات و هر آنچه در رابطه برادری خلی ایجاد کند و سبب کینه و دشمنی شود
- ۲- نهی از خشم و غضب در باطل
- ۳- نهی از ظلم و ستم و تحقیر و دروغ گفتن به برادر مسلمان
- ۴- بیان خطرناک بودن حقیر شمردن مسلمان و برتر دانستن خود بر او و اینکه این امر از بدترین گناهان و زشت ترین بدی ها است.
- ۵- وسیله سنجش برتری میان انسان ها تقوا و پرهیزکاری است همانگونه که الله ﷻ فرموده: ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَنْفَتَكُمْ﴾ الحجرات: ۱۳
- ۶- محل تقوی قلب است و از ظاهر اشخاص نمی توان آن را دریافت.
- ۷- حرام بودن تجاوز به جان و مال و ناموس مسلمانان

\*\*\*      \*\*      \*\*\*



## حدیث سی و ششم: فضیلت یاری مسلمان و آموختن دانش

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ نَفَسَ عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ الدُّنْيَا نَفَسَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ يَسَّرَ عَلَى مُعْسِرٍ، يَسَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا سَتَرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ وَاللَّهُ فِي عَوْنِ الْعَبْدِ مَا كَانَ الْعَبْدُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ، وَمَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَلْتَمِسُ فِيهِ عِلْمًا سَهَّلَ اللَّهُ لَهُ بِهِ طَرِيقًا إِلَى الْجَنَّةِ، وَمَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ فِي بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ اللَّهِ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَيَتَدَارَسُونَهُ بَيْنَهُمْ إِلَّا نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ وَغَشِيَتْهُمُ الرَّحْمَةُ وَحَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ وَذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ. وَمَنْ بَطَأَ بِهِ عَمَلُهُ لَمْ يُسْرِعْ بِهِ نَسَبُهُ». رواه مسلم بهذا اللفظ<sup>۱</sup>.

معرفی راوی:

ابوهریره رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ؛ رجوع شود به حدیث نهم.

کلمات جدید:

نَفَسَ: دور کند، رفع کند

كُرْبَةً: مصیبت، سختی بزرگی که همراه با غم و اندوه است

يَسَّرَ: آسان کند

مُعْسِرٍ: کسی که در سختی است مانند بدهکاری که توان پرداخت بدهکاری اش را ندارد

سَتَرَ: پوشاند، پرده پوشی کرد

عَوْنِ: یاری

سَلَكَ: پیمود

يَلْتَمِسُ: در پی به دست آوردن باشد، طلب می کند

سَهَّلَ: آسان کرد

<sup>۱</sup> - مسلم (۲۶۹۹)

به: به سبب آن

يَتَدَارِسُونَهُ: با یکدیگر آن را می‌خوانند و به همدیگر آموزش می‌دهند

السَّكِينَةُ: آرامش

عَشِيَّتَهُمْ: آنها را فرا می‌گیرد، می‌پوشاند

حَقَّتْهُمْ: آنها را احاطه می‌کند، آنها را در بر می‌گیرد

ذَكَرَهُمُ اللَّهُ: الله آنها را یاد می‌کند

بَطَّأً: عقب انداخت

لَمْ يُسْرِعْ: به پیش نمی‌برد

**ترجمه حدیث:**

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که مشکلی از مشکلات مؤمنی را در دنیا گشود، الله مشکلی از مشکلات آخرت او را می‌گشاید، و کسی که بر تنگدستی آسان گرفت، الله در دنیا و آخرت بر او آسان می‌گیرد و کسی که مسلمانی را در دنیا پوشاند، الله او را در دنیا و آخرت می‌پوشاند. و الله بنده‌اش را یاری می‌کند تا زمانی که او در حال یاری برادرش است و کسی که برای به دست آوردن دانشی راهی را پیمود، الله راهی به سوی بهشت را برایش هموار می‌سازد. و هیچ گروهی در خانه‌ای از خانه‌های الله برای تلاوت و آموزش به یکدیگر جمع نمی‌شوند مگر اینکه آرامش بر آنها فرود آمده و رحمت آنها را فراگرفته و فرشتگان آنها را احاطه می‌کنند و الله نام آنها را در میان کسانی که نزدش هستند می‌برد و کسی که کردارش او را به عقب انداخت نسب‌اش او را به پیش نمی‌اندازد».

**اهمیت حدیث:**

امام نووی رحمته الله در شرح صحیح مسلم می‌گوید: حدیثی با عظمت است که انواع علوم و قواعد و آداب را در بر دارد.

## شرح مختصر حدیث:

این حدیث شریف با عبارتها و الفاظ دیگری نیز نقل شده است که به تعاون و همکاری مسلمانان در امور و کارهای روزمره و رفع نیازمندی‌های یکدیگر تشویق و ترغیب کرده و رابطه مسلمانان را با سایر نیازمندان جامعه قوی و مستحکم می‌سازد.

سختی‌ها و مصیبت‌ها و مشکلات بسیاری از افراد جامعه اسلامی را باید مؤمنانی حل کنند که به آخرت اعتقاد دارند و به پاداش الهی امیدوارند و به همین دلیل در رفع سختی‌های دیگران، باید سختی‌های آخرت را تصور کرد که هرکس در فکر رفع آن است. همچنین باید آسان نمودن مشکل کسی یا آسان گرفتن بر او را با سایر مشکلات دنیا و آخرت مقایسه کرد که همیشه در صدد آسان کردن آن هستیم. در پوشاندن مسلمانی برهنه که توان مالی‌اش ضعیف است باید پوشش و عافیت دنیا و آخرت را به یاد داشت که هرکس در پی آن است

همچنین باید یقین داشته باشیم که هر نوع یاری و کمک رساندن مسلمان به برادرش از سوی الله - تبارک و تعالی - بی‌پاسخ نخواهد ماند بلکه الله او را در کارهایش یاری خواهد کرد.

تمام این موارد از نوع (الجزء من جنس العمل) است یعنی پاداش هر کاری از جنس همان کار است و هرچه بکاری همان درو می‌کفی.

از اینجا می‌توان به عظمت نظام اجتماعی اسلام پی برد که چه زیبا و ساده بنای تعاون و همکاری افراد جامعه اسلامی را ترسیم نموده است.

همچنین نباید علم و دانش که راهنمای انسان به سوی تمام این کارهای نیک است را فراموش کنیم چرا که پیش از انجام هر کاری باید نسبت به آن آگاهی و علم داشت و به همین دلیل رسول الله ﷺ فرموده: «کسی که برای به دست آوردن دانشی راهی را پیمود، الله راهی به سوی بهشت را برایش هموار می‌سازد» و از آنجایی که قرآن سرچشمه هر علم سودمندی است، خواندن و آموزش و گفتگو پیرامون آن از بهترین مجالس علم است که رسول الله ﷺ فواید چهارگانه آن را چنین بیان می‌کند: «و هیچ گروهی در خانه‌ای از خانه‌های الله برای تلاوت و آموزش به یکدیگر جمع نمی‌شوند مگر اینکه آرامش بر آنها فرود آمده و رحمت آنها را فرا گرفته و فرشتگان آنها را احاطه می‌کنند و الله نام آنها را در میان کسانی که نزدش هستند می‌برد» و رسیدن به این فضایل تنها با تلاش و کوشش شخص به دست می‌آید و اصل و نسب برای کسانی که سستی و تنبلی را پیشه کرده و در انجام کارهای نیک تلاش نمی‌کنند هیچ سودی نخواهد داشت.

## تخریج حدیث:

این حدیث را امام مسلم و امام احمد و امام ترمذی روایت کرده‌اند.

[صحیح مسلم - كِتَابُ الذِّكْرِ وَالِدُعَاءِ وَالتَّوْبَةِ وَالِاسْتِغْفَارِ - بَابُ فَضْلِ الْاجْتِمَاعِ عَلَى تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَعَلَى الذِّكْرِ؛ ح ۲۶۹۹]  
[مسند احمد - باقی مُسْنَدِ الْمُكْتَرِبِينَ - مسند أبي هريرة رضي الله عنه؛ ح ۷۳۷۹] [جامع الترمذی - كِتَابُ الْحُدُودِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - بَابُ مَا جَاءَ فِي السَّئْرِ عَلَى الْمُسْلِمِ؛ ح ۱۴۲۵]

## فواید حدیث:

- ۱- نظام اجتماعی اسلام، ساده، فراگیر و گسترده است به طوری که تمامی جوانب حیات انسانی را در بر می‌گیرد.
- ۲- فضیلت برآورده ساختن نیازهای مسلمانان در حد امکان از جمله دانش و مال و نصیحت یا راهنمایی به نیکی و یاری یا دعای پنهانی برای آنها
- ۳- پاداش هر کار از جنس همان کار است و کسی که مشکلی را از مسلمانی برطرف کند پاداش کارش برطرف شدن مشکل خودش است.
- ۴- فضیلت آسان‌گیری بر مسلمانان به‌ویژه کسانی که در سختی و مشکلات به سر می‌برند.
- ۵- تشویق به پوشاندن عیب دیگران
- ۶- فضیلت فراگیری علم و دانش و اینکه این عمل یکی از اسباب وارد شدن به بهشت است.
- ۷- آموزش قرآن کریم بهترین راه کسب و انتشار علم است و مجالس آن بهترین مجالس علمی است.
- ۸- اصل و نسب بدون کردار نیک نزد الله متعال ارزشی ندارد و سودی به صاحبش نمی‌رساند

\*\*      \*\*      \*\*

## حدیث سی و هفتم: نوشتن نیکی‌ها و بدی‌ها

عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رضی الله عنهما عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فِيمَا يَرُوي عَنْ رَبِّهِ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى كَتَبَ الْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ ، ثُمَّ بَيَّنَ ذَلِكَ. فَمَنْ هَمَّ بِحَسَنَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا كَتَبَهَا اللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنَةً كَامِلَةً ، وَإِنْ هَمَّ بِهَا فَعَمِلَهَا كَتَبَهَا اللَّهُ عِنْدَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ إِلَى سَبْعِ مِئَةٍ ضِعْفٍ إِلَى أَضْعَافٍ كَثِيرَةٍ. وَإِنْ هَمَّ بِسَيِّئَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا كَتَبَهَا اللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنَةً كَامِلَةً ، وَإِنْ هَمَّ بِهَا فَعَمِلَهَا كَتَبَهَا اللَّهُ سَيِّئَةً وَاحِدَةً». رواه البخاري ومسلم في صحيحَيْهِمَا بهذه الحروف<sup>١</sup>.

فَانظُرْ يَا أَخِي وَقَفْنَا اللَّهُ وَإِيَّاكَ إِلَى عِظَمِ لُطْفِ اللَّهِ تَعَالَى ، وَتَأَمَّلْ هَذِهِ الْأَلْفَافَ.

وَقَوْلُهُ : «عِنْدَهُ» إِشَارَةٌ إِلَى الْإِعْتِنَاءِ بِهَا. وَقَوْلُهُ: «كَامِلَةً» لِلتَّوَكُّيدِ وَشِدَّةِ الْإِعْتِنَاءِ بِهَا.

وَقَالَ فِي السَّيِّئَةِ الَّتِي هَمَّ بِهَا ثُمَّ تَرَكَهَا: «كَتَبَهَا اللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنَةً كَامِلَةً» فَأَكَّدَهَا بِ (كَامِلَةً) ، وَإِنْ عَمِلَهَا .. كَتَبَهَا اللَّهُ سَيِّئَةً وَاحِدَةً<sup>٢</sup> ، فَأَكَّدَ تَقْلِيلَهَا بِ (وَاحِدَةً) وَلَمْ يُؤَكِّدْهَا بِ (كَامِلَةً).

فَلِلَّهِ الْحَمْدُ وَالْمِنَّةُ ، سُبْحَانَهُ لَا نُحْصِي ثَنَاءً عَلَيْهِ ، وَبِاللَّهِ التَّوْفِيقُ.

معرفی راوی:

عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب قریشی هاشمی رضی الله عنهما ؛ رجوع شود به حدیث نوزدهم.

کلمات جدید:

کَتَبَ: نوشت. در اینجا منظور نوشته شدن کردار انسان توسط فرشتگان است.

الْحَسَنَاتِ: نیکی‌ها و خوبی‌ها

السَّيِّئَاتِ: گناهان و بدی‌ها

بَيَّنَ: آشکار کرد. جزئیاتش را بیان کرد

هَمَّ: قصد کرد. اراده کرد

<sup>١</sup> - البخاري (٦٤٩١) ، مسلم (١٣١)

<sup>٢</sup> - در برخی از نسخه‌های اربعین « وَفَقَّنِي اللَّهُ » به جای « وَفَقَّنَا اللَّهُ » آمده و «عظيم» به جای « عَظِيمٌ » ذکر شده است.

<sup>٣</sup> - در برخی از نسخه‌ها چنین است: « كَتَبَهَا سَيِّئَةً وَاحِدَةً »

ضَعْفٍ: برابر. أَضْعَافٍ: چند برابر

### ترجمه حدیث:

ابن عباس رضی الله عنهما روایت است از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت می کند که ایشان از پروردگارش - تبارک و تعالی - نقل کرده که فرمود: « همانا الله - متعال - نیکی ها و بدی ها را نوشته است (مشخص نموده است) سپس آن را توضیح داد: پس کسی که قصد کار نیکی کند و آن را انجام ندهد، الله آن (قصد نیک) را نزد خویش یک نیکی کامل می نویسد و اگر قصد آن را کرده و انجامش دهد، الله آن را نزد خویش ده نیکی تا هفتصد برابر و یا بیشتر می نویسد.

و اگر قصد کار بدی کند و آن را انجام ندهد الله آن را یک نیکی کامل برایش می نویسد و اگر قصد انجام آن را کرده و انجامش دهد خداوند آن را یک بدی می نویسد»

امام نووی رحمته الله می گوید: «پس ای برادرم - الله ما و شما را توفیق دهد - به بزرگی لطف الله متعال بنگر و در این الفاظ تفکر کن. به سخنش «عنده» (نزد او) که اشاره به توجه به آن دارد.

و سخنش: «کامله» که برای تأکید و توجه بسیار به آن آمده است.

و درباره بدی که قصدش را کرده سپس رهایش نموده است فرموده: « كَتَبَهَا اللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنَةً كَامِلَةً » که آن را با «کامله» تأکید نموده است، و اگر آن را انجام دهد الله برایش یک بدی می نویسد که اندک بودن آن را با کلمه «واحدة» بیان نموده و با «کامله» آن را تأکید نموده است. پس ستایش و منت از آن الله است، پاک و منزّه است و او را به ستایشی محدود نمی کنیم و توفیق از جانب الله است.

### اهمیت حدیث:

این حدیث قدسی شامل مژده بسیار بزرگ است که انسان را به لطف فراگیر و رحمت گسترده الله که همه چیز را در بر گرفته است، امیدوار می سازد. درون انسان نور امید را شعله ور ساخته و او را به انجام کارها با در نظر گرفتن الله و علم و قدرت و چیرگی و عدالت و لطف او تشویق می کند.

### شرح مختصر حدیث:

در این حدیث قدسی شریف لطف و رحمت بیکران الهی و کرم و احسان حق تعالی را به بندگانش بیان شده است به گونه ای که هر عمل نیکی که شخص مؤمن انجام می دهد ده نیکی به او عطا می شود و

خداوند برای هر کس که بخواهد بیشتر می دهد چنانکه فرموده: ﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضْعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَسِيعٌ عَلِيمٌ﴾ البقرة: ۲۶۱. و چند برابر شدن پاداش بستگی به نیکو بودن اسلام و اخلاص شخص می باشد.

ولی در مورد بدی ها اینگونه نیست و خداوند با لطف و بخشش خویش بدی را تنها یک بدی می نویسد اما گاهی گناهان بر اساس شرف زمان و مکان یا انجام دهنده آن بزرگ تر می شود. مثلاً گناه در ماه های حرام یا در حرم بزرگ تر است و همچنین گناه از برخی از بندگان الله به خاطر قرب و شناختی که نسبت به الله دارند بزرگ تر است چنانکه برای زنان پیامبر ﷺ اینگونه بوده است.

از دیگر لطف و مهربانی های خداوند که در این حدیث بیان شده، پاداش و اجر به خاطر قصد و اراده است بی آنکه شخص آن کار نیک را انجام دهد در حالی که قصد کار بد اینگونه نیست و تنها با اراده آن برای شخص گناهی نوشته نمی شود تا زمانی که آن را انجام دهد و آنگاه تنها یک گناه برایش نوشته می شود و اگر این ترک گناه به خاطر الله باشد شخص صاحب اجر و پاداش می شود چنانکه ابوهریره رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم روایت می کند که فرمود: «يَقُولُ اللَّهُ: إِذَا أَرَادَ عَبْدِي أَنْ يَعْمَلَ سَيِّئَةً فَلَا تَكْتُبُهَا عَلَيْهِ حَتَّى يَعْمَلَهَا، فَإِنْ عَمَلَهَا فَانْتَبُوهَا بِمِثْلِهَا، وَإِنْ تَرَكَهَا مِنْ أَجْلِي، فَانْتَبُوهَا لَهُ حَسَنَةً، وَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَعْمَلَ حَسَنَةً فَلَمْ يَعْمَلَهَا، فَانْتَبُوهَا لَهُ حَسَنَةً، فَإِنْ عَمَلَهَا فَانْتَبُوهَا لَهُ بِعَشْرِ أَمْثَالِهَا إِلَى سَبْعِ مِائَةٍ ضِعْفٍ» یعنی: خداوند متعال می فرماید: هنگامی که بنده ام اراده کرد کاری بدی انجام دهد آن را ننویسد تا اینکه انجامش دهد پس اگر آن را انجام داد همانند آن را برایش بنویسد و اگر آن را به خاطر من ترک کرد برایش یک نیکی بنویسد و هنگامی که خواست کار نیکی انجام دهد و آن را انجام نداد برایش یک نیکی بنویسد پس اگر آن را انجام داد برایش ده تا هفتصد برابر بنویسد.

به همین دلیل است که قاضی عیاض رحمته الله ترجیح می دهد که حدیث ابن عباس رضی الله عنهما را با حدیث ابوهریره رضی الله عنه مقید کرد یعنی اگر ترک بدی به خاطر الله باشد پاداش دارد و در غیر این صورت پاداشی ندارد.

ابن حجر رحمته الله می گوید: احتمال دارد کسی که به خاطر رضای خدا کار بد را ترک نکرده نیکی او با کسی که به خاطر الله این کار را انجام داده متفاوت باشد چرا که گفتیم ترک گناه یعنی دست کشیدن از

۱- صحیح بخاری ج ۷۵۰۱ ح

بدی و دست کشیدن از بدی خیر است و همچنین احتمال دارد که هر کس اراده گناه کند سپس آن را ترک کند فقط یک نیکی دارد پس اگر به خاطر ترس از پروردگار ﷻ باشد پاداشش چند برابر می شود.

خطابی ﷺ می گوید: اگر شخصی که گناه را ترک می کند توان انجام گناه را داشته باشد سپس آن را ترک کند برایش نیکی نوشته می شود زیرا زمانی انسان را ترک کننده می نامند که قدرت انجام کار را داشته باشد.

اینها همه بیانگر لطف بزرگ الله بر انسان است و چه زیبا گفته ابن مسعود رضی الله عنه: «وای بر کسی که یک هایش بر ده هایش چیره شود» یعنی کسی که بدی هایش که تنها یک گناه برایش ثبت می شود از خوبی هایش که ده برابر نوشته می شود بیشتر شود.

### تخریج حدیث:

این حدیث را امام بخاری و مسلم به اتفاق نقل کرده اند، بنابراین حدیث متفق علیه است.

[صحیح البخاری - کتاب الرقاق - باب مَنْ هَمَّ بِحَسَنَةٍ أَوْ بِسَيِّئَةٍ؛ ح ۶۴۹۱] [صحیح مسلم - کتاب الإیمان - من هم بحسنة فلم يعملها كتبت له حسنة؛ ح ۱۳۱]

### فواید حدیث:

- ۱- فرشتگان اعمال قلبی انسان را نیز می نویسند.
- ۲- لطف و رحمت الهی بسیار زیاد است و از جمله رحمتش این است که نیکی ها را چند برابر نموده و بدی ها را افزون نمی کند
- ۳- تشویق به انجام کارهای نیک و ترسانند از کارهای بد و ناشایست
- ۴- شخص مسلمان باید همیشه نیت کارهای نیک در دل داشته باشد چه بسا اجر و پاداش آن برایش نوشته شود.

\*\* \*\* \*



## حدیث سی و هشتم: پرهیز از دشمنی با دوستان الله

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ: مَنْ عَادَى لِي وَلِيًّا فَقَدْ آذَنْتُهُ بِالْحَرْبِ، وَمَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ، وَمَا يَزَالُ عَبْدِي يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالتَّوَّافِلِ حَتَّى أُحِبَّهُ، فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ، وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ، وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا وَرِجْلَهُ الَّتِي يَمْشِي بِهَا، وَإِنْ سَأَلَنِي أَعْطَيْتُهُ<sup>١</sup>، وَلَئِنْ اسْتَعَاذَنِي لِأَعِذَّنَّهُ» .  
رواه البخاري<sup>٢</sup>

معرفی راوی:

ابوهریره رضي الله عنه؛ رجوع شود به حدیث نهم.

کلمات جدید:

عَادَى: دشمنی کرد، به دشمنی گرفت

وَلِيًّا: دوست، محبوب. منظور مؤمنی است که نسبت به الله شناخت داشته باشد و همواره خداوند را در نظر گرفته، از الله پروا کرده و در عبادت‌هایش مخلص باشد.

آذَنْتُهُ بِالْحَرْبِ: علیه او اعلام جنگ می‌کنم.

تَقَرَّبَ: خود را نزدیک کند

افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ: بر او فرض کرده‌ام

مَا يَزَالُ: پیوسته، همیشه

التَّوَّافِلِ: آنچه افزون بر فرایض انجام شود

يَبْطِشُ: دست می‌آورد. تصرف می‌کند

اسْتَعَاذَنِي: از من درخواست پناه کند

<sup>١</sup> - در نسخه‌های خطی اربعین اینگونه است ولی در صحیح بخاری با این لفظ آمده: لِأَعْطَيْتُهُ

<sup>٢</sup> - بخاری (٦٥٠٢)

## ترجمه حدیث:

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «همانا الله متعال فرمود: هر کس با دوست من دشمنی ورزد علیه او اعلام نبرد می کنم، و بنده ام با چیزی که نزد من محبوب تر از فرایض باشد به من نزدیک نشده است، و بنده ام پیوسته با نوافل (سنت ها و مستحبات) به من نزدیک می شود تا جایی که او را دوست می دارم پس هنگامی که او را دوست داشتم شنوایی او می شوم که بوسیله آن می شنود و بینایی او که با آن می بیند و دستش که با آن برمی دارد و پایش که با آن راه می رود و اگر از من درخواست کند به او عطا می کنم و اگر از من پناه بخواهد قطعاً او را پناه می دهم».

## اهمیت حدیث:

شوکانی رحمته الله می گوید: حدیث «من عادى لي ولياً» شامل فواید بسیار و منافع ارزشمندی است برای کسی که به خوبی آن را بفهمد و آنگونه که شایسته است در آن بیانیدشد.

## شرح مختصر حدیث:

این حدیث در اثبات ولایت الهی بر بندگان و بیان وصف اولیاء و دوستان واقعی الله است و از آنجایی که اولیاء واقعی محبوبان حق تعالی و مورد لطف و عنایت ویژه او هستند لذا با هر نوع دشمنی، اذیت و آزار و یا هر نوع اهانتی با آنها از طرف حق تعالی اعلام جنگ شده است یعنی اینکه با انتقام سخت حق تعالی روبرو خواهد بود.

برای رسیدن به این جایگاه بلند باید رضایت و خوشنودی الله را به دست آورد و الله عز و جل انجام فرایض و واجبات را بهترین و محبوب ترین راه برای رسیدن به خوشنودی خود اعلام می نماید تا نشانه ای باشد بر اولیاء واقعی، و هر بی دین و ملحدی نتواند ادعای دوستی و ولایت الله نموده و مردم را بفریبد. بنابراین بهترین راه و تنها راه آغاز برای رسیدن به این مقام انجام واجبات و تکالیف شرعی است، البته با انجام نوافل و سایر مستحبات این راه به تکامل می رسد و دوستدار واقعی اله همیشه با انجام بیشتر نوافل سعی می کند خود را به حق تعالی نزدیک نماید و موجبات رضای او را حاصل کرده و به لطف و عنایت خاص او نایل گردد.

و به همین دلیل فرمود: « بنده ام پیوسته با نوافل (سنت ها و مستحبات) به من نزدیک می شود تا جایی که او را دوست می دارم پس هنگامی که او را دوست داشتم شنوایی او می شوم که بوسیله آن می شنود و بینایی او

که با آن می‌بیند و دستش که با آن برمی‌دارد و پایش که با آن راه می‌رود» و به مفهومی دیگر الله شنوایی و بینایی و سایر اعضای او را از انحراف نگه می‌دارد و تنها در جهت رضای حق از آن استفاده خواهد کرد.

این همان معیت و همراهی خاص حق تعالی با اولیاء خویش است کسانی که سعی در کسب رضای او کرده‌اند و حق تعالی نیز آنها را نصرت داده و موفق و مؤید می‌گرداند. در آیه کریمه می‌خوانیم: ﴿إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ﴾ (النحل: ۱۲۸). و شکی نیست که این نوع معیت و همراهی یک معیت و همراهی ویژه است که شامل با تقوایان و نیکوکاران می‌شود و اگر نه الله متعال در هر زمان و مکان شاهد و حاضر است و هیچ چیز از علم او پوشیده نیست.

### تخریج حدیث:

این حدیث را امام بخاری در صحیح روایت کرده است.

[صحیح البخاری - کتاب الرِّقَاقِ - باب التواضع؛ ح ۶۵۰۲] [سنن ابن ماجه - كِتَابُ الْفِتَنِ - إن يسير الرياء شرك وإن من عادى لله ولها فقد بارز الله بالمحاربة؛ ح ۳۹۸۹]

### فواید حدیث:

- ۱- این حدیث، شریف‌ترین و زیباترین حدیث در وصف اولیاء است
- ۲- خطر دشمنی با اولیاء خداوند و اینکه هر نوع هتک حرمت مؤمن اعلام جنگ و دشمنی با الله است
- ۳- ولایت و دوستی الله عزوجل بوسیله اداى فرایض و انجام نوافل صورت می‌پذیرد
- ۴- ادعای اینکه ولایت و تقرب به الله عزوجل از راهی جز فرمانبرداری و عبادتی که در شرع مشخص شده به دست می‌آید، ادعایی باطل است
- ۵- انجام نوافل بعد از اداى فرایض، محبت الله ﷻ را محقق می‌سازد ولی به شرط استمرار و مداومت بر آن
- ۶- نتیجه محبوب شدن بنده نزد الله، ربانی شدن بنده و پذیرفته شدن دعاهاى وی و مستجاب الدعوه شدن است

## حدیث سی و نهم: از ویژگی‌های امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم

عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رضی الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ تَجَاوَزَ لِي عَنْ أُمَّتِي: الْخَطَأَ وَالنَّسْيَانَ وَمَا اسْتُكْرَهُوا عَلَيْهِ». حدیث حسن رواه ابن ماجه والبيهقي وغيرهما.

### معرفی راوی:

عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب قریشی هاشمی رضی الله عنه؛ رجوع شود به حدیث نوزدهم.

### کلمات جدید:

تَجَاوَزَ: درگذشت و بخشید

الْخَطَأَ: اشتباه، کاری که عمدی نباشد

النَّسْيَانَ: فراموشی

مَا اسْتُكْرَهُوا عَلَيْهِ: آنچه از روی اجبار انجام شود

### ترجمه حدیث:

از ابن عباس رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «همانا الله به خاطر من از امتم: اشتباه و فراموشی و آنچه بر آن اجبار شده باشد را بخشیده است»

### اهمیت حدیث:

امام نووی رحمته الله در شرح اربعین می‌گوید: این حدیث شامل فواید و امور مهمی است که اگر آنها را گردآوری کنم تألیفی می‌شود که گنجایش این کتاب را ندارد.

### شرح مختصر حدیث:

این حدیث درباره بخشش و گذشت الله متعال نسبت به گناهانی است که انسان آن را از روی نادانی یا فراموشی و یا اجبار انجام می‌دهد که البته استثناء هم دارد ولی اکثر تکالیف شرعی در این باب می‌گنجد و انسانی که قصد بدی نداشته باشد ان شاء الله در قیامت مؤاخذه نخواهد شد.

<sup>۱</sup>- ابن ماجه (۲۰۴۵)، بیهقی (۳۵۶/۷) ابن حبان (۷۲۱۹) حاکم (۱۹۸/۲)

البته از آنجایی که اسلام مصالح و حقوق افراد و حقوق جامعه را مراعات نموده است اگر کاری از کسی سرزند که حق دیگری در آن باشد حتماً مورد حساب و مؤاخذه و مجازات دنیوی قرار خواهد گرفت مانند عمل زنا، دزدی و قتل.

ولی در مورد واجبات و تکالیف، رحمت الهی و لطف بیکران وی چنین اقتضاء کرده است که در این سه مورد بنده‌اش را مورد عفو و بخشش قرار دهد که مفهوم این آیه می‌باشد که ﴿رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا﴾ البقرة: ۲۸۶ و آیه مبارکه ﴿مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ﴾ النحل: ۱۰۶

بنابراین، در عموم خطاب شرعی مسلمان در صورت اشتباه یا فراموشی و اجبار دیگران مورد بازخواست شرعی قرار نمی‌گیرد مگر اینکه حق دیگری بدان تعلق داشته باشد.

### تخریج حدیث:

این حدیث را امام ابن ماجه و بیهقی روایت کرده‌اند و شیخ ناصر الدین البانی آن را در مشکاة المصابیح صحیح دانسته است.

[سنن ابن ماجه - كتاب الطلاق - باب طلاق المكره والناسی؛ ح ۲۰۴۵] [السنن الكبرى للبيهقي - كتاب الوصايا -

جماع ابواب إتيان المرأة؛ ۳۵۶/۷]

### فواید حدیث:

- ۱- لطف و رحمت بی‌کران الهی نسبت به بندگانش
- ۲- ارتکاب محرمات از روی نادانی یا فراموشی و اجبار گناهی ندارد ولی در جایی که متعلق به حق دیگری باشد مجازات دارد
- ۳- بیان شرف و برتری این امت بر دیگر امت‌ها
- ۴- ترک واجبات در حالت جهل و فراموشی و اجبار گناهی ندارد ولی قضای آن را ساقط نمی‌کند

\*\*      \*\*      \*\*

## حدیث چہلم: غنیمت شمردن لحظہا پیش از فرا رسیدن وفات

عَنِ ابْنِ عُمَرَ رضی اللہ عنہما قَالَ: أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم بِمَنْكِبِي فَقَالَ: «كُنْ فِي الدُّنْيَا كَأَنَّكَ غَرِيبٌ، أَوْ عَابِرُ سَبِيلٍ» .

وَكَانَ ابْنُ عُمَرَ رضی اللہ عنہما يَقُولُ: إِذَا أَمْسَيْتَ فَلَا تَنْتَظِرِ الصَّبَاحَ ، وَإِذَا أَصْبَحْتَ فَلَا تَنْتَظِرِ الْمَسَاءَ ، وَخُذْ مِنْ صِحَّتِكَ لِمَرَضِكَ ، وَمِنْ حَيَاتِكَ لِمَوْتِكَ . رواه البخاري!

### معرفی راوی:

عبدالله بن عمر بن خطاب رضی اللہ عنہما ؛ رجوع شود به حدیث سوم.

### کلمات جدید:

أَخَذَ: گرفت

مَنْكِبِي: شانہ ام را

كُنْ: باش

كَأَنَّكَ: مثل اینکه، گویی کہ

عَابِرُ سَبِيلٍ: رهگذر، مسافر

إِذَا أَمْسَيْتَ: هنگامی کہ وارد بعد از ظهر شدی. مساء از زوال خورشید آغاز می شود و تا نیمه اول شب

ادامه دارد

إِذَا أَصْبَحْتَ: هنگامی کہ وارد صبح شدی. صبح از نیمه دوم شب آغاز شده تا هنگام زوال خورشید

ادامه دارد

### ترجمہ حدیث:

از ابن عمر رضی اللہ عنہما روایت است کہ گفت: رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم شانہ ام را گرفته و فرمود: «در دنیا چنان باش کہ گویی غریبه یا رهگذری».

<sup>۱</sup> - بخاری (۶۴۱۶)

و ابن عمر رضی اللہ عنہما می گفت: «هنگامی که شب کردی منتظر صبح مباش و هنگامی که صبح کردی منتظر شب نباش و از سلامتی‌ات برای بیماری‌ات و از زندگی‌ات برای مرگت (توشه) بگیر».

### اهمیت حدیث:

این دربرگیرنده انواع نیکی و یکی از مهم‌ترین اندرزها و اساس دل‌ن بستن به دنیا می‌باشد. چرا که شایسته نیست شخص مؤمن دنیا را وطن و محل آرامش خویش قرار داده و به آن اطمینان کند بلکه باید در دنیا همانند مسافری باشد که برای رسیدن به مقصد برنامه ریزی کند.

### شرح مختصر حدیث:

این حدیث یکی از رهنمودهای مهم رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم درباره زهد و قناعت در دنیا و متاع آن است که عدم آن یعنی دلبستگی و علاقه شدید به دنیا انسان را از یاد آخرت غافل و در انجام عبادات سست می‌کند.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفِثَنَّهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ حَيْرٌ وَابْقَىٰ﴾ (۱۳۱) وَأَمْرًا هَلَاكًا بِالصَّلَاةِ وَأَصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا تَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَنَابَةُ لِلنَّفْوَىٰ ﴿۱۳۲﴾ طه: ۱۳۱ - ۱۳۲

تشبیه زیبایی که در این حدیث آمده است بیانگر دیدگاه واقعی اسلام به دنیا است که شخص مسلمان نباید به آن وابسته بوده و آن را منزل جاودان و دائمی خویش بیندارد و تمام تلاشش را برای آن به کار برد به گونه‌ای که از آخرت و خدمت به خلق باز بماند. بلکه باید همانند غریب و مسافری باشد که بارش را همیشه برای سفر آماده کرده و می‌خواهد به دیار دیگری برود در نتیجه هرچه را مفید و مهم ببیند برمی‌دارد و از سیر به سوی مقصدش غافل نمی‌ماند.

اگر در زندگی نامه عبدالله بن عمر رضی اللہ عنہما بنگریم می‌بینیم که این پند رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم را به خوبی عملی نموده و با وجود علم بسیار و جایگاه بالایی که داشت هرگز به دنیا دل‌ن بست و با اینکه پسر خلیفه مسلمانان و امیر مؤمنان بود یک لحظه نیز آرزوی حکمرانی و ریاست نکرد و در کمال سادگی زیست و بسیار سخاوت‌مند زندگی کرد و می‌فرمود: «هنگامی که شب کردی منتظر صبح مباش و هنگامی که صبح کردی منتظر شب نباش و از سلامتی‌ات برای بیماری‌ات و از زندگی‌ات برای مرگت (توشه) بگیر» و این بیداری و تقوای او را می‌رساند که همیشه آماده پرگشودن به سوی حق تعالی بود و هرگز به این دنیا دل‌ن بسته بود.

و به طور کلی دلبستگی و علاقه بسیار به دنیا از مهمترین اسباب سستی و تنبلی در انجام واجبات شرعی است که اسلام آن را نکوهیده است.

### تخریج حدیث:

این حدیث را امام بخاری در صحیح روایت کرده است. امام احمد در مسند و امام ترمذی در جامع و امام ابن ماجه در سنن نیز آن را روایت کرده‌اند

[صحیح البخاری - کتاب الرِّقَاقِ - باب قول النبي صلى الله عليه وسلم كن في الدنيا كأنك غريب أو عابر سبيل؛ ح ۶۴۱۶] [جامع الترمذی - کتاب الزُّهْدِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - بَاب مَا جَاءَ فِي قِصْرِ الْأَمَلِ؛ ح ۲۳۳۳] [سنن ابن ماجه - کتاب الزُّهْدِ - كن في الدنيا كأنك غريب أو كأنك عابر سبيل؛ ح ۴۱۱] [مسند أحمد - مُسْنَدُ الْمُكْثَرِينَ مِنَ الصَّحَابَةِ - مسند عبد الله بن عمر بن الخطاب - رضی الله عنه - كن في الدنيا كأنك غريب أو عابر سبيل؛ ح ۴۷۰] [

### فوائد حدیث:

- ۱- یکی از راه‌های تربیت در اسلام نصیحت صادقانه است
- ۲- تشویق به احساس غربت در این زندگی تا مؤمن با انجام کارهای نیک خود را برای آخرت آماده کرده و دلبسته دنیا نشود
- ۳- قناعت و زهد در دنیا نشانه ایمان راستین به آخرت است
- ۴- انسان باید از زندگی دنیا برای انجام عبادت و فرمانبرداری از الله بهره گیرد پیش از آنکه فرصت را از دست بدهد.
- ۵- حرص و آرزوهای دراز دو عاملی هستند که عمر انسان را تباه می‌کنند
- ۶- تأثیر پذیری ابن عمر رضی الله عنهما از نصیحت رسول الله صلی الله علیه و آله که نشانه ایمان صادقانه و منزلت والای این صحابی بزرگوار است

\*\*      \*\*      \*\*



## حدیث چهل و یکم: پیروی کردن از پیامبر ﷺ

عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ رضي الله عنه ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ : «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يَكُونَ هَوَاهُ تَبَعًا لِمَا جِئْتُ بِهِ».

حدیث صحیح رویناه فی کتاب الحجّة باسناد صحیح

معرفی راوی:

- عبد الله بن عمرو بن العاص القرشي السهمي رضي الله عنه
- او و پدرش هر دو صحابی می‌باشند و او پیش از پدرش اسلام آورد. نامش عاصی بود پس پیامبر ﷺ آن را تغییر داد.
- از علمای صحابه و یکی از عبادله می‌باشد. شخصی بسیار زاهد بود؛ روزها روزه می‌گرفت و شب‌ها به قیام مشغول می‌شد و بسیار قرآن تلاوت می‌نمود. از رسول الله ﷺ اجازه نوشتن حدیث نمود و رسول الله ﷺ به وی اجازه نوشتن داد
- همراه با پدرش عمرو بن العاص در فتح شام شرکت داشت.
- ۷۰۰ حدیث از رسول الله ﷺ روایت نموده است
- در آخر عمرش نابینا شد و در سال ۶۳ و گفته شده ۶۵ هجری وفات یافت.

کلمات جدید:

لَا يُؤْمِنُ: ایمان نمی‌آورد. منظور نفی کمال ایمان است

هَوَاهُ: خواسته‌ها و تمایلات

تَبَعًا: پیرو و مطیع

لِمَا جِئْتُ بِهِ: به آنچه آورده‌ام. منظور دستورات دین و شریعت اسلام است

<sup>۱</sup> - کتاب «الحجة على تارك المحجة» تأليف امام ابو الفتح نصر بن ابراهيم مقدسي (ت ۴۹۰) كتابي در زمينه عقيدة اهل سنت و حدیث است که به اهل بدعت و صاحبان عقاید نادرست پاسخ می‌دهد. نگا: «جامع العلوم والحکم» (۳۹۳/۲)

<sup>۲</sup> - لقبی است که بر چهار صحابه که نامشان عبدالله بود اطلاق می‌شود و آنها عبارتند از: عبدالله بن عمر، عبدالله بن عباس، عبدالله بن زبیر و عبدالله بن عمرو بن العاص - رضی الله عنهم - . به امام احمد گفته شد پس عبدالله بن مسعود چه؟ گفت: او از عبادله نیست. حافظ بیهقی می‌گوید زیرا ابن مسعود زودتر وفات یافت ولی آنها زنده ماندند تا اینکه مردم محتاج علمشان شدند و هنگامی که بر چیزی اتفاق می‌کردند گفته می‌شد: این سخن عبادله، یا فعلشان یا مذهب آنها است.

### ترجمه حدیث:

از ابو محمد عبدالله بن عمرو بن عاص رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «ایمان نمی‌آورد یکی از شما تا اینکه خواسته‌هایش تابع آن چیزی باشد که آورده‌ام».

### اهمیت حدیث:

این حدیث بیان یکی از مهم‌ترین نشانه‌های ایمان راستین، یعنی تسلیم بودن در برابر شریعت و کنار زدن خواسته‌ها و امیال شخصی در برابر دستورات دین می‌باشد.

### شرح مختصر حدیث:

امام نووی رحمته الله در شرح این حدیث گفته است بر هر کس واجب است تا عمل خود را بر کتاب و سنت عرضه کند و در صورت مخالفت، هوای نفس خویش را کنار بگذارد و از شریعت محمد صلی الله علیه و آله پیروی نماید و این مشابه آیه‌ای از قرآن است که می‌فرماید: ﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا﴾ ﴿٣٦﴾ الأحزاب: ۳۶

بنابراین شایسته نیست کسی در مقابل فرمان الله و رسولش، امر و نظری داشته باشد چرا که پیروی از هوای نفس منشأ گناهان و بدعت‌ها و رویگردانی از حق است. چنانکه الله تعالی فرموده: ﴿فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَأَعْلَمْ أَنَّمَا يُتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ ﴿٥٠﴾ القصص: ۵۰

همچنین شایسته نیست انسانی که خداوند او را از دیگر آفریده‌ها متمایز ساخته تابع و برده‌ی هوای نفس خویش باشد.

ابن رجب حنبلی رحمته الله می‌گوید: معنای حدیث آن است که هیچ انسانی به کمال ایمان نمی‌رسد مگر اینکه محبت و دوستی‌اش تابع محبت و دوستی‌های رسول الله صلی الله علیه و آله باشد، همه‌ی اوامر و نواهی و غیر آن، و هر چه دستور داده است را دوست بدارد و هر چه را که نهی فرموده زشت بیندارد.

و در همین معنی آیات قرآن نازل شده است که می‌فرماید: ﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ ﴿٦٥﴾ النساء: ۶۵

همچنین در صحیح بخاری و صحیح مسلم از رسول الله ﷺ روایت شده که فرمود: «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ، وَوَالِدِهِ، وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ» متفق علیه<sup>۱</sup>

نکته‌ای که ممکن است در این حدیث مشکل به نظر برسد کلمه «هوی» می‌باشد که عموماً برای گرایش به خلاف و انحراف استفاده می‌شود پس چگونه مؤمن در این نوع گرایش‌ها تابع رسول الله ﷺ باشد. علما پاسخ داده‌اند که در زبان عربی از این کلمه در خواسته‌های خوب نیز استفاده شده است. چنانکه عمر رضی الله عنه در داستان مشورت رسول الله ﷺ در مورد اسیران بدر می‌گوید: «فهوی رسول الله ﷺ ما قال ابوبکر و لم يهو ما قلت»<sup>۲</sup> یعنی: پس رسول الله ﷺ آنچه ابوبکر گفت را پسندید و آنچه من گفتم را نپسندید.

### تخریج حدیث:

این حدیث را امام منذری در شرح السنة و امام بیهقی در المدخل إلى سنن الکبری و امام ابن ابی عاصم در السنة و امام ابن رجب در جامع العلوم و امام تبریزی در مشکاة المصابیح نقل کرده‌اند ولی اکثر محققین آن را ضعیف دانسته‌اند

[المدخل إلى سنن الکبری للبيهقي - باب ما يذكر من ذم الرأي وتكلف القياس في موضع النص؛ ح ۲۰۹] [السنة لابن أبي عاصم - باب ما يجب أن يكون هوى المرء تبعاً لما جاء به النبي صلى الله عليه وسلم؛ ح ۱۵]

### فواید حدیث:

- ۱- وجوب تسلیم بودن در برابر فرمان الله متعال و پیامبرش ﷺ که نشانه ایمان است
- ۲- منظور از نفی ایمان در چنین احادیثی نفی کمال ایمان است نه نفی مطلق آن
- ۳- در حالت تعارض بین خواسته نفس و خواسته شریعت مؤمن واقعی خواسته شرعی را ترجیح

می‌دهد

- ۴- هشدار نسبت به پیروی کردن از هوای نفس

\*\* \*\* \*

<sup>۱</sup> - صحیح بخاری ح ۱۵ صحیح مسلم ح ۴۵

<sup>۲</sup> - صحیح مسلم ح ۱۷۶۶

## حدیث چهل و دوم: وسعت آمرزش خداوند ﷻ و خطر شرک

عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: يَا ابْنَ آدَمَ إِنَّكَ مَا دَعَوْتَنِي وَرَجَوْتَنِي غَفَرْتُ لَكَ عَلَى مَا كَانَ مِنْكَ وَلَا أَبَالِي. يَا ابْنَ آدَمَ لَوْ بَلَغَتْ ذُنُوبُكَ عَنَانَ السَّمَاءِ ثُمَّ اسْتَغْفَرْتَنِي غَفَرْتُ لَكَ. يَا ابْنَ آدَمَ إِنَّكَ لَوْ أَتَيْتَنِي بِقُرَابِ الْأَرْضِ خَطَايَا ثُمَّ لَقِيتَنِي لَا تُشْرِكُ بِي شَيْئًا لَأَتَيْتُكَ بِقُرَابِهَا مَغْفِرَةً». رواه التِّرْمِذِيُّ وقال: حديث حسن<sup>1</sup>

معرفی راوی:

انس بن مالک بن نصر انصاری خزرچی رضی الله عنه؛ رجوع شود به حدیث سیزدهم.

کلمات جدید:

مَا دَعَوْتَنِي: تا هنگامی که مرا دعا کنی، مادامی که از من درخواست کنی

رَجَوْتَنِي: به من امید داشته باشی، به عفو و رحمت امیدوار باشی

لَا أَبَالِي: باکی ندارم

عَنَانَ: اوج، بالا

قُرَابٍ: پری آن، به اندازه

ترجمه حدیث:

از انس رضی الله عنه روایت است که گفت: از رسول الله ﷺ شنیدم که می فرمود: «اللَّهُ - متعال - فرمود: ای فرزند آدم، تا هنگامی که مرا بخوانی و به من امیدوار باشی .. هر چه کرده باشی می آمرزم و باکی ندارم. ای فرزند آدم، اگر گناهانت به بلندای آسمان برسد سپس از من درخواست آمرزش کنی تو را می آمرزم.

ای فرزند آدم، اگر با گناهایی به پری زمین نزد بیای سپس در حالی که دیدارم آبی که هیچ شرکی نیاورده باشی، به اندازه همان گناهان آمرزش بر تو پیش می کنم»

<sup>1</sup> - ترمذی (۳۵۴۰)

## اهمیت حدیث:

این حدیث اصلی مهم در بیان صفت آمرزش‌گر بودن خداوند متعال و بیانگر خطر بزرگ شرک می‌باشد

## شرح مختصر حدیث:

این حدیث یکی دیگر از احادیث قدسی، و خاتمه این کتاب مبارک است. امید انسان را به گذشت و رحمت بی‌کران الهی زیاد می‌کند که خود یکی از اسباب افزایش ایمان تقوی و انجام خوبی‌ها است، زیرا اگر انسانی یقین داشته باشد که چنین پروردگار پر لطف و بزرگواری دارد هرگز از درگاهش مأیوس نخواهد شد و به همین دلیل امام نووی رحمته الله علیه این حدیث را خاتمه این کتاب مبارک قرار داده است.

اللَّهُ نَدَايَ نَدَايَ دَعَايَ دَعَايَ : ای بنی آدم - و این خطاب ربانی شامل هر انسانی است و او را به راه بازگشت فرامی‌خواند - تا زمانی که مرا به قصد عفو و بخشش فرامی‌خوانی و در دل امیدواری، بدان که هر که باشی و هر چه کرده باشی تو را خواهم بخشید و هیچ باکی از حجم گناهانت ندارم؛ و این مشابه آیه کریمه است که فرمود: ﴿ قُلْ يٰۤاَعْبَادِيَ الَّذِيْنَ اَسْرَفُوْا عَلٰٓىۤ اَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوْا مِنْ رَّحْمَةِ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ يَغْفِرُ الذُّنُوْبَ جَمِيْعًا اِنَّهٗ هُوَ الْغَفُوْرُ الرَّحِيْمُ ﴿۵۳﴾ الزمر: ۵۳

ای بنی آدم اگر گناهانت به اوج آسمان‌ها هم رسیده باشد ولی مرا برای عفو و بخشش بطلبی تو را خواهم بخشید. ای بنی آدم اگر گناهانت دنیا را پر کرده باشد بدان که اگر یکتاپرست مرده‌ای و در قیامت مرا با ایمان و توحید ملاقات کنی تو را خواهم بخشید. بنابراین یکتاپرستی اساس مغفرت و آمرزش خداوند متعال است و یکتاپرست واقعی سرانجامش بهشت جاودان است.

این ندای ربانی هر بنده‌ای را به لطف و بزرگواری و حرمت حق تعالی امیدوار کرده و همه را به سوی خود فرامی‌خواند.

جالب است بدانیم که امام نووی کتابش را با حدیث مشهور *إنما الأعمال بالنیات* آغاز و با این به پایان رساند تا بگوید که انسان باید در ابتدای انجام هر کاری نیتش را خالص کند و در پایان نیز از کوتاهی و کاستی‌هایش توبه نموده و استغفار کند تا آن عبادت مورد قبول حق تعالی واقع شود.

شاید یکی از علت‌هایی که امام نووی این حدیث را خاتمه کتابش قرار داده این باشد که انسان در پایان کارش باید به رحمت و بخشش الله امیدوار باشد و از گذشتگان نقل شده که در هنگام سلامتی و

شادابی بیم و ترسشان بر امید آنها غالب بود، اما به هنگام وفات و در پایان زندگی امیدشان بر ترسشان غلبه می‌یافت.

### تخریج حدیث:

این حدیث را امام ترمذی در جامع و امام دارمی در سنن و امام احمد در مسند روایت کرده‌اند.

[جامع الترمذی - کتاب الدَعَوَاتِ - لولا أنکم تذنبون لخلق الله خلقا یذنبون ویغفر لهم؛ ح ۳۵۴۰] [مسند أحمد - مُسْنَدُ الْأَنْصَارِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ - حدیث أبي ذر الغفاري رضی الله عنه؛ ح ۲۰۹۶۰] [سنن الدارمی - ومن کتاب الرقاق - باب إذا تقرب العبد إلى الله؛ ح ۲۷۸۸]

### فواید حدیث:

- ۱- گستردگی و عظمت رحمت و آمرزش خداوند نسبت به بندگانش
- ۲- فضیلت استغفار و توبه و اینکه الله دوست دارد گناهکاران توبه کنند تا آنها را ببخشد
- ۳- الله هر گناهی را هر چند بزرگ باشد با توبه می‌بخشد. (به جز حق الناس)
- ۴- هشدار نسبت به شریک قرار دادن برای الله و بیان اینکه بزرگ‌ترین گناه شرک است
- ۵- اگر انسان بر یکتاپرستی بمیرد امید به عفو و بخشش الله برای او بسیار است.
- ۶- بیان اینکه شخص مسلمان با انجام گناه کافر نمی‌شود.

\*\*      \*\*      \*\*

## مراجع :

- الأربعون النووية، لمحي الدين أبي زكريا يحيى بن شرف النووي - طبعة الأولى ١٤٣٠هـ  
٢٠٠٩ م دار المنهاج
- متن الأربعين النووية ، ضبطه وشرح غريبه محمد بسام حجارى، الطبعة الأولى ١٤٣١هـ  
-٢٠١٠م، دار الغوثانى للدراسات القرآنية
- الوافى فى شرح الأربعين النووية ، للمؤلفين : الدكتور مصطفى البغا ومحيى الدين مستو،  
الطبعة التاسعة ١٤١٦هـ-١٩٩٦ م، دار ابن كثير
- شرحى بر اربعين نووى - عبدالسلام ملائى
- شرح اربعين نووى - محمد على خالدى